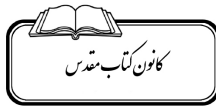


مشایخ کلیسا

چگونه
همچون عیسی
قوم را شبانی
کنیم

جرمی رین

علی بیداد - محمد ثانوی



مشایخ کلیسا

جرمی دین

برگردان به فارسی علی بیداد
ویرایش محمد ثانوی

شابک ۹۷۸ - ۱ - ۹۴۵۱۱۹ - ۹۹ - ۶

© 2018, 9Marks
www.9marks.org
www.kanoneketab.com

Church Elders: How to Shepherd God's People Like Jesus
Copyright © 2014 by Jeramie Rinne

Published by Crossway
1300 Crescent Street
Wheaton, Illinois 60187

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in any form by any means, electronic, mechanical, photocopy, recording, or otherwise, without the prior permission of the publisher, except as provided for by USA copyright law.

Cover design: Dual Identity inc.

Cover image(s): Wayne Brezinka for brezinkadesign.com First printing 2014

9Marks ISBN: 978-1-950396-89-4

© 2018 www.kanoneketab.com

Translation By: Mohammad Sanavi, Ali Bidad



www.kanoneketab.com



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



کانون کتاب مقدس



عنوان: مشایخ کلیسا: چگونه همچون عیسی، قوم خدا را شبانی کنیم

نویسنده: جریمی رین

مترجمین: علی بیداد، محمد ثانوی

تعداد صفحات: ۱۳۴

شابک ۹۷۸-۱-۹۴۵۱۱۹-۹۹-۶

ناشر: کانون کتاب مقدس

چاپ اول ۲۰۱۸

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای موسسه کانون کتاب مقدس محفوظ است. هر گونه نسخه برداری الکترونیک، صوتی، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه کانون کتاب مقدس مطابق قانون حق مؤلف و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

خوانندگان گرامی

امروزه ضرورت مطالعه اصولی و درک صحیح کتاب مقدس برای همه مسیحیان کاملاً مشهود است و هدف ما از ترجمه، گردآوری و تدریس این مجموعه کتب تعلیمی این بوده که به نوعی ابزارهای لازم برای این مهم را در اختیار معلمین کتاب مقدس قرار داده و آنها را مجهز نماییم تا علاوه بر تعلیم صحیح کتاب مقدس و شاگردسازی، قادر باشند تعالیم غلط و دروغین را نیز تمیز دهند.

امیدواریم و دعای ما این است که با درک صحیح و عمیق تر از کتاب مقدس، ثمرات نیکوی کلام خدا در زندگی شما و ما با کمک روح القدس به فراوانی دیده شود. در انتها از همه کسانی که با وفاداری برای تهیه این مجموعه ما را در این مدت یاری کرده‌اند تشکر می‌کنیم از برادر نادر پورمند در ترجمه و خواهران مونا و غزال برای تایپ، همچنین از برادر کن تمپل برای مشاوره الهیاتی سپاس گزاریم.

برای تهیه دیگر کتب آموزشی لطفاً با ما به آدرس btcpersians@gmail.com تماس حاصل نمایید و یا از سایت ما به آدرس www.kanoneketab.com برای دریافت دیگر منابع دیدن فرمایید. قبلاً از لطف شما سپاسگزاریم.

محمد ثانوی

مدیر اجرایی کانون کتاب مقدس

هدف کانون کتاب مقدس:

آماده سازی و تجهیز مردان و زنانی است
که توسط کلیسای محلی به عنوان
خدمتگذاران با صلاحیت تشخیص داده
شده اند تا خدمت آموزش و
شاگردسازی بدن مسیح را با انجام رسانند.

هدایت و رهبری کلیسا، مانند دیگر عطایای روح، برای تقویت بدن مسیح است. پولس رسول به زبانی ساده به تیتوس می‌فرماید که در کلیسا تا زمانی که رهبریت صحیح ایجاد نشود، نظم و ترتیب نخواهد بود. بیشتر مشکلات حل نشده در زندگی کلیسا را می‌توان به ضعف هدایت و رهبری نشان داد. «جرمی رین» آنچه را که کتاب مقدس در مورد هویت و فعالیت مشایخ کلیسای محلی به دست می‌دهد را با طراوت و شفافیتی که عمیقاً مفید است، بازگو می‌کند. این کتابی است که مشایخ کلیسا می‌توانند برای نفع خودشان با هم بخوانند و فردی که جماعت را برای دعا و حمایت از رهبران خود کمک کنند تا وظیفه‌شان را با شادی و نه به عنوان بار کمرشکن انجام دهند.

آلستیر بیگ، شبان کلیسا

Alistair Begg, Senior Pastor, Parkside Church, Cleveland, Ohio

«جرمی رین» نشان می‌دهد که می‌توان هم جامع و هم مختصر درباره مسئولیت و خدمات مشایخ کلیسا نوشت. و این کتاب چقدر در این ضمیمه با ارزش است! متوجه شدم که این کتاب برای من به عنوان شبان صرفاً کتاب آموزشی نیست، بلکه کتابی نیایشی نیز می‌باشد. این کتاب مرا در محبت به مسیح و گسترش کلیسا یاری می‌رساند. من به سختی می‌توانم به کتابی دیگر فکر کنم که در این موضوع بتوان به این راحتی قابل استفاده باشد.

جارد سی ویلسون، شبان کلیسا

Jared C. Wilson, Pastor, Middletown Springs Community Church, Middletown Springs, Vermont; author, *Gospel Wakefulness* and *The Pastor's Justification*

آیا انتظار دیدن رشد گروهی از مردان بالغ و باخدا در کلیسای خود را که در کنار شبان تمام وقت برای تعلیم، تربیت جماعت در شاگردی خدمت می‌کنند را دارید؟ این کتابچه برگرفته از کتاب مقدس، حکیمانه و سبکی دوستانه در مورد طبیعت اساسی خدمت رهبری کلیسا است. صرفنظر از دیدگاه شما نسبت به چگونگی تعیین، مشایخ کلیسا نحوه سازماندهی و یا نامگذاری آنان، این کتابچه برای چالش، تشویق و راهنمایی شما بسیار مفید خواهد بود.

تونی پین

Tony Payne, Publishing Director, Matthias Media; co-author, *The Trellis and the Vine*

فهرست

۹	پیشگفتار مجموعه
۱۱	مقدمه
۱۵	فصل ۱ حدس نزنید
۲۹	فصل ۲ بوی گوسفند دهید
۴۳	فصل ۳ کلام را خدمت کن
۵۵	فصل ۴ بدنبالِ پراکنده شدگان
۶۷	فصل ۵ رهبری به دور از سروری
۸۱	فصل ۶ شبانی با هم
۹۳	فصل ۷ نمونهٔ بلوغ باشید
۱۰۵	فصل ۸ برای گلهٔ خود نمونه باشید
۱۱۷	خاتمه

پیش گفتار مجموعه

آیا باور دارید که مسئولیت شما یاری کردن در جهت بنای کلیسای تندرست است؟ اگر شما مسیحی هستید، ما بر این باوریم که این مسئولیت بر دوش شماست.

عیسی به شما فرمان داده که رفته و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰). رساله به یهودا می‌فرماید که شما باید در ایمان پیشرفت کنید (یهودا ۲۰-۲۱). پطرس رسول می‌فرماید که عطایای خود را در راه خدمت به دیگران استفاده نمایید (۱ پطرس ۴: ۱۰). پولس رسول می‌فرماید که حقیقت را در قالب محبت بازگو کرده، به این ترتیب کلیسای شما در بلوغ رشد نماید (افسیسیان ۴: ۱۳، ۱۵). متوجه هستید که با این صحبت‌ها به کجا می‌رویم؟

چه شما عضو کلیسا یا یکی از مشایخ کلیسا باشید، هدف مجموعه کتاب‌های «کلیسای تندرست»، یاری رساندن به شما در جهت تکمیل فرمان کتاب مقدس و نقش شما در بنای کلیسای تندرست می‌باشد. امید ما بر این است که این سری کتاب‌ها شما را کمک نموده تا محبتتان به کلیسا همچون محبت عیسی به کلیسا، رشد کند.

برنامه مؤسسه «۹ علامت»، تولید کتابچه‌هایی برای هر بخش از این «۹ علامت کلیسای تندرست»، و به علاوه موضوع «الهیات صحیح» می‌باشد. به دنبال تهیه کتاب‌های «موعظه تشریحی»، «الهیات کتاب مقدسی»، «انجیل»، «تبدیل جانها»، «بشارت دادن»، «عضویت کلیسا»، «تادیب و تنبیه کلیسایی»، «شاگرد سازی و رشد» و «مشایخ کلیسا» باشید.

موجودیت کلیسا برای نمایش جلال خدا به ملت‌هاست. ما این کار را با چشم دوختن به انجیل عیسی مسیح، اطمینان به نجات او، و سپس با

قدوسیت خداوند و در اتحاد باهم و محبت کردن به یکدیگر، انجام
می دهیم.

با امید،
مارك دور و جانانان لی من
ویراستگران ارشد

مقدمه

من یکی از مشایخ کلیسا هستم، حالا باید چکار کنم؟

اکثر شبان‌ها می‌توانند کتابی به اسم «در دانشکده الهیات چه چیزی را به من نگفتند» بنویسند. آن کتاب احتمالاً فصل‌هایی دردناک و سنگینی خواهد داشت. فصل‌هایی مانند: «چطور در یک ملاقات کاری ناگوار موفق باشید.» «در مراسم ترحیم یک کودک سه ساله چه بگوییم». خدمت شبانی شامل رنج کشیدن، سرخوردگی و دلشکستگی است که هیچ مدرسه الهیاتی فرد را برای آن آماده نمی‌کند.

اما خدمت، غافلگیری‌های خوشحال‌کننده هم دارد. هیچ کس در دانشکده الهیات به من نگفت که ممکن است من عاشق اعضای کلیسایم بشوم و یا من در بهترین صندلی سالن نمایش نشسته، وفاداری خدا و قدرت انجیل را بتوانم در زندگی افراد تماشا کنم. و هیچ کس به من درباره لذت و رضایتی که در کار با مشایخ پاره وقت^۱ هست، آگاهی نداده بود.

من مشایخ پاره وقت را دوست دارم و مردانی که علیرغم برنامه کاری فشرده و زندگی شخصی پر مشغله‌شان، وقت، مال، اشک و دعا‌های خود را فدای خدمت هدایت کلیسا میکنند احترام قائل هستم. من از تماشای آنها در زمانی که با یکدیگر برای چالش‌ها کشمکش می‌کنند و مرتکب اشتباه

۱. Lay elder - گاهی در کلیساها با تعداد اعضای بالا، مشایخ کلیسا به صورت تمام وقت در کلیسا خدمت می‌کنند و شغل دیگری ندارند. در عین حال گروه دیگری از مشایخ می‌باشند که در کنار حرفه خود خدمت رهبری کلیسا را به دوش دارند که به صورت پاره وقت می‌باشند.

مشایخ کلیسا

می‌شوند و نهایت در این مسیر پخته می‌شوند، لذت می‌برم. اینکار همانند وقت گذاشتن با دوازده شاگردان مسیح است. افرادی معمولی، مردانی با نقاط ضعف که خواندگی فوق‌العاده با لطف خدا دارند. مشایخ کلیسای من واقعاً یک تجسم از برادران من بوده‌اند. من نمی‌توانم خدمتی را بدون همکاری شبانانم تصور کنم.

من مشایخ کلیسا را به یک دلیل دیگر هم دوست دارم: آنها نقشه خدا برای هدایت کلیسای او هستند. خدا همیشه شبانانی را برای قوم خود مهیا کرده است. او موسی، سموئیل، و داوود را به قوم اسرائیل داد. او بهترین شبان اسرائیل یعنی داوود پادشاه را برپا نمود. با این حال، این مردان و همچنین داوود از یک طریق یا طریق دیگر شکست خوردند. پادشاهان بعد از داوود بیش از پیش گله خدا را به بت پرستی و ناعدالتی هدایت کردند. انبیاء خدا شروع کردند به صحبت از شبانی که خواهد آمد، یک «داوود» جدید (به عنوان مثال، اشعیاء ۹: ۱-۷؛ حزقیال ۳۴: ۲۰-۲۴).

خدا با فرستادن عیسی به قول خود عمل کرد، پسر داوود، شبان نیکو که زندگی خود را برای گوسفندانش داد و دوباره زنده شد. ولی موضوع همانجا تمام نمی‌شود، عیسی رسولان و مشایخ را برای رسیدگی به گله به عنوان شبانان زیر نظر تا موقع بازگشتش داد. (افسسیان ۴: ۷-۱۳؛ اول پطرس ۵: ۱-۴). مشایخ، دستیاران عیسی در شبانی کلیسای او می‌باشند.

خدا شناس، خوش نیت،... سردرگم

با اینکه من مشایخ را به این دلایل دوست دارم، متوجه مشکلی شدم که مکرر اتفاق می‌افتد. با اینکه مشایخ خداشناس و خوش نیت هستند، آنها اغلب دوباره اینکه شیخ بودن مستلزم چیست سردرگم هستند. آنها معمولاً از کاری که باید بکنند درک کاملی ندارند. اگر رو راست باشم. ما شبانان حقوق بگیر هم اغلب در سردرگمی آنها شریکیم. در نتیجه، مشایخ متمایل به آوردن الگو

رهبری در سرپرستی کلیسا می‌شوند، که معمولاً برگرفته از تجربه‌های کاری خود آنها است.

بدون داشتن شرح وظایف کتاب مقدسی واضح برای مشایخ، این افراد معمولاً به چیزهایی که می‌دانند اتکا می‌کنند. آنها فکر می‌کنند رهبر کلیسا بودن مانند این است که:

- مدیریت مدرسه
- اداره یک شرکت
- فرماندهی ناو جنگی
- مدیریت یک پروژه
- رهبری عملیات
- نظارت بر پیمانکارها
- خدمت در هیئت امناء

جنبه‌های این تجربه‌های زندگی نشان داده است که در رهبریت کلیسا سودمند بوده است. اما نظارت کلیسا یک وظیفه منحصر به فرد است.

من یکی از مشایخ کلیسا هستم. حالا چکار باید بکنم؟

این کتاب قصد دارد یک شرح وظایف مختصری در اختیار مشایخ قرار دهد. من می‌خواستم خلاصه الهام بخش و ساده برای خواندن از وظایف یک شیخ ایجاد کنم تا به یک شیخ تازه کار و یا بالقوه که لازم دارد بداند رهبر کلیسا چه کسی هست و چه کاری باید انجام دهد داده شود. امیدوارم این کتاب پاسخ گوی مردی خداشناس و خوش نیت باشد که سوال می‌کند: «من یک شیخ هستم. الان چکار باید بکنم؟»

اما این کتاب فقط برای کسانی که در حال حاضر شیخ هستند و یا خواهان شیخ شدن هستند نیست. این کتاب همچنین برای اعضای کلیسا است. لازم است تمام جمعیت کلیسا بدانند نقشه خدا برای کلیسای محلی چیست؟ که شامل نقشه او برای رهبری کلیسا نیز می‌باشد. اعضای کلیسا به اندازه مشایخ

می‌توانند از شرح وظایف مشایخ گنج شوند. پس من دعا می‌کنم این کتاب برای کلیسا سلامتی بیاورد وقتی اعضا و رهبران در بینش کتاب مقدس برای خدمت و رهبری در کلیسای محلی، متحد می‌شوند. من امیدوارم مسیحیان «خواب آلود روحانی» و یا «نیمکت گرم کن» این کتاب را بخوانند و تمایل به بیداری را برای شبانی خانواده و کلیسای خود تجربه کنند. در آخر، دعا می‌کنم خدا از این کتاب استفاده کند. تغییر روند زندگی چند مرد با دعوت از آنها برای خدمت شبانی به عنوان حرفه.

مشایخ، سرپرستان، شبان

یک صحبت کوتاه درباره لغات: من از کلمه شیخ و سرپرست به صورت جا به جا استفاده می‌کنم چون کتاب مقدس هم از این دو کلمه به صورت جا به جایی استفاده می‌کند. شیخ بودن یک شغل با دو عنوان است. خوب، در حقیقت سه عنوان وجود دارد. من در فصل ۲ بحثی خواهم کرد درباره اصطلاح شبان (به عنوان شبان) که اشاره به وظیفه کلیسایی مشابه شیخ و سرپرست دارد. مشایخ شبانانی هستند که کلیسا را سرپرستی می‌کنند. کسی که ما معمولاً در کلیسا به عنوان شبان می‌خوانیم در حقیقت شیخ حقوق بگیر است، و کسی را که معمولاً شیخ یا سرپرست می‌خوانیم حقوق نمی‌گیرد و رسمی نیست.

شیخ یا شبان، سرپرست \ ناظر یا شبان، حقوق بگیر یا داوطلب. همه یک شغل است. اما این شغل چیست؟ یک شیخ چه کاری در کلیسا باید انجام دهد؟ دستورات عیسی برای شبانان زیر نظرش چیست؟ چطور آنها می‌توانند بدانند که مأموریت خود را تماماً انجام می‌دهند؟

قبل از اینکه به این سوال‌ها پاسخ دهیم، باید کاری ابتدایی‌تر انجام بدهیم. ما باید صلاحیت یک شیخ را از نظر کتاب مقدس بفهمیم. اگر شما به قبول کردن وظیفه شیخی فکر می‌کنید، اولین کار شما این است که تشخیص دهید، آیا آماده هستید؟

فصل ۱

حدس نزنید

من قبل از نوجوانی به وسیله خدمت وفادارانه یک کلیسای «مشایخی تعمیدی»^۲ در لاس وگاس، نوادا شاگرد مسیح شدم. در سن بیست و شش سالگی شبان ارشد (شیخ ارشد، هم می توانید بگویید) یک کلیسای تعمیدی کوچک در حومه بوستن ماسات چوست شدم. شما ممکن است فکر کنید من می دانستم شیخ بودن یعنی چه. اما باور کنید نه، فقط بعد از اینکه شیخ شدم شروع به مطالعه دقیق آنچه کتاب مقدس درباره شیخ می گوید کردم.

وقتی این کار را کردم دو چیز مرا متعجب کرد. اول، من از اینکه چقدر کتاب مقدس حرف برای گفتن دارد شگفت زده شدم. تقریباً تمام نویسنده های عهد جدید مشایخ را مخاطب قرار می دهند، که در اینباره ده ها متن وجود دارد. برای من واضح شد که مشایخ شبیه مسیح جنبه اختیاری کلیسا نیست. آنها در مرکز نقشه خدا برای شبانی کلیسا هستند. من چطور از این موضوع غافل بودم؟ دوم، من از تفاوت شرح وظایف کتاب مقدسی و صلاحیت های یک شیخ از آنچه من فکر می کردم، جا خوردم. فکر می کردم صلاحیت شبان و شیخ شدن را دارم چون عیسی را دوست دارم، من مدرک دانشگاه الهیات دارم و خیلی خوب موعظه می کنم. چه چیز بیشتری لازم است؟

شاید شما هم فکر می کنید که روزی یکی از مشایخ کلیسا شوید، اما با دلایل دیگر. شاید شما فکر می کنید که موقع آن شده که شما به هیئت مشایخ ملحق شوید چون عضو باوفای کلیسا بودید. شما دو دوره در گروه مبشرین

۲. Elder-led Baptist church

ارسال شده از طرف کلیسای تان بوده‌اید، شما پذیرای جلسات مطالعه کتاب مقدس در خانه تان بوده‌اید، شما حتی وقتی کلیسا معلّم کانون شادی کلاس دوم پیدا نکردند، شما درس دادید. شما وظیفه خود را انجام داده‌اید و الان نوبت شماست که رهبری کنید.

شاید شما بدون شک باید شیخ شوید چون هدایای مالی زیادی می‌دهید. کلیسا نمی‌توانست سال مالی خود را بدون چکی که شما نوشته‌اید با موفقیت به اتمام رساند. هدیه دهنده‌های رقم بالا سزاوار اسم بزرگ و نشستن در هیات‌های بزرگ هستند. اینها قانون هستند. به جز این، کلیسای شما می‌تواند از یک شیخ که در تجارت خوب است، استفاده کند.

همچنین ممکن است شما فکر کنید چون بیرون از کلیسا رهبری می‌کنید باید در کلیسا هم رهبر باشید. شاید شما مدیریت یک شرکت موفق را به عهده دارید، یا در یک هیات بدون سود دهی هستید، یک بخش را مدیریت می‌کنید، فرمانده ارتش هستید و یا مربی یک تیم. مهارت رهبری شما تضمین شده است، تجربه و استعدادهایتان شما را یک نامزد ایده‌ال برای شیخ بودن می‌کند. درست است؟

همانطور که من در مقدمه توضیح دادم، اولین وظیفه مربوط به شیخ بودن این است که تحقیق کنید آیا با صلاحیتهایی که کتاب مقدس می‌گوید می‌توانید واقعاً یک شیخ شوید، حدس نزنید. حتی اگر قبلاً به عنوان یک شیخ خدمت کرده‌اید، اجازه بدهید کلام خدا نامزدی شما را بسنجد.

در زیر شش صلاحیت شیخ در عهد جدید جمع بندی شده است. با دعا آنها را بخوانید. گاهی مکث کرده به آنها فکر کنید. از دیگران بخواهید وارد بحث شوند. این قسمت را به همسر خود، چند نفر از دوستانتان، یا به شیخ دیگری نشان دهید. از آنها بپرسید «آیا این صلاحیت‌ها در من هست؟»

شما می‌دانید که صلاحیت خدمت به عنوان شیخ کلیسا را دارید اگر...

۱. شما می‌خواهید یکی از مشایخ باشید

در یکی از طولانی‌ترین درس‌ها دربارهٔ مشایخ در عهدجدید، پولس رسول اینگونه شروع می‌کند «این گفته درست است که اگر کسی مایل به سرپرستی در کلیسا باشد، در آرزوی کار بسیار خوبی است.» (اول تیموتائوس ۳: ۱). پطرس اینگونه بیان می‌کند: «اگر گله‌ای که خدا به شما سپرده است شبانی و مراقبت کنید و کاری که انجام می‌دهید از روی اجبار نباشد، بلکه چنانچه خدا می‌خواهد آن را از روی میل و رغبت انجام دهید» (اول پطرس ۵: ۲)

شما باید به دلخواه با آزادی و آرزوی قلبی شبان بشوید. شبانی وفادارانه خواهان بخش عمده شماسست. اگر شما گرسنگی درونی برای این نقش را ندارید، ممکن است از پا بیافتید. مطمئناً به این معنی نیست که هر کسی که خواسته شیخ شدن را دارد صلاحیت دارد. ولی به این معنی است که نبودن تمایل یک مشکل است. در کلیسایم آقایی هست که گویا برای شیخ بودن کلیسا ساخته شده است. تیم کاندید کننده ما از او خواست که به عنوان شیخ کلیسا خدمت کند. در حقیقت ما سه بار از او تقاضا کردیم و بالاخره دفعه سوم موافقت کرد. اما وقتی با او بیشتر صحبت کردم مشخص شد که او خواهان رهبر کلیسا بودن نیست. او قبول کرد که خدمت کند چون دوبار قبلاً این تقاضا را رد کرده بود. بالاخره، حس مسئولیت‌پذیری نسبت به کلیسا او را مجبور به قبول این خدمت کرده بود - دقیقاً چیزی که پطرس برخلاف آن هشدار داده است. او همچنین دربارهٔ تمایل خود برای ایجاد وقت در کار روزانه‌اش برای جذب کردن همسایه‌ها و اهالی شهر به انجیل با من صحبت کرد. من فقط می‌توانم تصور کنم که او چقدر خسته خواهد شد وقتی خود را وقف شبانی کلیسا کند در حالی که خواسته او بیرون رفتن و اضافه کردن به جمعیت کلیسا است. پس بعد از دعاهاى بیشتر، او نظر خود را عوض کرد و با شجاعت کاندید بودن را برای بار سوم رد کرد. ما تقریباً یک مبشر را با شیخ اشتباه گرفته بودیم. در حالیکه همهٔ انگیزه‌ها الهی نیست. شما باید خواست درونی برای شیخ شدن

را داشته باشید. آیا روح القدس خواست الهی برای شبانی کلیسای محلی را در قلب شما گذاشته است؟ انگیزه شما چیست؟

۲. شما نمونه یک شخصیت خداپسندانه هستید

شاید شما تصور کنید که مهمترین خصوصیت یک شیخ داشتن مهارت برای پیش برد یک سازمان است. درحالیکه مهارت در مدیریت قسمتی از سرپرستی کلیسا است. نویسنده‌های عهد جدید تاکید بیشتری بر روی شخصیت مقدس می‌گذارند. شبانان زیر نظر عیسی باید شخصیت شبیه عیسی داشته باشند. یک شیخ با تقوا با عطیه رهبری متوسط بهتر است از یک رهبر پر جذبه با ضعف اخلاقی چشمگیر.

این دو قسمت از نامه پولس که شایستگی‌های سرپرست را فهرست کرده، بخوانید. این خصوصیات باید مانند کت و شلوار دوخته شده به تن یک شیخ بنشینند:

سرپرست کلیسا باید مردی بی‌عیب، صاحب یک زن، خویشتندار، هوشیار، منظم، مهمان‌نواز، و معلمی توانا باشد. او باید ملایم و صلح‌جو باشد، نه میگسار، جنگجو و پول پرست. (اول تیموتائوس ۳: ۲-۳)

زیرا سرپرست کلیسا چون مسئول کار خداست باید بی‌عیب باشد. نه خودخواه، نه تندخو، نه مست‌باده، نه جنگجو و نه پول پرست. بلکه باید مهمان‌نواز، نیکخواه، روشن‌بین، عادل، پاک، و خویشتن‌دار باشد. (تیطس ۱: ۷-۸)

با دادن اهمیت به شخصیت شبیه عیسی، بیایید آهسته‌تر پیش برویم و جزئیات بیشتر چندا تا از این خصوصیات را مطالعه کنیم.

بی‌عیب - پولس لیست خصوصیاتش را با بی‌عیب و بی‌نقص شروع می‌کند. این توضیحات به معنی این نیست که شیخ باید فراسوی گناه باشد و زندگی معنوی بی‌عیبی داشته باشد. اگر اینطور بود، کلیساها باید تمام مشایخ خود را

حدس نزنید

اخراج کنند. بلکه، مردی که بی عیب است نشانگر درجه‌ای از نمونه شباهت به مسیح است، به دور از گناه چشمگیر است. «بی عیب بودن» مترادف است با «قابل احترام» (اول تیموتائوس ۳: ۲) «عادل» و «پاک» (تیتس ۱: ۸).

در کتاب صلاحیت‌های یک شیخ نوشته «تبتی آنیابویل»^۳ به خوبی می‌نویسد: «بدون عیب بودن یعنی یک شیخ، فردی باشد که هیچ کس درباره رفتار ناشایست و خلاف اخلاق به او شک نکند، مردم شوکه خواهند شد اگر بشنوند چنین فردی به چنین اعمالی متهم شده است.

کандید کردن یک مرد که بدون عیب است برای شیخ بودن نشان دهنده اعتماد اعضای کلیسا به رهبری آن است، رهبران بی عیب کلیسا از شهادت کلیسا در جامعه محافظت می‌کند. همانطور که پولس می‌گوید: او باید در بین افراد خارج از کلیسا خوش نام باشد، تا مورد سرزنش واقع نگردد و به دام ابلیس نیفتد (اول تیموتائوس ۳: ۷).

خویش‌نندار - طبق توضیحات پولس، مشایخ باید خویش‌نندار، هوشیار، ملایم و منظم باشند. خویش‌نداری ثمره روح القدس است (غلاطیان ۵: ۲۳) و نشانه زندگی فرد مسیحی. بطور خلاصه، یک مرد پر از روح یک مرد خویش‌نندار است. جالب است که در هر دو لیست، پولس درباره نشانه ویژه عدم خویش‌نداری هشدار می‌دهد: اعتیاد به شراب. مستی زندگی ما را نابود می‌کند و مردم را به طرف گناهان بیشتر می‌کشاند.

من شخصی را می‌شناسم که مشروب خواری را بعد از اینکه شیخ شد کنار گذاشت. او می‌خواست در مورد موضوع مشروب خواری، بی عیب باشد و الگویی باشد برای اعضای کلیسا که با الکل (دائم‌الخمر) مبارزه می‌کنند.

با اینکه کتاب مقدس خود داری از مشروب را برای یک شیخ الزامی نمی‌داند. آنها باید قابلیت از خودگذشتگی که این برادر از خود نشان داد را داشته باشد. آیا شما راز اعتیاد به الکل، مواد مخدر، پورن، شرط بندی خود را پنهان می‌کنید؟ آیا شما کنترل خود را در خشم، پول ولخرجی، دشنام دادن یا

۳. Thabiti Anyabwile ایشان واعظ سیاه پوست آمریکایی می‌باشند.

شایعهٔ پراکنی از دست می‌دهید؟ آیا لازم است که خدمت رهبری کلیسا را برای یک دوره به تعویق بیندازید تا وقت خود را صرف کشتن عاداتهای گناه آلود و تقویت خویشتن داری بکنید؟

ملائیم - یک مثل معروف به زبان سواحلی^۴ می‌گوید «وقتی فیل‌ها می‌جنگند، سبزه پایمال می‌شود». همینطور، وقتی شبانان یک کلیسا سبزه جو و خشن هستند، گوسفندان آسیب می‌بینند. برای همین پولس مشخصهٔ مشایخ را اینگونه بیان می‌کند. «او باید ملایم و صلح جو باشد نه میگسار و جنگجو» (اول تیموتائوس ۳:۳) و «نه متکبر و تندخو» (تیطس ۱: ۷). خودخواهی، سلطه‌گری، سبزه جویی، تحمیل‌گری و تندی، ناشکیبایی و سرپرستان‌خشمگین اعضای کلیسا را خرد می‌کنند. در عوض، مشایخ باید پهلوان‌های نرم خو باشند. نرم‌خویی به معنی ضعیف یا ترسویی نیست. مشایخ نرم خو اختیارات خود را با ملایمت یک شبان و حساسیت یک پدر مهربان اعمال می‌کند.

یکبار برنامهٔ تلویزیونی را می‌دیدم که یک لاک پشت کنار فلی رفت که از گودال آب بخورد. فیل به پایین نگاه کرد و با پای خود به آرامی لاک پشت را به کنار هل داد تا اتفاقی او را لگد نکند.

من تعجب کردم که یک موجود عظیم‌الجثه می‌تواند اینقدر ملایم باشد. مردم هم به همین اندازه تعجب می‌کنند وقتی نرم‌خویی را از مشایخ کلیسا می‌بینند. آیا شما نرم‌خو هستید یا بی‌ملاحظه؟ آیا شما صلح‌جو هستید یا جنگ طلب؟

آیا شما شنوندهٔ خوبی هستید یا وسط صحبت دیگران پریده می‌خواهید نظر خود را بدهید؟ سنجش خود برای این موارد سخت است. شجاع باشید و از چند عضو بصیر کلیسا بخواهید که کاندید شدن شما را ارزیابی کنند.

پول پرست - شیخ کلیسا نباید پول پرست باشد. پطرس می‌فرماید شیخ باید خدمت بکند «نه به خاطر پول بلکه مشتاقانه» (اول پطرس ۵: ۲). این کلمات توبیخی است برای شبانانی که از خدمت خود برای پول دار شدن و داشتن

حدس نزدیک

زندگی راحت استفاده می کنند. مواظب شبانانی که گوسفندان را سرکیسه می کنند باشید. پول پرستی فقط مشکل یک شبان استخدام شده نیست. مشایخی که برای پول درآوردن زندگی می کنند در سرمایه گذاری از وقت و انرژی خود برای رسیدگی به امورات کلیسا مشکل دارند. بعضی وقت ها مشایخ پاره وقت پول پرست با دادن هدیه های مالی کلیسا را گول می زنند. آنها ممکن است مسئولیت بودجه کلیسا را داشته باشند و پول آن را صرف خدمات به حیوانات کنند. آنها سلامتی و موفقیت کلیسا را با میزان گزارش اندوخته آن ماه ارزیابی می کنند. وقتی یک فرد پول دوست کلیسایی را اداره کند، هزینه کردن برای نیازمندان، بنیان گذاری کلیسا و بشارت جهانی خشک می شود. چرا بر روی چیزهایی سرمایه گذاری شود که به صورت مستقیم اموال شخصی شیخ پول پرست را گسترش نمی دهد.

شما با پول چطور برخورد می کنید؟ آیا شما آن را دوست دارید و برای جمع کردن آن زندگی می کنید؟ یا شما از پول دادن به کلیسای محلی، گسترش انجیل و نیازهای دیگران خوشحال می شوید؟ آیا شما ده یک می دهید یا هدیه، یک قربانی یا یک نماد؟ آیا پولی که می دهید به طنابهای وابستگی وصل است؟ خود را با دقت آزمایش کنید. «زیرا عشق به پول سرچشمه همه بدی هاست.» (اول تیموتائوس ۶: ۱۰)

قبل از اینکه ادامه بدهیم یک لحظه مکث کرده و به عیسی ببیندیشیم که وقتی رهبران مذهبی به او اتهام همکاری با شیطان را دادند، این اتهام به او وارد نشد چون او بی عیب بود. وقتی شمشیر پطرس به عیسی این موقعیت را داد که از دستگیر شدن دوری کند او خویشتنداری خود را حفظ کرد، مصمم بود که نقشه پدر و خودش را روی صلیب به اتمام رساند. وقتی با ضعفا، بیماران و رنج کشیدگان برخورد می کرد، ملایم بود. وقتی شیطان پادشاهی جهان را به او پیشنهاد کرد او پول پرست نبود. در تمام این مواقع، عیسی مانند شبان بی نقص خدا برای گله رفتار کرد، همینطور او برای مشایخ امروز در کلیسا الگویی کشید.

۳. قادر به تعلیم کتاب مقدس هستید

پولس فرمود سرپرست\ناظر باید «یک معلّم توانا» باشد (اول تیموتائوس ۳: ۲). تعلیم در مرکزیت کار شبانی رهبر کلیسا است. ما در فصل ۳ مطالعه بیشتری در امر تعلیم خواهیم داشت. اما حالا به این موضوع فکر کنید که «آیا من بصورت موثر به دیگران از کلام خدا تعلیم داده‌ام؟»

در طی سال‌ها، مشایخ کلیسای ما درباره کاندیدهای بالقوه برای شیخ بودن صحبت کرده‌اند. چندبار، شخصی، مردی که سال‌ها ایماندار و عضو وفادار کلیسا بود را پیشنهاد کرد. ما درباره شخصیت روحانی و زندگی زناشویی خوب او صحبت کرده‌ایم. ما از خدمات و کمیت‌هایی که او در آنها خدمت کرده بود یک لیست تهیه کردیم و دیدیم این فرد صدها ساعت را به صورت داوطلبانه خدمت کرده است. بعد کسی پرسید: «آیا او می‌تواند کتاب مقدس را تعلیم دهد؟»

مطمئن این فرد با نمونه «شخص روحانی بودن»، به ما تعلیم داده است، ولی این منظور پولس با گفتن اینکه شیخ باید توانایی تعلیم داشته باشد، نیست. منظور پولس، توضیح شفاهی و پرثمر از انجیل و آموزه‌های کتاب مقدسی است. شیخ کلیسا: «باید به پیامی که قابل اعتماد و با تعالیم صحیح سازگار است، محکم بچسبد تا بتواند اطرافیان را با تعلیمی درست تشویق کرده مخالفان را مجاب سازد (تیطس ۱: ۹).

در برخی مواقع متوجه شده‌ایم که برادری هرگز تعلیم نداده است حتی در یک جمع کوچک مانند گروه‌های خانگی. پس ما کاندیدا بودن این شخص را متوقف کرده و موضوع را با شخص در یک جلسه مورد بررسی قرار دادیم. مشایخ، جماعت کلیسا را مانند عیسی شبانی می‌کنند. همانطور که عیسی کلام خدا را با اقتدار اعلام می‌کرد، مشایخ بالقوه نیز باید به عنوان معلّم کتاب مقدس خوب شناخته شده باشند.

۴. شما خانواده خود را به خوبی رهبری می کنید

جامعه آمریکایی خط روشنی بین خصوصی و عمومی، کار و خانه می کشند. ما یک مدیر تجاری را با تواناییش در بالا بردن سطح درآمد و رسیدن به هدفهای کمپانی ارزش بایی می کنیم، نه کیفیت زندگی شخصی او.

زندگی شخصی، فرزندان، ازدواج، روابط جنسی یک مدیر به هیچ کس ارتباطی ندارد. اما در خانواده الهی، زندگی خانوادگی یک شیخ بسیار مهم است. در حقیقت، زندگی زناشویی و تربیت فرزندان پایه توانایی یک شیخ است. سه راهی را که رهبری خانوادگی یک مرد او را برای رهبری کلیسا شایسته می کند را در نظر بگیریم. یک شیخ باید:

صاحب یک زن: در بسیاری از کتاب مقدس های انگلیسی کلمات پولس را «شوهر یک زن» ترجمه کرده اند (اول تیموتائوس ۳: ۲- تیطس ۱: ۶). اما بعضی آن را «مرد یک زن» نوشته اند. مشکل است که دقیقاً بدانیم این دو جمله را چطور توضیح دهیم. اما در نهایت، براین عقیده تاکید دارد که شوهر وفادار که به پیمان مقدس ازدواج احترام قائل است.

آیا شما از لحاظ جنسی به همسر خود وفادار بوده اید؟ آیا شما به صورت مداوم به وب سایتهای پورنوگرافی می روید؟ آیا هرگز طلاق گرفته اید؟ اوضاع هم اکنون بین شما و همسران چگونه است؟ هیچ کس یک ازدواج رویایی و بدون مشکل ندارد. اما اگر ازدواج شما لنگ می زند و یا (حتی بدتر) در ازدواج گذشته خود شکست خوردید، شما باید قبل از اقدام به شیخ شدن با چند شیخ و شبان آگاه و با حکمت صحبت کنید. اگر شما نتوانید عروس خود را اداره کنید، پس چگونه می توانید عروس مسیح را توجه نمایید؟

آیا شرط «مرد یک زن» بودن، برادران مجرد را برای مشایخی ناشایسته می کند؟ تعلیم واضح پولس در یک جای دیگر درباره فواید مجرد بودن و مثال خود او به عنوان یک رسول مجرد برای کار خدمت (اول قرنتیان ۷: ۷، ۲۵ - ۳۸) به نظر می رسد. مجرد به خودی خود مانع یک مرد برای سرپرست بودن

نیست. اما اگر شما مجرد هستید از خودتان سوال کنید: «آیا من از لحاظ جنسی پاک زندگی می‌کنم؟»، «آیا من در روابط قبل از ازدواج بدون عیب هستم؟»
یک پدر موفق: مهارت در مدیریت برای یک شیخ مهم است. سرپرستان باید توانایی مدیریت خود را نشان دهند، همانطور که در عنوان «سرپرستان» بیان شده است. با اینحال، ما معمولاً «مدیریت» را مرتبط با کارمندان، قوانین، اموال و نقشه‌های استراتژیک می‌دانیم. پولس بخش‌های دیگر مدیریت را در نظر دارد: فرزندان و خانه. یک شیخ «کسی است که کاملاً بر امور خانه مدیریت می‌کند، فرزندان خود را در احترام کامل اداره می‌کند.» زیرا اگر مردی نتواند خانواده خود را اداره کند، پس چگونه می‌تواند از کلیسای خدا توجه نماید (اول تیموتائوس ۳: ۴-۵).

آیا شما شباهت بین پدر بودن و شیخ بودن را می‌بینید؟ در هر دو مورد مرد رهبری را برعهده دارد. در هر دو مورد، او متحمل مسئولیت اصلی در کمک به کسانی که تحت حمایت او برای رشد کردن و زندگی هماهنگ با یکدیگر است، می‌باشد. شیخ بودن و پدر بودن هر دو مربوط به هدایت مردم به بلوغ در زمینه اجتماعی خود هست. با شبنانی خانواده خود در وهله اول یاد بگیرید که خانواده خدا را شبنانی کنید. آیا فرزندان شما رفتار خوبی دارند و یا از کنترل خارج هستند؟ آیا شما در خانه کلام خدا و انجیل را به آنها تعلیم می‌دهید؟ و یا فرزندان شما از سختگیری زیاد و یا کمبود رابطه عصبانی هستند؟ (افسیان ۶: ۴) آیا فضای خانه شما عمدتاً تغذیه کننده و منظم است یا سمی و به هم ریخته؟ آیا این قسمت از کلام، برادران بدون فرزند را از رهبری منع می‌کند؟ نه، نه در اصل موضوع ولی با این حال، اگر یک مرد متاهل نخواهد صاحب فرزند شود تا بتواند از یک روش زندگی بدون مزاحمت بچه‌ها لذت ببرد، باید نگران باشیم. آیا علاقه به دنیا او را از اطاعت از دستور اولیه بازداشته است؟ «بارور و کثیر شوید» (پیدایش ۱: ۲۸). اما اگر مرد به خاطر دلایلی که خارج از کنترل اوست فرزند نداشته باشد، او باید در جای دیگر از زندگی سازگاری پرثمر را نشان دهد. اصل این است که: مردی را برای شبنانی پیشنهاد کنید که در حال حاضر مشغول شبنانی به صورت موثر است.

حدس نزنید

مهمان نواز - پولس دو بار دستور می‌دهد که سرپرستان باید «مهمان نواز» باشند (اول تیموتائوس ۳: ۲- تیطس ۱: ۸). مهمان نوازی، نشانگر مهربانی، دوستی و توجه به افراد نیازمند، گمشده و تنها است. همه این خصوصیات برای یک شیخ مفید است. اما مهمان نوازی کار دیگری هم انجام می‌دهد: مهمان‌نوازی به دیگران اجازه می‌دهد خانواده شما را در عمل ببینند.

وقتی دیگران برای شام به منزل شما می‌آیند چه چیزی می‌بینند؟ طبیعی است که آنها یک خانواده بدون نقص نخواهند دید. اما آیا مهمانهای شما احساس گرمی و احترام متقابل را در صحبت و اشاره‌های بدون کلام بین شما و همسران را تشخیص می‌دهند؟ بین شما و فرزندان چطور؟ آیا آنها می‌بینند که فرزندان شما از شما اطاعت می‌کنند و شما عکس العمل مناسبی برای ناطاعتی آنها نشان می‌دهید؟ اگر خانه شما کلیسا بود آیا مهمانان به آنجا برمی‌گشتند؟

۵. شما مذكر هستيد

تا به حال باید برای شما مشخص شده باشد، ولی بگذارید واضح بگویم خدا مردها را برای مشایخی کلیسا خوانده است. فقط مردها را. به چند نکته توجه کنید:

- همانطور که دیدیم، پولس دوبار در قسمت‌های متفاوت گفت که یک سرپرست باید شوهر یک زن باشد.
- دقیقاً قبل از بحث سرپرستی، پولس گفت «من به زنی اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد و یا بر مرد حکومت کند» (اول تیموتائوس ۲: ۱۲) بیان چنین کلامی بلافاصله بعد از این آیه، حداقل باید به وظیفه سرپرست ناظر اشاره کند، که توضیح کاملی درباره تعلیم و اعمال قدرت است.
- پولس رهبری کلیسا را به رهبری خانواده مرتبط می‌سازد. همانطور که خدا مرد را برای رهبری ازدواج و تربیت فرزندان خوانده است (افسیسیان ۵: ۲۲-۸: ۴).

همچنین او مرد را برای هدایت خانوادهٔ کلیسا خوانده است. آیا این یعنی یک زن هرگز نمی‌تواند تعلیم دهد، شبانی کند، در مقابل گناه بایستد و الگوی یک فرد روحانی باشند؟ البته نه، حتماً شما مانند من زنان روحانی را می‌شناسید که خدا از آنها استفاده کرده است تا شما را شبانی کند و شکل دهد. اما خدمت مشایخی بیشتر از یک عطیه و خدمت است. خدمت مشایخی توضیح دهندهٔ یک وظیفهٔ مشخص، یک نقش منصوب شده از طرف خدا، یک موقعیت متمایز در ساختار سازمان داده شده کلیسای محلی است. همانطور که پدر یک فرد متمایز و منصوب شده از طرف خدا در خانواده می‌باشد. و مانند نقش پدر، خدا با اختیار تام خود مردان شایسته را برای رهبر بودن کلیسا خوانده است.

۶. شما ایماندار بالغی هستید

پولس به ضد رهبر شدن یک نوایمان هشدار می‌دهد. «او نباید تازه‌ایمان باشد، مبادا مغرور گشته، مثل ابلیس محکوم شود.» (اول تیموتائوس ۳: ۶) بعضی وقت‌ها نوایمان‌ها با اشتیاق روحانی، ایمان آوردن فوری و بشارت بدون ترس‌شان، ما را شگفت زده می‌کند. اما برای بکارگیری این نوایمان پر انرژی به خدمت رهبری کلیسا عجله نکنید. او آزمایش‌ها و رشد زیادی را در پیش دارد. اگر شما یک نوایمان هستید تمرکز خود را در عمیق‌تر ریشه کردن در مسیح بکنید. مواظب غرور روحانی باشید. در حقیقت اجازه دهید یک قدم به عقب برگردیم: مطمئن شوید شما حقیقتاً تبدیل شده‌اید، یعنی ایمان حقیقی دارید. حدس نزنید! آیا شما به گناهان خود اعتراف کرده و به عیسی برای بخشش گناهانتان ایمان آورده‌اید؟ آیا ایمان دارید که فقط مرگ و قیام عیسی است که می‌تواند شما را از جهنم نجات دهد و با خدا آشتی دهد؟ آیا شما تولد تازه دارید؟ هیچ چیز مانند گماشتن شبان و شیخ کلیسایی که جان و روحشان تبدیل نشده باشد، کلیسا را نابود نمی‌کند. چطور یک شخص می‌تواند زیر نظر عیسی شبانی کند و شخصیت عیسی را نشان دهد وقتی حتی مسیحی هم نیست؟

حدس نزدیک

کلیسای ما مشایخ را در جلسات سالیانه انتخاب می کند. در آن جلسه ما از کاندیدهای خدمت رهبری می خواهیم داستان توبه و ایمان به عیسی خود را برای ما بگویند. کاندیداها اغلب مردانی هستند که ما سال ها آنها را می شناسیم و قبلاً به عنوان شیخ خدمت کرده اند. اما کلیسا می خواهد این افراد یک بار دیگر به ایمانشان به عیسی اعتراف کنند. من مطمئن نیستم کلیسای ما کی این کار را شروع کرد ولی امیدوارم هرگز متوقف نکند.

آیا این شما هستید؟

می خواهم کاری را همین حالا انجام دهید. قبل از اینکه به فصل بعدی بروید (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷) را بلند بخوانید. من کاملاً جدی هستم. اگر لازم است به یک جای خلوت بروید و این آیات را بلند بخوانید. این گفته درست است که اگر کسی مایل به سرپرستی در کلیسا باشد، در آرزوی کار بسیار خوبی است. سرپرست کلیسا باید مردی بی عیب، صاحب یک زن، خویشتندار، هوشیار، منظم، مهمان نواز و معلمی توانا باشد. او باید ملایم و صلح جو باشد. نه میگسار و جنگجو و پول پرست، بلکه باید خانواده خود را به خوبی اداره کند و فرزندانش را طوری تربیت نماید که از او با احترام کامل اطاعت کنند، زیرا اگر مردی نتواند خانواده خود را اداره کند، پس چگونه می تواند از کلیسای خدا توجه نماید؟ او نباید تازه ایمان باشد، مبدا مغرور گشته، مثل ابلیس محکوم شود. علاوه بر این، او باید در میان افراد خارج از کلیسا نیکنام باشد تا مورد سرزنش واقع نگردد و به دام ابلیس نیافتد.

این کاری است که آقای وقت برای شبانی ارزیابی می شدم از من می خواست که انجامش دهم. پس من کتاب مقدس را باز کردم و برای آن مرد و بقیه حاضران در اتاق اول تیموتائوس ۳: ۱-۷ را بلند خواندم. وقتی تمام کردم، آن مرد به من گفت: «ممنون که آن را خواندی. من فقط یک سوال دارم. آیا این تو هستی؟» بعد او نشست. اگر می خواهیم کلیسای مسیح را

مشایخ کلیسا

رهبری کنید باید به شباهت او در آییم. و عیسی نمایانگر تمام این خصوصیات است. گوسفندان باید نشانه‌های خصوصیت شبان اعظم را در زندگی و شخصیت شبانان زیر نظر او ببینند. آیا می‌توانم پرسم طبق توضیحات یک شیخ که خواندید، آیا آن شما هستید؟

فصل ۲

بوی گوسفند بدهید

«پس این کلیسا مانند شرکت تجاری شماست، و شما ویزیتور هستید و خدا محصول است». یک عضو جدید این را موقعی که در راهروی کلیسا بعد از مراسم پرستش ایستاده بودیم چنین گفت (ای کاش دفترچه خاطراتی از صحبت‌های بعد از پرستش در کلیسا، داشتم). او ادامه داد «نه، منظور چیز دیگریست».

او در واقع می‌خواست سعی کند مفهوم کلیسا را نسبت به تجربه خودش بفهمد. او تجارت و فروش را خوب می‌فهمید، پس سعی می‌کرد کلیسا را با آنچه می‌دانست تفسیر کند.

متأسفانه تنها تازه واردین کلیسا نیستند که این اشتباه را می‌کنند. شبانان، مشایخ و اعضا اغلب به ناراستی کلیسا را از دید تجارت و یا یک سازمان تجزیه و تحلیل می‌کنند.

فرض کنیم، کلیسا جنبه‌های تجاری دارد. کلیساها اغلب حسابدار و بودجه، کارمند، سیاست خصوصی، امکانات، بیمه، نمودار روند کار، اهداف، مقررات و کمیته دارند. اینها جزو زندگی جماعت کلیسا است و مدیریت درست آن برای جلال خدا لازم است. کلیسای محلی یک موسسه سازمان داده شده است. مشکل وقتی پیش می‌آید که این اجزاء شبیه به تجارت، جزیی از یک مدل تجاری گسترده برای کلیسایی باشد که تعلیمات کتاب مقدسی را نادیده می‌گیرد. آن ممکن است شبیه به این باشد:

• شبان = رئیس کل / مدیرعامل

- کارمندان = معاون رئیس
- اعضاء = سهامداران / مشتریان وفادار
- ملاقات کننده ها = مشتریان بالقوه

نقش مشایخ؟

- مشایخ = هیئت امناء

در این الگو، کار مشایخ مانند کار اعضای هیئت امناء است. آنها شبان را استخدام می کنند تا کارهای خدمت را رهبری کنند. مشایخ در جلسات هیئت جمع می شوند تا کار خدمت را بررسی کنند، به امور مالی رسیدگی کنند و سیاست ها را تعیین کنند. شبان نوآوری هایی را عنوان می کند و مشایخ آن را تایید یا تکذیب می کنند. شبان موعظه می کند و مشایخ هدایت.

شیخ = شبان

در جایی و به یک نحوی در این مسیر خدمت ما شبان را از شیخ کلیسا جدا کرده ایم. یک شبان رسمی از یک شیخ رسمی بالاتر است. ولی عهد جدید چنین تفاوتی قائل نیست.

شبان واقعاً کیست؟ کلمه یونانی Poimen، که ما آن را شبان ترجمه می کنیم^۵ به معنی شبان و چوپان است. این کلمه می تواند اشاره به چوپان واقعی باشد. مانند آنهایی که در داستان تولد مسیح در انجیل لوقا در صحرا بودند. اکثر مواقع این کلمه به عیسی خطاب می شود. شبان نیکوی ما (یا چوپان نیکوی ما). همچنین یک کلمه مربوط به آن نیز هست Poimaino یعنی «شبانی کردن، چوپانی کردن» یا «از گله مراقبت کردن». پس یک شبان یک چوپان است، و

۵. در کتاب مقدس تحت الفظی (قدیمی) گاهی این واژه «کشیش» ترجمه شده که منظور اصلی را نمی رساند.

بوی گوسفند دهید

شبانی کردن یعنی مراقبت از گله. تعجب آور نیست که، کلمهٔ انگلیسی *Pastor* از زبان لاتین به معنی «شبان» می‌آید.

این قسمت مهم است: عهد جدید این اسامی و افعال که «شبان» را تشکیل می‌دهند و نیز تصویر شبانی گسترده را برای توضیح شیخ و وظیفهٔ او به کار می‌برد. به آیه‌های زیر که در آن شبان و شبانی کردن آمده، نگاه کنید. پولس به مشایخ کلیسای افسس هشدار می‌دهد:

مراقب خود و تمامی گله‌ای که روح القدس شما را به نظارت بر آن برگماشته است باشید و کلیسای خدا را که آن را به خون خود خریده است، شبانی کنید. (اعمال ۲۰: ۲۸)

همینطور پطرس می‌نویسد:

من که یک رهبر کلیسا هستم و شاهد زحمات مسیح بودم و در آن جلالی که قرار است بزودی ظاهر شود، شریک و سهم خواهم بود، از شما رهبران کلیسا تقاضا می‌کنم: از گله‌ای که خدا به شما سپرده است شبانی و مراقبت کنید و کاری که انجام می‌دهید از روی اجبار نباشد، بلکه چنانچه خدا می‌خواهد آن را از روی میل و رغبت انجام دهید، نه به منظور منفعت شخصی بلکه با حسن نیت و علاقه سعی نکنید بر آنانی که به دست شما سپرده شده‌اند خداوندی نمایید. بلکه برای آن گله نمونه باشید. و شما در وقتی که شبان اعظم ظاهر می‌شود تاج پر جلالی را خواهید ربود که هرگز پژمرده نمی‌شود. (اول پطرس ۵: ۱-۴)

کلمات پطرس یادآور چیزی است که عیسی بعد از قیامش به او گفت «به بره‌های من خوراک بده» و «از گوسفندان من پاسداری کن» (یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۶).

۶. در زبان انگلیسی از این واژه برای شبان کلیسا استفاده می‌شود. در زبان فارسی بیشتر از واژه کشیش استفاده می‌شود تا شبان.

پس وظایف دیگری که عیسی به عنوان هدیه به کلیسا می دهد چه؟ پولس، رسولان، انبیاء، مبشران و «شبانان و معلّمان» را لیست می کند (افسُسیان ۴: ۱۱). دستور زبان یونانی واضح می کند که «شبان» و «معلّم» یک وظیفه و یک نقش است. پس شبانان و یا شبانان کلیسا، معلّمان آن نیز هستند. و همانطور که دیدیم، تعلیم در قلب کار رهبر کلیسا است.

موضوع اصلی

یکی از دوستانم که به عنوان شیخ پاره وقت خدمت می کرد به من گفت: «یکی از سخت ترین کار مشایخ برای من این بود که باور کنم من یک شبان واقعی هستم» ولی کتاب مقدس واضح تر از این نمی توانست بگوید. اگر شما شیخ کلیسایتان هستید، شما (به عنوان رهبر کلیسا) به همان اندازه شبان استخدام شده، شبان هستید.

ممکن است که هنوز شک داشته باشید. آیا تفاوتی بین یک فرد «خاص» استخدام شده که خدمت شبان به عنوان شغل انجام می دهد و یک فرد «عادی» که شغل دیگری دارد ولی به عنوان داوطلب رهبر کلیساست، وجود ندارد؟ بله. تفاوت دارد به عنوان مثال، شبان استخدام شده اغلب تحصیلات رسمی الهیات دارد، زمان بیشتری در طول هفته برای خدمت دارد. و به این دلیل تجربه بیشتری در کار شبان، خدمت در کلیسا و تعلیم دارد. همچنین امکان دارد - ولی لازمه آن نیست که شبان استخدام شده عطیه قوی تر در خدمات شبانی و موعظه داشته باشد. برای همین کلیساها آنها را برای خدمت تمام وقت استخدام می کنند.

ولی چون ممکن است شبان استخدامی توانایی، تحصیلات و یا عطایای بیشتری داشته باشد، به صورت منطقی (یا کتاب مقدسی) به معنی کمتر بودن مشایخ پاره وقت از شبان واقعی نیست. آشناسانهای استخدامی با همان آتشی که آشناسانهای داوطلب روبرو هستند روبرو می شوند، و مشایخ داوطلب با همان مشکلات شبانی مواجه هستند که یک شبان استخدامی مواجه است.

بوی گوسفند دهید

مشایخ پاره وقت ممکن است به شبان حرفه‌ای به عنوان «ارشد در بین هم پایه‌ها» احترام بگذارند ولی در عین حال مشایخ پاره وقت همچنان با آنها هم‌رده هستند.

یک نمونه تحول آمیز

با تمام این توضیحات، اگر بخواهیم شرح وظایف یک شیخ را خلاصه کنیم، ما ممکن است خیلی ساده بگوییم «شبانی گله». اگر شما فقط یک چیز از این کتاب به خاطر داشته باشید، پس بگذارید این باشد که مشایخ، شبانان هستند و شغل اصلی آنها رسیدگی و توجه به اعضای کلیسا است همانطور که شغل اصلی یک شبان نیکو، هدایت و رسیدگی به گوسفندانش است.

آنوقت چه؟ آیا شبانی الزامی است؟ در عمل چگونه است؟ فصل بعدی ابعاد مختلف شبانی را بررسی خواهد کرد. ما درباره کارهایی مانند تعلیم، رهبری و دعا صحبت خواهیم کرد.

اما قبل از اینکه به «چگونگی» انجام وظیفه شبانی نگاه کنیم، نیاز داریم دو دلیل اصلی الگوی «شیخ به عنوان شبان» را بررسی کنیم. درک واقعی این موضوع که مشایخ، شبان هستند، نه فقط امانا برای یک سازمان بدون سود مالی، می‌تواند خدمت شیخ را حداقل از دو راه مهم متحول کند.

بوی گوسفند دادن

اولین دلیل تحول آور نمونه «شیخ به عنوان شبان» این است که مشایخ با اعضاء کلیسا رابطه برقرار می‌کنند. یک لحظه مکث کنید و یک چوپان واقعی را تصور کنید. احتمالاً شما یکی را در دهکده‌ها و یا فیلم‌ها دیده‌اید. شاید هرگز چوپان را ندیده‌اید، اما به اندازه کافی در کتاب مقدس درباره شبان خوانده‌اید و می‌توانید تصویر ذهنی آن را داشته باشید. چه می‌بینید؟ آیا می‌توانید یک کشاورز ایرلندی را که گله‌ای را در مرتع‌های سبز هدایت می‌کند تصور کنید؟ احتمالاً شما فردی را با لباس بلند تصور می‌کنید که با

چوبدستی بره‌ها را به سمت آغل سنگی موقت می‌رانند. یا ممکن است شما مزامیر ۲۳ را به یاد بیاورید و تصویر شبان نیکو را که گوسفندان را در مرتع‌های سبز می‌خواباند و آبهای آرام را به آنها می‌آشامند.

هر کدام از آنها را تصور کنیم، حداقل یک تصویر معمولی در ذهن ما شکل بسته است. در تمام آنها، شبان در میان گله است. آنچه را تصور نکردیم که او در جایی دیگر وقت خود را بسر می‌برد. او در میان حیوانات راه می‌رود. آنها را لمس می‌کند و با آنها صحبت می‌کند. او آنها را می‌شناسد چون با آنها زندگی می‌کند. در نتیجه او بوی گوسفندان را به خود می‌گیرد. شاید به جای تصور کردن یک شبان واقعی، خیلی ساده به عیسی فکر کنید. در انجیل، ما عیسی را مدام در بین مردم می‌بینیم. به جز مواقع دعای فردی، به نظر می‌آید عیسی تمام وقت خود را صرف شاگردانش و مردم کرده است. او هر جا که می‌رفت مردم را لمس، تعلیم و تربیت می‌کرد. شبان نیکو نه تنها زندگی خود را برای گوسفندان داد، بلکه تمام زندگی خود را نیز با آنها سپری کرد.

دقیقاً همانطور که یک شبان واقعی در میان گوسفندانش زندگی می‌کند و گوسفندانش را می‌شناسد، و همانطور که عیسی خود را در رابطه با شاگردانش غرق کرد، مشایخ نیز زندگی خود را با اعضای کلیسا شریک می‌کنند. فصل بعدی اجزاء مختلف مشایخی را پوشش می‌دهد، ولی همه آنها نشان می‌دهند که مشایخ در رابطه نزدیک با خواهران و برادرانشان زندگی می‌کنند.

بیایید یک مثال برای حالا داشته باشیم: مهمان نوازی. همانطور که در فصل قبل دیدیم، هر دو لیست شایستگی‌هایی که پولس برای سرپرست \[ناظر کلیسا می‌گوید خواستار این است که مرد خواهان این خدمت، باید مهمان نواز باشد (اول تیموتائوس ۳: ۲ - تیطس ۱: ۸). چرا روی مهمان نوازی تاکید می‌شود؟

مهمان نوازی نه تنها نشانگر قلب بخشنده و رفتار خادم است بلکه همچنین نشان دهنده این است که شخص مشتاق سرپرستی می‌خواهد با مردم باشد و دنبال راههایی است که مردم را به زندگی خود دعوت کند. یک مرد مهمان نواز به احتمال زیاد می‌خواهد بین مردم باشد اگر کلیسا آنها را به عنوان شیخ

بوی گوسفند دهید

منصوب کند. در مقابل، سرپرستانی که به عنوان شیخ در هیأت امنای کار می کنند لازم نیست در بین مردم باشند. آنها می توانند به جلسات ماهیانه بیایند، در گفتگوهای هیئت رهبران شرکت کنند. رای بدهند، و با احساس اینکه وظایف خود را به اتمام رسانده اند به خانه بروند. وقتی چنین نمونه ای برقرار باشد، مشایخ لازم نیست دستهای خود را آلوده کنند و خود را درگیر سازند که به شخص ناامیدی که چهارده ماه بیکار است چه بگویند، به برادری که با وسوسه برگشتن به تزریق مواد مخدر مبارزه می کند، به خواهری که در رابطه دوستی با مردی غیر ایماندار هست و هیچ مشکلی در رابطه با آن نمی بیند. آنها فکر می کنند «آیا شبانان را استخدام نکرده ایم که به این مشکلات رسیدگی کند؟» شما ممکن است حقیقتاً شبان را با این ذهنیت که مسئول تمام این کارهاست خوانده اید. اما اگر شما یکی از مشایخ پاره وقت هستید، وقت آن است که همراه کارمندان استخدام شده، خود را به میان گله بیاندازید و چند کار عملی و صمیمانه شبانی را انجام دهید.

شخص اشتباهی را برای این کار دارید!

آیا اینگونه کارها برای شما هراسناک است؟

شاید شما فکر می کنید: «من با مردم زیاد راحت نیستم، من با اعداد، کامپیوتر و آچار راحت تر هستم. فردی درون گرا هستم. تست شخصیتی که انجام دادم این را ثابت می کند. صادقانه بگویم من کمی دمدمی مزاج هستم.» لازم نیست شما یک برون گرا و یا اهل مهمانی باشید که با اعضای کلیسا تماس ایجاد کنید. لازم است فقط آنها را دوست داشته باشید. قبل از شروع جلسه کلیسا پیش قدم شوید و با بیوه زن مسن و ساکت، گفتگو کنید، از زوجی که مشکل زناشویی دارند برای شام دعوتشان کنید، یا یک جلسه مطالعه کتاب مقدس را شروع کنید و از اعضای که کمتر به چنین جلساتی می آیند دعوت کنید. مردم وقتی محبت و نگرانی واقعی را می بینند، آن را می فهمند،

حتی اگر به شکل خجالتی و یا عجیب غریب باشد. محبت از تمام موانع عبور می کند.

شاید شما تردیدهای دیگری درباره خدمت شبانی در بین اعضاء دارید. شاید می ترسید مشکلات مردم از سر شما بگذرد و مسائل را با کمکهای نامناسب بدتر کنید. شما مدرک مشاوره یا تحصیلات الهیاتی ندارید. شما کی هستید که شروع به بازی نقش شبان کنید؟

من پیشنهاد نمی کنم هر کس که علاقه به خدمت رهبری دارد، شایسته این خدمت است. گفته من این است که مردان شایسته، لازم نیست خود را به خاطر ترس از عدم توانایی در حل مشکلات زندگی مردم، ناشایسته بدانند. اینجا چند نکته کوتاه درباره رسیدگی به مردمی که با مشکلات بزرگ روبرو هستند، وجود دارد.

- خدا مشایخ کلیسا را در کلام خود مقرر کرده است، و او می داند چه می کند
- عیسی می تواند از طریق شما عمل کند.
- شبانی در وهله اول برای حل مشکلات مردم نیست (توضیح بیشتر در پایین)
- احتمالاً شما حکمت کتاب مقدسی بیشتری از آنچه فکر می کنید دارید.
- شما همیشه می توانید از عیسی و بقیه کمک بخواهید.

به آرامی تغییر کردن

سی سال پیش، کلیسای تعمیدی که من در آن خدمت می کنم از یک خادم کلیسای مشایخی (پرزبتری) خواست که شبان ارشد بشود. او عطیه فن تشریح و تفسیر داشت و جمعیت زیادی را به خود جذب می کرد و بوسیله انجیل بر زندگی افراد بسیاری تاثیر می گذاشت. اما او کار دیگری هم انجام داد که حتی

بوی گوسفند دهید

سال‌ها بعد از رفتن او کلیسای ما را برکت داد: او کلیسای ما را هدایت کرد که الگوی کلیسای مشایخی^۷ را بپذیرد.

وقتی من به کلیسا آمدم، عده‌ای از مشایخ به مدت بیش از ده سال در آن خدمت داشت. اما وقتی ما رهبری کتاب مقدس را جدی‌تر مطالعه کردیم، آشکار شد که ما رهبران خارج از اعتدال هستیم. ما قسمت اعظم انرژی خود را صرف انجام کارهایی شبیه به هیأت امنای یک سازمان می‌کردیم تا شبانی مردم. پس ما آرام آرام شروع به تغییر جهت توجه‌مان به شبانی کردیم. ما همچنان جلسات ماهیانیان را داریم و کارهایی شبیه هیأت امنای را انجام می‌دهیم. باز هم می‌گویم، آن بخشی از نقش رهبر و زندگی کلیسا است. ولی ما همچنین در تلاش هستیم که زمان بیشتری را صرف بودن با اعضای کلیسا کنیم.

به عنوان مثال، بیش از یک سال پیش، ما لیست گسترده اعضای کلیسای خود را در بین مشایخ تقسیم کردیم و این هدف را تعیین کردیم که حداقل یکبار در سال به هر یک از اعضای لیست خود سرزنیم. آن یک قدم کوچک برای درمان بود. اما حتی آن قدم کوچک نیز ثمربخش بود. اعضا نه تنها با قدردانی پاسخ گفتند، همچنین آنها راغب‌تر بودند که زندگی خود را برای مشایخ باز کنند. مشایخ اینگونه خدمت شبانی را چالش‌انگیز ولی پرارزش یافتند. بعلاوه، من آسوده‌تر شدم که تیم بزرگی برای کمک به خود در به دوش کشیدن بار یک جماعت در حال رشد را دارم. ما همچنان راه طولانی را در پیش داریم. ولی مشایخ ما بیشتر و بیشتر بوی گوسفندان را می‌دهند.

هدف چیست؟

بیاید بازگو کنیم مشایخ همان شبانان هستند. اصطلاح شبانی حامل مفاهیم مهم برای خدمت شیخ (بزرگ، پیر) کلیساست. اول، پیشنهاد می‌کند که کار

۷. کلیسای مشایخی از هیئت رهبران تشکیل شده که شبان کلیسا نیز یکی از اعضای این هیئت می‌باشد. در ایران این فرقه به نام کلیسای انجیلی شناخته می‌شود.

شیخ در درجه اول در رابطه با اعضای کلیسا است. شیخ بودن بیشتر درباره مردم است نه برنامه‌ها.

اما اصطلاح شبانی نه فقط به ما می‌گوید که شغل رهبر کلیسا در چه حیطه‌ایست - به عنوان مثال در روابط - همچنین علت آن را به ما می‌گوید. چرا باید مشایخ کلیسا با اعضاء در معاشرت باشند آنها را شریک زندگی خود سازند؟ چه عملی را می‌خواهند با این کار به انجام رسانند؟ آیا هدف فقط این است که به کلیسا جو خانوادگی و دوستانه بیشتری بدهند؟ اینجا دو مین مفهوم دگرگون کننده از الگوی شبانی است: خدمت مشایخ با هدف رشد اعضای کلیسا و به بلوغ رسیدن در مسیحیت است. دوباره شبان خود را تصور کنید. او را در حال انجام کارهای روزانه خود در میان گله خود تصور کنید. خوراک دادن به گله، عبور دادن آنها از دره، محافظت آنها از حیوانات وحشی، رسیدگی به پای عفونت کرده، جستجو کردن به دنبال گوسفند گمشده.

چرا شبان این کارها را انجام می‌دهد؟ هدف یا مقصود چیست؟ به بلوغ رساندن گوسفندان. شبان هر روز زحمت می‌کشد تا گوسفند سالم و کاملاً رشد کرده‌ای را پرورش دهد تا بتواند تولید و تکثیر یابند. آیا مشایخ نیز هدف مشابه‌ای ندارند؟

مشایخ در رابطه با کلیسا سخت کار می‌کنند تا به رشد اعضا در مسیح کمک کنند. سرپرستان\ناظران تعلیم می‌دهند، دعا می‌کنند و به اعضا خدمت می‌کنند تا خواهران و برادرانشان عیسی را عمیق‌تر بشناسند، از او با وفاداری بیشتر اطاعت کنند، شخصیت او را با وضوح بیشتری منعکس کنند، هم به صورت انفرادی و هم به صورت خانواده کلیسایی. علاوه بر این، ایمانداران سالم و به بلوغ رسیده خود را از لحاظ روحانی تکثیر می‌کنند وقتی انجیل را با دیگران در میان می‌گذارند و به دیگران در رشد مسیحی کمک می‌کنند. پولس صراحتاً بلوغ را هدف اصلی خدمت شبان می‌نامد:

و او (عیسی) عطایای مختلفی به مردم بخشید. یعنی: بعضی را برای رسالت، بعضی را برای نبوت، بعضی را برای بشارت و بعضی را برای

بوی گوسفند دهید

شبانای و تعلیم برگزید. تا مقدسین را در کاری که برای او انجام می دهند، مجهز سازد تا به این وسیله بدن مسیح را تقویت نمایند. تا ما همه به آن وحدتی که در ایمان و شناسایی فرزند خداست، دست یابیم و مطابق آن میزان کاملی که در مسیح یافت می شود، به انسانیت کامل برسیم. (افسیان ۴: ۱۱-۱۳)

وقتی مشایخ وظیفه خود را به خوبی به انجام می رسانند، ایمانداران «دیگر مثل بچه ها نیستند، بلکه در مسیح که سراسر رشد می کنند» (۷: ۱۴-۱۵). مشایخ باید بکوشند تا همراه پولس بگویند «ما مسیح را به همه می شناسانیم و با تمامی دانشی که داریم همه را آگاه ساخته، تعلیم می دهیم تا آنها را به صورت افرادی بالغ در مسیح به خدا تقدیم نماییم.» (کولسیان ۱: ۲۸)

کنترل نظام

این ذهنیت شبانای را دوباره با الگوی شیخ به عنوان هیئت امنا مقایسه کنید. وقتی مشایخ خود را در درجه اول عضو هیئت امنا می دانند، آنها هدف خود را در اداره کردن اجزاء سازمانی کلیسا می بینند. «موفقیت» احتمالاً یعنی تراز نگه داشتن حسابهای مالی، نگهداری از وسایل، بانی مراسم و رویدادهای کیفیت بالا و پرطرفدار شدن. امناء - مشایخ و سوسه می شوند که بر روی اداره کردن یک ماشین تاکید کنند تا به بلوغ رساندن اعضا. ما قبلاً اشاره کرده ایم که زیربنای سازمانی کلیسا بودجه ها، فرآیندها، برنامه ها، امکانات، کارمندان مهم هستند. مدیریت کارآمد عطیه خدمتی و روحانی است که به خودی خود بدن کلیسا را خدمت می کند و مشایخ را برای خدمت شبانای آزاد می کند. نگرش سازمان به موسی در عهد عتیق و رسولان در عهد جدید قدرت داد تا خواندگی خود را به انجام برسانند، و قوم خدا در نتیجه برکت گرفتند (خروج ۱۸: ۱۳-۲۷؛ اعمال ۶: ۱-۷). حتی به عنوان شبانان وابسته، مشایخ، مسئولیت کلی سرپرستی کلیسا و مسائل سازمانی کلیسا را به دوش می کشند.

ولی کلید اینجا است: یک سازمان همیشه باید عضو را خدمت کند. برنامه‌ها و راهبردها در حالت خوب وسایلی هستند برای موفقیت در خدمت به بلوغ رساندن یکدیگر در مسیح.

تجربه من این بوده است که مشایخ به سادگی به طرف نظام و سیستم کلیسایی جذب می‌شوند تا اعضاء. به گفتگو و تلاش برای تنظیم جزئیات کشیده می‌شوند تا کار بر پیشرفت مردم. من کاملاً مطمئن نیستم این به چه دلیل است. شاید علت این باشد که برنامه‌ها و قوانین کارهای قابل مدیریت هستند که می‌شود آنها را برنامه‌ریزی و به انجام رساند، در مقابل کار کمک به مردم برای رشد در مسیح کاری آشفته، بدون خط و مشی و آهسته است. در حقیقت، شبنانی مردم وظیفه‌ای است که ما هرگز به صورت کامل در این زندگی به اتمام نخواهیم رساند و خارج از کنترل است. مشایخ باید از کشیده شدن به طرف مدیریت سازمان خودداری کنند و در عوض مقصود جماعت را به سمت بلوغ در عیسی سوق دهند. برای کمک به این، در جلسه بعدی مشایخ، یک یا دو سوال مانند اینها را در بحث اهداف مطرح کنید:

- از چه راههایی کلیسای ما بیشتر عیسی را منعکس می‌کند؟ از چه راههایی او را منعکس نمی‌کند؟
- آیا اختلاف نظرهای حل نشده در کلیسا وجود دارد که ما مشایخ می‌توانیم سعی در حل و آشتی دادن آنها بکنیم.
- آیا اعضای را می‌شناسیم که در گناه بارزی سرگردان هستند و یا به سادگی از رابطه مداوم با کلیسا دور شده‌اند؟ چه کسی با آنها صحبت می‌کند؟
- چه نوع کتابهایی دینی، تعالیم الهیاتی اعضای ما نیاز دارند که در سال آینده بخوانند؟ چرا؟
- آیا اعضای ما می‌دانند چطور به دیگران بشارت بدهند و شاگردسازی کنند؟ آیا آنها این کار را انجام می‌دهند؟

• آیا کلیسای ما در دعا است؟

ردا را انتقال دهید

وقتی عیسی به آسمان رفت، او این دستورهای آخر را به پیروانش داد:

پس بروید و همه ملت‌ها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر، پسر،
روح‌القدس تعمد دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما
گفته‌ام انجام دهند و بدانید که من هر روزه تا آخر زمان با شما هستم
(متی ۲۸: ۱۹-۲۵).

عیسی به شاگردانش گفت که کاری را که او در چند سال اخیر با آنها
انجام داده است را ادامه دهند. تمام حقیقت را، و نه هیچ چیز بلکه حقیقت را؟
آیا گوسفندان او را همانطور که او دوست دارد، دوست داریم؟ آیا ما سودجو
یا فروتن هستیم؟ آیا ما برادران و خواهرانمان را به طرف عیسی هدایت می‌کنیم
یا وقتی آنها سعی در پیروی او می‌کنند مانند سنگ لغزش عمل می‌کنیم؟ اما
یک وعده جاودانه وجود دارد: خوب شبانی کنید، زیرا تاجی برای بدست
آوردن وجود دارد. بعد از اینکه پطرس مشایخ همکار خود را به فروتنی و
شبانی با نمونه بودن ترغیب می‌کند، او این وعده را می‌دهد، و شما در وقتی که
شبان اعظم ظاهر می‌شود تاج پر جلالی را خواهید ربود که هرگز پژمرده
نمی‌شود (اول پطرس ۵: ۴).

خیلی از چیزهایی که هر هفته برای آن کار می‌کنیم یا نگرانش هستیم
بیهوده است. کتاب جامعه به ما یادآوری می‌کند که کارهایی که کرده‌ایم و
زحماتی که کشیده‌ایم بیهوده است. ما می‌اندوزیم و می‌سازیم تا برای دیگران
واگذاریم. اما پاداش شبانی پرثمر هرگز از بین نمی‌رود. چه کار دیگری در
طول هفته انجام می‌دهید که به شما وعده تاج جاودان را می‌دهد؟ برادرانم،
همانطور که به شیخ بودن فکر می‌کنید و بهای آن را حساب می‌کنید، به یاد
داشته باشید که جلال جاودان برای خادم خوب و وفادار وجود دارد

فصل ۳

کلام را خدمت کن

فکر می‌کنم که مشایخ کلیسا شوکه شده بودند. ما برای سمینار سالانه مشایخ جمع شده بودیم تا دربارهٔ هدفهای سال آینده صحبت کنیم. همچنین نگاه دوباره‌ای به تعریف کتاب مقدسی وظایف ناظران کلیسا داشته باشیم. وقتی موضوع تعلیم به میان آمد من یک چالش را مطرح کردم. می‌خواهم دونفر از مشایخ امسال یکبار برای پرستش صبح روز یکشنبه موعظه کنند.

هرچند مشایخ جانشین در برخی از کلیساها موعظه می‌کنند. کلیسای ما همیشه موعظهٔ صبح روز یکشنبه را به شبان حقوق بگیر واگذار کرده است. واعظ ذخیره فقط مختص موارد اضطراری بود. برای همین تعجب آور نبود که مشایخ به چالش من با چشمان خیره شده و شوخی‌هایی که حاکی از عصبی بودنشان بود، پاسخ دادند.

ولی من نمی‌خواستم تندروی کرده باشم. فقط می‌خواستم خواندگی کتاب مقدسی آنها را برای تعلیم کلام خدا به آنها یادآوری کنم. اگر مشایخ گوسفندان عیسی را شبانی می‌کنند پس وظیفهٔ اصلی آنها دادن غذای روحانی کتاب مقدسی به اعضای کلیسا می‌باشد. بدون غذا گوسفندان ضعیف شده می‌میرند، بدون تغذیه منظم از تعلیمات کتاب مقدس مسیحیان از گرسنگی روحانی رنج خواهند برد.

شاید بیشتر از هر وظیفهٔ دیگری تعلیم، مشایخ را در کلیسای محلی متمایز می‌سازد. ما در فصل اول دیدیم که شیخ شایسته باید بتواند تعلیم دهد (اول تیموتائوس ۳: ۲).

لازم به توجه است که لیست شایستگی های پولس در اوّل تیموتائوس فصل سوّم برای مشایخ و شماسان تقریباً مشابه است، بجز یک تفاوت واضح: شیخ باید تمایل به تعلیم کلام داشته باشد، در حالی که شماسان چنین الزامی ندارند. مشایخ و شماسان هر دو باید شخصیتی شبیه مسیح داشته باشند، اما فقط مشایخ باید مهارت خود را در توضیح و کاربرد کتاب مقدّس نشان دهند.

در فصل دوّم، تعمقی داشتیم در مورد این حقیقت که مشایخ، شبان هستند. وقتی پولس مقامهایی را که عیسی به کلیسا هدیه داده است فهرست می کند، او شبانی و تعلیم را با هم ادغام می کند: «او عطایای مختلفی به مردم بخشید یعنی: بعضی را برای رسالت و بعضی را برای نبوّت بعضی را برای بشارت و بعضی را برای شبانی و تعلیم برگزید (افسسیان ۴: ۱۱).

به دو نکته توجه کنید. اوّل اینکه تمام این منصب ها کلام خدا را منتقل می کنند. رسولان شاهدان عینی هستند که کلام و اعمال عیسی را اعلام کرده و نوشتند. انبیاء کلام را مستقیم از خداوند انتقال می دهند. مبشرین ندا کننده انجیل هستند. همینطور شبان نیز به کلیسای محلی تعلیم می دهند. این مطلب ما را به نکته دوّم هدایت می کند. کلمه شبان و معلّم در آیه ۱۱ با هم هستند. در زبان یونانی یک حرف تعریف به هر دو اسم اطلاق می شود. بنابراین «شبان و معلّم» به دو وظیفه اشاره نمی کند بلکه به یک یعنی شبان-معلّم.

حاکمیت خدا از طریق کلامش

این حقیقت که خدا از مشایخ می خواهد به قومش تعلیم دهند نباید ما را شگفت زده کند. خدا از طریق کلامش بر قومش حکومت می کند، پس رهبران قوم خدا همیشه عهده دار انتقال کلام خدا بوده اند.

خدا وعده هایش را به ابراهیم، اسحاق و یعقوب داد، آنها نیز به نوبه خویش قوم خود را هدایت کردند تا به وعده های خدا اطمینان داشته باشند و از خدا اطاعت کنند. خدا کلام عهد خود را به موسی داد، موسی نیز آنها را به اسرائیل آموخت (تثیه ۴: ۱).

کلام را خدمت کن

موسی به پدران دستور داد تا فرمان‌ها را به فرزندان خود بیاموزند و آنها را شبانی کنند (تثنیه ۴: ۹-۶: ۲۵)، این فرمان برای پدران ایماندار کلیسا نیز تکرار شده است (افسسیان ۶: ۴). کاهن در اسرائیل نه تنها قربانی می‌کرد بلکه فرمانهای خدا را نیز به قوم تعلیم می‌داد (لاویان ۱۰: ۱۰-۱۱: ۲ - دوم تواریخ ۱۵: ۳-۱۷: ۹-۷).

خدا قوم خود را با فرستادن انبیاء اصلاح و هدایت می‌کرد، آنها اعلام می‌کردند: «پس خداوند می‌گوید» حتی از پادشاه اسرائیل نیز انتظار می‌رفت تا شاگرد جدی شریعت خدا باشد (تثنیه ۱۷: ۱۸-۲۰). سپس عیسی آمد. شبان نیکوی ما اولین و بزرگترین واعظ بود. وقتی او جمعیت را دید، «او دلش برای آنها سوخت، چون مانند گوسفندان بی شبان بودند.» و عیسی برای برآورده کردن نیاز آنها به شبان چه کرد؟ «پس به تعلیم آنها پرداخت و مطالب زیادی بیان کرد» (مرقس ۶: ۳۴). چهار انجیل سرشار از مثل‌ها، توضیحات، پندها و گفتگوهاست. عیسی تجسم کلمه است (یوحنا ۱: ۱۴)، که تمام کلام عهد عتیق را تحقق بخشید (متی ۵: ۱۷-لوقا ۲۴: ۲۵-۲۷، ۴۴-۴۷).

و کلام خدا را در سراسر خدمت عمومی خود پخش کرد. بعد از قیام، عیسی خدمت تعلیم و بشارت را به رسولان سپرد (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). همانطور که تعلیمات عیسی انجیل را پر کرده است، کتاب اعمال رسولان و نامه‌های آنها مملو از تعلیمات رسولان است.

و وقتی رسولان از طریق موعظه‌های خود شاگردسازی کردند و آنها را در کلیسا جمع کردند، مشایخ را برای هر کلیسا مشخص کردند و کار تعلیم را که خود انجام می‌دادند به آنها سپردند (اعمال ۱۴: ۲۳).

لحظه‌ای به این نکته شگفت‌انگیز تعمق کنید. عیسی زنده است. او در آسمان فرمانروایی می‌کند و در کلیسای شما حکمرانی می‌نماید. او اقتدار پادشاهی خود را به وسیله کتاب مقدس در کلیسا اعمال می‌کند. پیروان عیسی امروز، با اطاعت از کتاب مقدس از او اطاعت می‌کنند. پس اگر شما شیخ کلیسا هستید، وقتی کلام خدا را با وفاداری تعلیم می‌دهید، عیسی با اقتدار، از طریق تعالیم شما بر مطیعانش شبانی می‌کند.

سهیم بودن در تعلیم

این چه مفهوم کاربردی برای مشایخ دارد؟ این چه تاثیری بر توضیح کار مشایخ کلیسا دارد؟ من باور دارم که دو نتیجه می توان گرفت. اولی باید واضح باشد. مشایخ باید در خدمت تعلیم در کلیسا مشارکت داشته باشند. اگر شما یکی از مشایخ کلیسا هستید، باید مشغول شرح و تفسیر کتاب مقدس باشید.

اما اکثر مواقع مشایخ از تعلیم خودداری می کنند. حتی مشایخ واجد شرایط که قابلیت تعلیم دادن کلام را دارند نیز از آموزش دادن اجتناب می کنند. این موضوع به چند دلیل اتفاق می افتد، شایع ترین اینها احساس ناکفایتی است. مشایخ توانایی طبیعی، تجربه تعلیم و تحصیلات الهیاتی خود را با شبان حقوق بگیر کلیسا مقایسه می کنند، «چرا اعضای کلیسا بخواهند به یک غیر حرفه ای مثل من گوش بدهند وقتی یک شبان حرفه ای در میان کارکنان کلیسا وجود دارد. علاوه براین، شماسان اغلب ساعت های زیادی را خارج کلیسا کار می کنند و وقت کمی برای آماده کردن درس خود دارند. چه کسی می خواهد به گوسفندان غذای نیم پز بدهد؟»

اما اگر شما رهبر کلیسا هستید، شما یک معلم هستید. پس اجازه ندهید این ترس ها و شرایط سخت شما را از تعلیم بازدارد. بلکه مشتاق باشید و خواندگی خود را با تمام توانایی و منابعی که دارید به کار بگیرید.

با این حقیقت تشویق شوید که تعلیم در حوزه های مختلفی انجام می شود. تعلیم تنها مختص صبح روز یکشنبه نیست. مشایخ می توانند جماعت کلیسا را در گروه های بزرگ یا جمع های کوچک تغذیه کنند. شما می توانید کتاب مقدس را به کانون شادی، گروه های خانگی، مدرسه کتاب مقدس در تعطیلات برای کودکان و یا برای مشاوره تک به تک تعلیم دهید. در جستجوی یافتن نیاز کلیسای خود به تعلیم باشید و سپس برای کمک قدم بردارید.

کلیسای ما شامل یک گروه کوچک از مردم کامبوج می باشد. بین سالهای ۱۹۸۲-۱۹۸۱، چند نفر از اعضای کلیسای ما در بحران پناهندگی مردم کامبوج حامی آنها شدند تا آنها را به ایالات متحده بیاورند. بسیاری از این پناه جوین

کلام را خدمت کن

ایماندار و عضو کلیسا شدند. آنها کلاس‌هایی در روز یکشنبه دارند که به زبان خمر، زبان کامبوج برگزار می‌شود. من برکت زیادی از دیدن کلاس‌های آنها گرفته‌ام که یکی از رهبران کلیسا با کمک مترجم به آنها تعلیم می‌داد. مشایخ نیاز را دیدند و با عبور از موانع زبان و فرهنگ این افراد را تغذیه کردند.

با این حقیقت نیز تشویق شوید که عطیه تعلیم در قوت و دسته بندی‌های مختلفی می‌آید. اگر شما قادر نیستید توجه کامل یک جمعیت بزرگ را به مدت ۴۵ دقیقه به سخنرانی خود نگه دارید، به این معنی نیست که از خواندگی خود برای تعلیم کناره گیری کنید. مقایسه بی‌فایده را کنار بگذارید و ببینید چطور می‌توانید از عطایا، تجربه زندگی و شخصیتی که خدا به شما داده است استفاده کنید.

میکائیل از اعضای کلیسای من برای مردان دلشکسته‌ای که سال‌ها در اسارت اعتیاد گناه آلود بودند، دل داشت. دلیل اصلی او این بود که مسیح او را از احساس گناه و قدرت اعتیاد نجات داده بود. بنابراین او یک جلسه مطالعه کتاب مقدس به نام «اعتیاد» شروع کرد. این یک جلسه مطالعه کتاب مقدس بود. میکائیل از برنامه آموزشی بهبود استفاده نکرد. او تنها کتاب مقدس را درس داد. اما به خاطر تجربه زندگی و همدردی او توانست با مردانی که با اعتیاد در جنگ هستند ارتباط برقرار کند. این ارتباط بیشتر از ارتباطی است که من می‌توانم از طریق موعظه‌های معمول روزهای یکشنبه برقرار کنم. میکائیل حتی شیخ کلیسا هم نبود، اما نمونه زندگی او نشان می‌دهد که چطور خدا از تجربه‌های مختلف زندگی ما برای تعلیم کلام خود استفاده می‌کند.

در آخر، دلگرم باشید چون معلم‌های کتاب مقدس می‌توانند بهتر شوند. تمام معلم‌ها باید از راهنمایی‌های پولس به تیموتائوس پیروی کنند:

«تا موقع آمدن من، وقت خود را صرف موعظه و تعلیم و قرائت کلام خدا برای عموم بنما - نسبت به عطیه خود بی توجه نباش، عطیه‌ای که در وقت دستگذاری توبه وسیله رهبران کلیسا همراه با نبوت آنها به تو داده شد. این چیزها را به عمل آور و خود را وقف آنها بساز تا پیشرفت تو برای همه معلوم گردد.» (اول تیموتائوس ۴: ۱۳-۱۵)

خدا معلّمین خود را می خواند تا رشد کنند نه اینکه کامل باشند. خودتان را با معلّمین دیگر مقایسه نکنید، در عوض، خود را با سال گذشته یا پنج سال گذشته مقایسه کنید و به رشد خود نگاه کنید. ما با تمرین این چیزها رشد می کنیم: «قرائت برای عموم، موعظه، تعلیم» و وقتی به آنها متعهد باشیم. پس از فرصت های تعلیم کلیسایی استفاده کنید. اگر در کلیسا کسانی را دارید که تحصیلات الهیاتی دارند، از آنها بخواهید که کتابهایی را به شما معرفی کنند تا نقاط ضعف دانش خود را تقویت کنید. از دیگر معلّم ها و مشایخ بخواهید که به درس شما گوش دهند و نظر خود را به شما بگویند. اگر شبان شما که به صورت مرتب موعظه می کند از شما بپرسد آیا می خواهی یکشنبه صبح موعظه کنی، ریسک را قبول کرده و جواب «بله» بدهید.

از تعلیم محافظت کنید

خدمت تعلیم مشایخ شامل بعد دیگری نیز می باشد. یک ناظر نه تنها در تعلیم دادن مشارکت می کند، بلکه او باید کلیسا را از تعلیم غلط محافظت نماید. او باید هم عمل کننده و هم محافظ تعلیم باشد. «نگهدارنده با وفای پیام به صورتی که تعلیم داده شده، تا او بتواند هم با تعلیم صحیح تشویق کند و هم مخالفان را مجاب سازد» (تیطس ۱: ۹).

شکارچیان گوسفندان را شکار می کنند. همانطور که شبان ها گرگان و شیران را دور می کنند، مشایخ نیز باید معلّمین دروغین را از کلیسا دور کنند. پولس در افسسیان به مشایخ هشدار می دهد.

من می دانم که بعد از رفتن من گرگ های درنده به میان شما خواهند آمد. که به گله ترحمی نخواهند کرد و حتی در میان خود شما افرادی پیدا خواهند شد که حقیقت را تغییر داده، پیروانی را به دنبال خود خواهید کشید. پس آگاه باشید و فراموش نکنید که چگونه دائماً مدت

کلام را خدمت کن

پولس باید دل نگرانی خاصی دربارهٔ تعلیمات غلط در افسُس داشته باشد، زیرا در نامهٔ خود به کلیسا دوباره به اهمیت خدمت تعلیماتِ شَبانی تاکید می‌کند، تا ایمانداران رشد کنند و در مقابل فشار و پیچیدگی‌های تعلیم غلط مقاومت کنند. آنوقت ما دیگر مثل بچه‌ها نخواهیم بود که با امواج رانده می‌شوند و از بادهای متغیر تعلیم بشری متلاطم می‌گردند و فریب حيله‌ها و نیرنگ‌های مردمی را می‌خورند که می‌خواهند آنها را از حقیقت دور کنند (افسُسین ۴: ۱۴).

تدبیرهایی برای محافظت کردن

مقابله با تعلیم غلط نیازمند هشیاری است. مشایخ باید نسبت به افراد و یا ایده‌هایی که انجیل را تغییر می‌دهد و یا حقایق کتاب مقدس را تغییر می‌دهند (می‌پیچانند) هشیار باشند. در اینجا سه راهکار برای مراقبت از جماعتان وجود دارد:

آگاهی از شرایط

از مطالعه دربارهٔ اطراف خود از نظر روحانی شروع کنید. خود را با باورهای مخصوص، فلسفه‌ها و مذاهبی که در جامعه شما فعال هستند، آشنا کنید. آیا مردم شما با مذهب بزرگ دیگری ارتباط مداوم دارند؟ آیا فرقهٔ خاصی حضور قوی در شهر دارد؟ از تعلیم مهم این گروه‌ها آگاه باشید، مخصوصاً کجا انجیل و حقایق کتاب مقدس را رد می‌کنند.

دربارهٔ گرایش‌ها چه؟ آیا رفتارهای دنیاگرایی، فردگرایی، خردگرایی، نسبی‌گرایی افکار مردم را جایی که شما زندگی می‌کنید، شکل می‌دهد؟ افراد محلی که به کلیسای شما می‌آیند این باورهای فرعی را وارد کرده و در کلیسا براساس این گرایش‌ها عمل می‌کنند بدون اینکه آن را تشخیص دهید. مطمئن باشید که دربارهٔ این جهان بینی‌ها در تعلیمات و گفتگوهای خود به وضوح صحبت کنید.

باشید که دربارهٔ این جهان بینی‌ها در تعلیمات و گفتگوهای خود به وضوح صحبت کنید.

مخصوصاً از انحرافات انجیلی فعال در میان کلیساهای اطرافتان آگاه باشید، حتی در کلیسای خود. اینها ممکن است هر چیزی از انجیل ثروت و سلامتی تا خداشناسی تا قانون پرستی و یا الهیات لیبرال باشد. آیا افراد کارزماتیک محلی پیروانی را برای تعالیم انجیل ساده و یا انجیل تقلبی برنده می‌شوند؟ تمام این تعلیمات می‌توانند به گوسفندان شما آسیب برسانند.

کنترل روند عضویت

وقتی افق چشم انداز محلی خود را بررسی می‌کنید، فراموش نکنید که مواظب دروازه جلوی آغل گوسفندان باشید. چه کسی به کلیسای شما می‌پیوندد؟ آیا اعضای جدید تعالیم کلیسای شما را می‌دانند؟ آیا آنها موافق هستند؟ آیا مطمئن هستید؟ یک روند عضویت دانسته (عمدی) راه درازی را در نگرانی از کلیسا در مقابل تعلیمات غلط می‌رود. اعضای آینده قبل از ملحق شدن باید بشنوند که کلیسای شما به چه چیز باور دارند. مشایخ و من در طول سال‌ها فهمیدیم که برخی از شاخصه‌های الهیاتی کلیسای ما باعث دل‌رنجی بیشتر در بعضی از افراد نسبت به دیگران می‌شود.

این شاخصه‌ها شامل تعمیم ایمانداران، الهیات ریفورم، اصلاح شده و مشایخ مذکر می‌شود. پس عمداً ما این باورهای بحث انگیز را در کلاس‌های عضویت بیان می‌کنیم. اگر کسی در این کلاس‌ها از عضویت صرف نظر کند و کلیسا را به خاطر این موضع ترک کند، ما به او در درازمدت محبت کرده‌ایم.

شما همچنین باید بدانید عضو آینده چه باورهایی دارد. به ترتیب دادن جلسات مصاحبهٔ مشایخ با کسانی که خواهان عضویت در کلیسا هستند فکر کنید. از افراد به صورت مستقیم بپرسید که آیا موقعیت اعتقادی کلیسا را فهمیده‌اند و با آن موافق هستند. حتی بعضی از کلیساهای از اعضای جدید می‌خواهند که اعتراف‌نامه‌ها «اعتقادنامه» را امضاء کنند تا تعهدات الهیاتی

کلام را خدمت کن

بگویم: اجازه ندهید نقش تعلیم مداوم را کس دیگری به غیر اعضاء در جماعت شما داشته باشند.

رسیدگی به خدمات کلیسا

آیا می‌دانید در کلیسای شما چه تعلیمی داده می‌شود؟ از اعتبار رهبری خود استفاده کنید وارد صحبت‌های گروه جوانان بشوید در برنامه‌های مخصوص بانوان در انتهای سالن بنشینید. چند بار در کانون شادی کمک کنید. چه نوع غذای روحانی جماعت شما دریافت می‌کنند؟ آیا آن انجیل درجه یک است یا الهیات پوسیده؟ سرودهای کلیسای خود با درایت گوش کنید. تعلیم متن سرود دربارهٔ خدا، انجیل یا نجات چیست؟ آیا سرودهایی که می‌خوانید تعلیم شما را حمایت می‌کند یا آنها را فرومی‌پاشند؟

شروع بررسی از مرحلهٔ ریشه گیاه

شبان نیکو بودن وقتی اتفاق می‌افتد که مشایخ خود را در میان مردم حل کنند. آنها چه کتابهایی را می‌خوانند؟ آیا آنها واعظ‌های مشخصی را در اینترنت دنبال می‌کنند؟ اگر اعضای کلیسا با هیجان کتابی را دست به دست می‌کنند بهتر است آن کتاب را بخوانید.

اگر رهبر جلسات کتاب مقدس، معلم کانون شادی یا سخنران متقاعد کننده‌ای پیدا کردید که تعلیماتش مخرب به نظر می‌آید او را به صورت مستقیم مورد خطاب قرار دهید. اجازه ندهید مسئله وخیم بشود. این موضوع به خودی خود بهتر نخواهد شد. رسولان شدیدترین محکومیت را به معلمین دروغین دادند (۲ پطرس ۲-۲ یوحنا ۷: ۱۱-۱۱ یهودا ۵-۱۱)، و عیسی هشدار شدید به کلیساهایی که آنها را می‌پذیرند، می‌دهد (مکاشفه ۲: ۱۴-۱۶ و ۲۵-۲۳).

تشخیص موضوع اصلی

شاید مهمترین کاری که مشایخ می‌توانند برای محافظت کلیسا در برابر تعالیم دروغین بکنند، دانستن حقایق اصیل کتاب مقدس است. با «چسبیدن محکم به پیامی که قابل اعتماد و با تعالیم صحیح سازگار است» مشایخ می‌توانند «مخالفان را مجاب سازند» (تیتس ۱: ۹)

بدعت‌ها و حقایق نیمه به‌شمار هستند، ولی فقط یک حقیقت وجود دارد. هرچه بیشتر کتاب مقدس را بشناسید، بیشتر می‌توانید حتی زیرکانه‌ترین تعالیم دروغین را تشخیص دهید.

کلیسایی بود که رهبران‌شان احساس کردند که شبان از انجیل منحرف شده است. شبان از رهبران باهوش‌تر و تحصیل کرده‌تر بود و به نظر می‌آمد که می‌توانست موضع خود را از متن کتاب مقدس ثابت کند. اما با وجود آموزش فوق‌العاده و فصاحت، تعالیم جدید به خوبی در بین رهبران کلیسا ننشست. آنها آن را به عنوان پیام وفاداری که می‌شناختند، تشخیص ندادند، حتی اگر آنها نمی‌توانستند بحث را در مقابل واعظ خود برنده شوند یا حتی دقیقاً مشخص کنند که کجا او کج رفته است. آنها با شبان مقابله کردند و او در آخر کلیسا را ترک کرد.

برای حفاظت از تعلیمات کلیسا نیازی به مدرک دانشگاه الهیات نیست، اما نیازمند اراده و ایمان است.

زنده نگه داشتن تعلیمات

این فصل درخواستی از طرف مشایخ برای مشارکت و نگه داری تعالیم صحیح بوده است. احتمالاً شما در حال حاضر این کار را انجام می‌دهید. در حقیقت، ممکن است شما در درس دادن استاد باشید، بتوانید گره پیچیده‌ترین مسائل الهیاتی را باز کنید و از زیرکانه‌ترین تعلیمات غلط جلوگیری کنید. با این حال، یک مشکل بزرگ، خدمت تعلیم شما را تهدید می‌کند: روزی شما خواهید مُرد.

کلام را خدمت کن

وقتی بمیرید، شما، به فیض خدا، مسیحیان تعلیم گرفته خوبی را به جا خواهید گذاشت، اما آیا شما معلّمان کارآمد برای ادامه کار را نیز برجا خواهید گذاشت؟ به عبارتی دیگر، آیا برای آموزش دیگران قدم برداشته‌اید؟ قسمتی از تعلیم کلیسا آموزش شبانان معلّمان آینده است. همانطور که پولس به تیموتائوس فرمود: و سخنانی را که در حضور شاهدان بسیاری از من شنیده‌ای به کسانی بسپار که مورد اعتماد و قادر به تعلیم دیگران باشد (دوم تیموتائوس ۲:۲).

آیا متوجه مرد دیگری در کلیسا شده‌اید که نشان می‌دهد آینده خوبی در تعلیم دادن یا رهبری کلیسا دارد؟ در نظر بگیرید که با او به صورت مداوم ملاقات کنید با هم الهیات بخوانید یا مطالعه کتاب مقدس داشته باشید. یا شاید او را به عنوان کارآموز در جلسات مطالعه کتاب مقدس خانه خود و یا کلاس‌های یکشنبه که درس می‌دهید، با خود ببرید. او را قدم به قدم در مسیر آماده کردن درس با خود ببرید، اجازه بدهید تعلیم دهند، بعد نظر خود را به او بگویید و دوباره این کار را تکرار کنید.

آماده باشید

«کوین» یکی از کسانی بود که چالش مرا برای موعظه صبح روز یکشنبه پذیرفت. کمی بعد از آنکه تکلیف را قبول کرده او به من گفت که علاقه او برای بشارت به شهرش در حال رشد است و فکر می‌کند که آیا خدا او را برای کمک به شروع کلیسای جدیدی در آنجا می‌خواند یا نه. «کوین» معلّم دبیرستان شهر است و مربی فوتبال و دومیدانی می‌باشد. او تقریباً صدها نفر را در محله خود می‌شناسد. چه فرد مناسبی برای کمک و رهبری در بناکردن کلیسای آنجا! این عقیده که او در حقیقت می‌تواند در جلسه صبح روز یکشنبه موعظه کند زندگی تازه‌ای به رویاهای او می‌دهد.

در حال حاضر، «کوین» دوره کارآموزی فن موعظه را در کلیسای ما انجام می‌دهد. او فن تشریح کتاب مقدس را به صورت اینترنتی با درسهای «سایمون

تراست»^۸ مطالعه می کند. او همینطور از فرصت های تعلیم و شنیدن نقطه نظرات استفاده مداوم می کند. من نمی دانم تمام قدم های بعدی چه هستند، یا آیا بنای کلیسای جدید ثمربخش خواهد بود. تمام اینها در دست خداست. اما من رهبری را می بینم که به خواندگی خود برای تعلیم، پیشرفت و جرات برای آرزوهای بزرگ برای انجیل تکیه کرده است.

فصل ۴

به دنبال پراکنده شده گان

این یک پدیده بسیار عادی در کلیساها است. اعضای کلیسا دیگر در جلسات یکشنبه دیده نمی شوند. چند هفته و یا چندماه می گذرد قبل از اینکه کسی متوجه این موضوع شود. این اتفاق در کلیساهای بزرگ بیشتر است، اما در کلیساهای کوچک هم ممکن است.

مردم کلیسای ما به این پدیده به عنوان «افتادن در شکافها، درزها»^۹ اشاره می کنند. آنها چیزهایی مانند این می گویند: «آیا خانم سالی را این اواخر در کلیسا دیده اید؟ امیدوارم او توی شکاف نیفتاده باشد.» اما آیا اینطور اتفاق می افتد؟ آیا واقعاً مانند افتادن در شکاف است؟ این توضیحات کلیسا را مانند «اتاقک چوبی بالای درخت» است که از سطح زمین بالاتر است و کف چوبی آن درزهای بزرگی دارد. گاهی عضوی بی توجه بر روی این فضای خالی پا می گذارد، و بعد ناپدید می شود. آیا واقعاً اعضا کلیسا ناگهانی، اتفاقی و بدون اینکه به مردم فرصت توجه دهند کلیسا را ترک می کنند؟

ولی اگر ما به جای «افتادن در شکاف»، تصویر دیگری مانند «پراکنده شدن از گله» را استفاده کنیم چه؟ این تصویر حداقل به دو دلیل بهتر جا می افتد. اول، «پراکنده شدن» به این معنی است که عضوی که با کلیسا قطع رابطه کرده، مسئولیت این را دارد که با جماعت کلیسا در رابطه بماند. گوسفند معمولاً گله

۹. Falling through the cracks ضرب المثلی انگلیسی. وقتی موضوعی و یا فردی از اهمیت چندانی برخوردار نباشد، کمتر به آن توجه خواهد شد و به آن رسیدگی نمی شود.

مشایخ کلیسا

را با سقوط اتّفاقی در یک حفره ترک نمی کند آنها در طی زمان با سلسله انتخاب‌هایی جدا می شوند.

دوم، تصویر گوسفند گمشده همچنین پیشنهاد می کند که شخصی باید مواظب گله باشد و وقتی گوسفندی شروع می کند به پرسه زدن دور از گله، وارد عمل شود. بله، هر عضوی وظیفه دارد که پرسه نزند، اما تمام اعضای کلیسا وظیفه دارند که مراقب یکدیگر باشند. با اینحال، یک گروه به طور مشخص موظف به مراقبت از گوسفندان پراکنده هستند: مشایخ.

مراقب بودن

در فصل ۳، دیدیم که مشایخ نگاه می کند تا مطمئن باشند هیچ «گرگی» با تعالیم غلط به کلیسای آنها رخنه نکند. اما مشایخ مراقب هستن که حرکات ناخواسته از طرف مقابل هم اتّفاق نیافتد. - اعضای پراکنده شده از گله و از خداوند - این قسمتی از کار اصلی شبان است. شبانان به گله خوراک می دهند، از آنها در برابر شکارچیان مراقبت می کنند و حساب آنها را نگه می دارند. یعقوب را به یاد می آورید که چطور حکایت کار پر زحمت مراقبت از گله لابان را تعریف می کند؟ یعقوب توضیح می دهد که چطور خود را با مراقبت از گوسفندان لابان خسته کرده است. او حساب تک تک حیوانات را می دهد. در شکایت او، تصویر هوشیاری و مسئولیت پذیری شبان را می بینیم.

من این ۲۰ سال با تو بوده‌ام. در این مدت یکی از گوسفندان و یا بزهای تو بچه نینداخته است و من حتی یک میش از گله تو برای خودم برنداشته‌ام. هرگز گوسفندی را که حیوان وحشی آن را کشته بود نزد تو نیاوردم تا به تو نشان دهم تقصیر من نبوده، بلکه خودم عوض آن را می‌دادم. تو آنهایی را که در شب و یا روز دزدیده می‌شدند، از من مطالبه می‌کردی. بارها از گرمای روز و سرمای شب نزدیک بود از بین بروم و نمی‌توانستم بخوابم. (پیدایش ۳۱: ۳۸-۴۰)

به دنبال پراکنده شدن گان

در تضاد، حزقیال بر علیه رهبران اسرائیل نبوت کرده و آنها را متهم به کوتاهی در شبانی می نماید. «ای شبانان اسرائیل که خود را تغذیه می کنید، آیا شبانان نباید گوسفندان خود را خوراک دهند؟» (حزقیال ۳۴: ۲).

و یکی از راههایی که آنها در شبانی ناموفق بودند چیست؟ «آوارگان را باز نگردانیده اید، به دنبال گمشدگان نرفته اید.» (آیه ۴) و در نتیجه، «گوسفندان من پراکنده شده اند و در همه کوه ها و همه تپه ها سرگردان گشته اند، گوسفندان من در سراسر زمین پراکنده شوند و کسی نبود که به جستجو آنها برود یا آنها را پیدا کند» (آیه ۶).

با این حال، خدا اعلام کرد که خود برای جستجوی گوسفند گمشده قوم خود خواهد گشت:

خداوند خدا می گوید: «من خداوند متعال، خودم به جست و جوی گوسفندانم می پردازم و از آنها مواظبت خواهم نمود. همان گونه که شبانان از گوسفندان خودشان مراقبت می کنند و آنها را که پراکنده شده اند، دوباره دور هم جمع می کند. من آنها را از تمام مکانهایی که در آن روز مصیبت بار پراکنده شده اند، به دور هم جمع می کنم» (حزقیال ۳۴: ۱۱-۱۲).

پس خدا به صورت عیسی آمد، گوسفندان گمشده را به صورت گله جدید دور هم جمع کرد. عیسی خدمت خود را به باجگیران و گناهکاران با مقایسه خود با شبانی که نود و نه گوسفند پیدا شده را برای یک گوسفند گمشده رها می کند توضیح داد (لوقا ۷-۱۵: ۱).

او خود را شبان نیکو می خواند که نه تنها زندگی خود را برای گوسفندان داد، بلکه «گوسفندان دیگر» را نیز به گله می آورد، اشاره به غیر یهود (یوحنا ۱۰: ۱۴-۱۶).

یک بار دیگر. اینجا جایی است که مشایخ کلیسا وارد تصویر می شوند. مشایخ به عنوان شبانان زیر نظر عیسی خدمت می کنند، مواظبت از گله که به وسیله عیسی و انجیل او نجات داده شده و دور هم جمع شده اند. خواندن مشایخ به عنوان سرپرستان ناظران خیلی مناسب است. «آنها پاسداران جانهای

شما هستند و در برابر خدا مسئولند» (عبرانیان ۷:۱۳). این مورد از یک جهت دلیل این موضوع است که رهبری خوب خانواده، یکی از شایستگی‌های لازم برای شیخ است (فصل یک را ملاحظه نمایید). والدین خوب بودن مستلزم نظارت دقیق به فرزندان و فعالیتهای خانواده است، همینطور شبان خوب بودن.

پاسخ گو به چه کسی؟

تمام صحبت‌هایی که دربارهٔ مسئولان کردیم یک سوال را پیش می‌آورد: مشایخ دقیقاً باید مواظب چه کسانی باشند؟ اگر مشایخ مانند شبانان هستند و باید مانند یعقوب جوابگو باشند، پس برای چه کسانی در مقابل خدا جوابگو هستند؟ مسلماً مشایخ کلیسا مسئول وضعیت روحانی هر مسیحی در هر جایی نیستند. پس مشایخ فقط باید مسئول مراقبت از افرادی که به کلیسایشان ارتباط دارند می‌باشند، یعنی کلیسایی که در آن خدمت می‌کنند. درست است؟

خوب، شاید بله، شاید خیر. آیا مشایخ متحمل مسئولیت روحانی کسی هستند که فقط یک بار به کلیسا آمده است؟ دوبار چطور؟ چه مدت و چقدر منظم باید یک شخص به جلسات پرستشی یکشنبه بیاید تا «رسماً» به عنوان عضوی که یکی از مشایخ او را سرپرستی می‌کند، حساب شود؟ اگر شخص مداوم به جلسات مطالعهٔ کتاب مقدس بیاید ولی نه به پرستش چه؟ و آیا فرقی می‌کند که فرد مراجعه کنندهٔ منظم، ایماندار باشد یا غیر ایماندار؟

به نظر می‌آید که شبانی کتاب مقدسی نیازمند راهی واضح برای تعریف گله است. مشایخ باید بتوانند بین مردمی که به عنوان شبان مسئول آنها هستند و مردمی که به عنوان مسیحیان همراه در ارتباط هستند، تمیز دهند. به عبارت دیگر، رهبریت کلیسا مستلزم عضویت کلیسا است.

رهبریت و عضویت

عضویت کلیسا دو کار مهم می‌کند: یک، مردم را به عنوان شاگردان عیسی مشخص می‌کند. عضویت کلیسا مردم را مسیحی نمی‌کند. ولی به صورت

به دنبال پراکنده شدن گان

ظاهری آنها را مسیحی علامت گذاری می کند. عیسی به کلیسا اختیار داده است که «ببندد» و «باز» کند (متی ۱۸: ۱۸)، گوسفند را از طریق تعمید به عنوان گوسفند عضو برچسب بزنند (۲۸: ۱۸-۲۰) و برچسب را با اخراج بردارد (۱۸: ۱۷-۱۵).

با مطالبه عضویت کلیسا، یک شخص خود را به کلیسا عرضه می کند و می گوید: «من یک شاگرد مسیح هستم» و کلیسا می گوید «بله ما باور داریم شما شاگرد مسیح هستی» (یا در مواقع نادر «نه، ما باور نداریم که تو شاگرد مسیح هستی»). در اخراج کلیسا می گوید: «تو ممکن است مسیحی واقعی باشی، ولی گناه توبه نکرده تو به ما دلیلی نمی دهد که تأکید کنیم که تو شاگرد مسیح هستی.»

دوم، عضویت کلیسا نه تنها مردم را به عنوان مسیحی مشخص می کند، همچنین گروهی از ایمانداران مشخص شده را به صورت یک جماعت جمع می کند، که خود را به یکدیگر متعهد می کنند. رسولان با موعظه انجیل شاگردسازی کردند و بعد آنها را تعمید داده و آن شاگردان را در جامعه محلی جمع کردند تا مسیحیان بتوانند دستورات عیسی را یاد بگیرند و اطاعت کنند. وقتی رسولان گروه های شاگردان را دور هم جمع کردند، مشایخ را برای رهبری و تعلیم هر کلیسا منصوب کردند.

همانطور که پولس به همکار خود تیتوس یادآوری می کند، «تو را برای این در جزیره کریت گذاشتم تا کارهای عقب افتاده را سر و سامان دهی و چنانکه شخصاً به تو دستور دادم، رهبرانی برای کلیساها در هر شهر بگماری (تیتوس ۱: ۵). آیا می توانید ببینید که چگونه عضویت کلیسا تمام طرح نظارت رهبران را ممکن می کند؟

با شناختن و علامت گذاری شاگردان عیسی، عضویت کلیسا شبان-شیخ را قادر می سازد که گوسفند را در حقیقت به عنوان گوسفند بشناسد، برای شناخت بهتر از کلیسا. و با جمع کردن شاگردان در یک جامعه، عضویت کلیسا به رهبر کمک می کند بداند کدام گوسفند مشخصاً زیر نظر او هست. او

مشایخ کلیسا

جوابگوی آنها در برابر خدا خواهد بود (عبرانیان ۱۳: ۱۷). آن به معنای این نیست که شیخ باید نسبت به حاضران غیر عضو جلسات پرستشی کلیسا بی تفاوت و بی احساس باشد، بلکه اینکه شیخ یک نوع تعهد و اختیار نسبت به عضو دارد که نسبت به غیر عضو ندارد.

عضویت در کلیسا به تمام کلیسا کمک می کند که به یاد بیاورند آنها مسئول یکدیگر هستند. مشایخ نقش رهبری در جستجوی گوسفند گمشده دارند، ولی آنها تنها نگهبانان نیستند. عضویت یعنی مسئولیت و توجه مشترک در تمام بدن. آیا کلیسای شما در رسیدن به رهبریت کتاب مقدسی جدی تر شده است یا می خواهد به طرف الگوی تک رهبری حرکت کند؟ مطمئن باشید که با عضویت کلیسا همزمان کار می کنید. عضویت کلیسای سنتی، زمینه را برای مشایخی مؤثر مهیا می کند.

پنج نوع گوسفند گمشده

فرض کنید شما شیخی هستید که این مطلب را درک می کنید. شما متوجه شده اید که خواندگی شما شامل مراقبت از اعضای خودسر است. همچنین فرض کنید کلیسای شما عضویت آگاهانه را اعمال می کند، در نتیجه شما در واقع می دانید باید مراقب چه کسانی باشید. حالا چه؟ چطور می توانید مراقبت را به پیش ببرید؟ شما مشخصاً باید مراقب چه چیزی باشید؟

این پنج راه معمول است که اعضای کلیسا پراکنده می شوند؟ همانطور که با مشارکت محلی خود در ارتباط هستید و می شنوید که عضوی در یکی از این موقعیت ها است، توجه کنید: آن خواهر یا برادر ممکن است هم اکنون گمشده باشد.

گوسفند گناهکار

بیایید با یک موقعیت آسان شروع کنیم - نه لزوماً آسان برای صحبت کردن، ولی آسان برای تشخیص دادن. اگر کشف کنید که یکی از اعضای

به دنبال پراکنده شدن گان

کلیسای شما به گناه آشکاری گرفتار است، آنگاه شما یک گوسفند گمشده و گناهکاری دارید که نیاز به مقابله دارد.

هر عضو کلیسایی با گناه در کشمکش است، همانطور که مشایخ نیز با آن کشمکش می کنند. یوحنا می نویسد: «اگر بگوییم بی گناه هستیم، خود را فریب می دهیم و از حقیقت دور هستیم (اول یوحنا ۸:۱). اما بعضی از گناهان عمومی تر و واضح تر از گناهان دیگر است، و در بعضی مواقع به نظر اعضا از کشمکش با گناه دست بر می دارند و نافرمانی را می پذیرند. پس وقتی گناهی که هم آشکار و هم توبه نشده است به نظر رهبر می رسد، او باید شجاعت خود را جمع کند، به خدا توکل کرده، با فروتنی همانطور که عیسی به ما تعلیم داده با عضو برخورد کند (متی ۱۵:۱۸-۱۷).

در بعضی مواقع این مداخله کار می کند. من خشنودم وقتی به یاد می آورم که عضوی گرفتار شده در گناه را به چالش کشیده ام و علی رغم ترس، خدا با فیض خود شخص را به توبه آورده است. لیکن همیشه به این صورت کار نمی کند. رهبر کلیسایی را می شناسم که خیلی مصمم بود با عضو گمراه و گریزان که در وقت ناهار ملاقات کند. پس به محل کار او رفت و ماشینش را مقابل دفتر کارش پارک کرد، با این امید که بالاخره با او روبرو شود. متأسفانه آن عضو از او اجتناب کرد و هرگز توبه نکرده برنگشت.

گوسفند سرگردان

گوسفند سرگردان آرام آرام بیرون کلیسا چرخیده با فعالیت ها و جذابیت های دیگر کنار کشیده می شوند. این گرایش ممکن است نتیجه برنامه سفری شلوغ، تصمیم غیرعقلانه درباره ورزش بچه ها که خانواده را از پرستش روز یکشنبه دور می کند^{۱۰}، یا خریدن خانه ای که نیاز به تعمیرات دارد و وقت

۱۰. بیشتر فعالیت های ورزشی دانش آموزان در آمریکا در آخر هفته برگزار می شود که برای بسیاری از خانواده های مسیحی چالش بزرگی می باشد.

آخر هفته را می گیرد. بعضی وقت ها اعضای جوانتر به کالج می روند، می لغزند و به کلیسا و به خداوند بر نمی گردند. در مواقع دیگر، مردم از احساس خارج از جمع بودن شکایت می کنند و آمدن به کلیسا را متوقف می کنند.

علیرغم تمام این شرایط، این اعضا به هشدار در عبرانیان اعتنا نمی کنند: «برای پیشی جستن در محبت و کارهای نیکو یکدیگر را تشویق کنیم. از جمع شدن با یکدیگر در مجالس کلیسایی غفلت نکنیم چنانکه بعضی ها به این عادت کرده اند. بلکه باید یکدیگر را تشویق نماییم، مخصوصاً در این زمان که روز خداوند نزدیک می شود» (عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵).

آنها فراموش کرده اند که عضویت در کلیسا به معنی ارتباط مرتب با بقیه اعضا برای ترویج «محبت و اعمال نیکو» است. شاید شخصی بحث کند که آن گوسفند سرگردان و پراکنده از جلسات پرسشی، آنقدر بد نیست اما در حقیقت، آن گوسفند با ناطاعتی از این دستور کتاب مقدس گناه می کند. مشایخ، به اعضای که زندگی خیلی شلوغ دارند توجه کنید و با محبت به آنها یادآوری کنید که از جمع شدن و پرستش با جماعت کلیسا اجتناب نکنند.

گوسفند لنگان

عیسی هرگز وعده مصونیت ما را از درد و رنج نداد. مسیحیان از کار اخراج می شوند، از رابطه دوستی هایشان قطع می شود. دیابت درجه ۲ در آنها تشخیص داده می شود، در اتوبان از عقب به ماشین آنها می زنند، به دادگاه کشیده می شوند. ایمان داران فعال پیر شده و در نهایت خانه نشین می شوند. این اعضای رنجیده، گوسفندان لنگان هستند که در خطر عقب ماندن می باشند چون نمی توانند با گله همپا باشند. آنها نیاز دارند که کمی آرامتر با آنها راه بروید. سختی شدید می تواند حتی استوارترین مقدسین را با ناامیدی تحت فشار قرار دهد و توانایی آنها را در برقراری ارتباط معمول با کلیسا ضعیف کند. اگر ایوب، مرد بی همتا در صبر و ایمان، اما محدودیت خودش را داشت، مردم شما هم چنین هستند.

به دنبال پراکنده شدنشان

وقتی می‌دانید که اعضایتان طوفان شدیدی در زندگیشان دارند، وقت آن رسیده که آگاه باشید. آیا آن خواهر یا برادر از طرف اعضای دیگر حمایت می‌شوند، یا از طرف دوستان و اعضای گروه مطالعه کتاب مقدس؟ آیا نیازهای انجام پذیری است که مشایخ می‌توانند به آنها رسیدگی کنند؟ آیا خبر طوفان‌های یک عضو به جریان دعای کلیسا راه پیدا کرده است؟ به عنوان یکی از مشایخ، بهترین خدمتی که می‌توانیم به عضو مشکل‌دار بکنیم هشیار کردن و به حرکت درآوردن کلیسا حتی با شروع به دعا کردن و مشاوره دادن خود ما. شگفت‌انگیز است که چطور گوسفندان لنگان حتی با کوچکترین نشانه‌هایی از توجه به آنان خوشحال می‌شود. به آغوش کشیدن در سالن کلیسا بعد از پرستش، یک یادداشت تشویق آمیز یا یک ملاقات به عضو دردمند روحیه می‌دهد تا برای یک ماه دیگر مقاومت کند. همین هفته گذشته، من از یکی از خانم‌های کلیسا درباره همسرش پرسیدم، او یک مشکل سلامتی بزرگ دارد که بعضی مواقع مانع آمدن او به پرستش می‌شود. این خواهر آخرین احوال او را به من گفت، آنوقت از شیخی که وقت گذاشته و آنها را ملاقات کرده بود تعریف کرد. آن یک سرزدن ساده به منزلشان، ایمان آنها را تقویت کرده و به آنها قوت ادامه داده بود. هر ذره کوچک حساب است. وقتی خدا عضو زخمی را به توجه شما می‌آورد، رسیدگی کنید.

گوسفند ستیزه‌گر

ممکن است باور این مسئله برای شما سخت باشد، اما من یاد گرفتم کلیساهایی هستند که اعضا درگیر کشمکش و مخالفت با یکدیگر هستند. مطمئناً این هرگز در کلیسای من اتفاق نیفتاد، و من مطمئن هستم اعضا هرگز در کلیسای شما دعوا نمی‌کند. اگر کلیسای شما مانند کلیسای من است، تمام اعضا نظر مشابهی درباره سیاست، موسیقی پرستشی، تمام اقدامات کمیته برای حل مشکل و امور مالی دارند، هیچ کسی در برابر دیگری گناه نمی‌کند. آیا می‌توانید ارتباط بدهید؟ من هم نمی‌توانم، در حقیقت، با تنوع شخصیت‌ها و

پس زمینه بین اعضای ما، در کنار خواست باطنی مداوم ما برای گناه کردن، من تعجب می‌کنم که چقدر هماهنگی کلیسایی داریم. این باید کار روح القدس باشد.

وقتی اعضا شاخ به شاخ می‌شوند، همانطور که ناگزیر اتفاق می‌افتد، خطر مهم پراکندگی است. مردم به سرعت شروع به ناپدید شدن می‌کنند. «کلیساً نباید اینطور باشد». آنها می‌گویند «من به خاطر این تنش‌ها که احساس می‌کنم نمی‌توانم پرستش کنم، من از اینجا می‌روم». اعضای مبارز طلب باید به چالش کشیده شوند که به خاطر جلال خدا و انجیل صلح کنند، ولی به احتمال زیاد آنها برای انجام این کار نیاز به کمک دارند حتی بالغ‌ترین شاگردان نیز ممکن است نیازمند داور باشند. پولس دعوا بین دو همکارش را بیان می‌کند: «از افودیه و سینتیخی خواهران خود در خداوند استدعا دارم با همدیگر صلح و سازش کنند» (فیلیپیان ۲:۴). بعد او از کلیسا درخواست کمک کرد. «و از تو ای همکار صمیمی، تقاضا می‌کنم که این دو زن را کمک کنی، زیرا نام آنها با «کلیمانتوس» و سایر همکاران من که در انتشار انجیل تلاش کرده‌اند، در دفتر حیات ثبت شده است» (آیه ۳).

مشایخ، چشمان خود را به نزاع بین اعضا به امید اینکه خود به خود حل شود نبندید. خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد. ممکن است وسوسه شوید که از آن‌گریز کنید یا بی‌توجهی کنید، چون شما یک انسان معمولی هستید که از آرام کردن دعوا لذت نمی‌برید. ولی کلمات عیسی را به یاد بیاورید: «خوشا بحال صلح کنندگان زیرا ایشان فرزندان خدا خواهند شد» (متی ۵:۹). آن برکات را محکم بگیرید. اعضا نزاع‌کننده را دعوت کنید که با شما صحبت کنند و ببینید خدا ممکن است چه کاری بکند. به خاطر داشته باشید. هدف رهبران کلیسا به بلوغ رساندن گوسفندان است (فصل ۲ را ببینید) مخالفت‌ها فرصت‌های باور نکردنی برای رشد مردم در مسیح مهیا می‌کند.

گوسفند گاز گیر

اما اگر دعوی اعضا با شما شبان- مشایخ باشد. چه؟ اگر وقتی به گوسفند نزدیک می شوید شما را گاز بگیرد چه؟ چطور می توانید مواظب کسی باشد که شما را دلیل سرپیچی خود می دانند؟

جواب این سؤال می تواند خیلی دراماتیک به شرایط و افراد خاص درگیر وابسته باشد. با اینحال، علیرغم نوع آن در اینجا سه چیز که یک رهبر کلیسا باید همیشه در زمان رسیدگی، انجام دهد آمده است:

• از چند شیخ دیگر بخواهید به شما در کار کردن با عضو ناامید کمک کند. همانطور که در فصل ۶ خواهیم دید، این یکی از دلایلی است که خدا حکم کرده است که بیش از یک شیخ در هر کلیسا باشد شیوه ای که ما آن را «هیئت مشایخ، هیئت رهبران» می خوانیم. مشایخ مواظب یکدیگر هستند. چون خود شبان ها هنوز گوسفند هستند. خود را با فروتنی تسلیم نظارت مهربانانه دیگر مشایخ کنید. اگر عضوی از خط خارج شده است، اجازه بدهید مشایخ دیگر از موقعیت شما دفاع کند.

• قلب خود را در برابر حالت دفاعی، عصبانیت و تحقیر آمیز محافظت کنید و وقتی به مشایخ دیگر کمک می کنید، از آن به عنوان بهانه ای برای حمایت خود استفاده نکنید بلکه برای برقراری محبت و همدلی با تحقیر کننده خود کار کنید.

• وقتی با خواهر و یا برادر ناراضی ملاقات می کنید، به دقت گوش کنید. در طی سال ها فهمیده ام که حتی عصبانی ترین و بی رحم ترین انتقادهای داشته اند. ممکن است نکته غلو شده به صورت نابالغ و گناه آلود باشد. اما آنها معمولاً هنوز عکس العمل به چیزی است که نیاز به مواجهه شدن دارد.

مراقب بودن: خواندگی به خدمت به شکل گرفته از انجیل

دنبال کردن عضو گمشده در این موقعیت‌ها احتمالاً یکی از سخت‌ترین، کم‌جاذبه‌ترین قسمت رهبر بودن است.

وقتی کلاسی را درس می‌دهید از طرف کلیسا مورد احترام و تجلیل قرار می‌گیرید. هنگام دعا برای یک عضو احساس رضایت عمیقی می‌کنید و وقتی عضو هیئت مشایخی هستید که تصمیم رهبری تاریخی می‌گیرند، به وجد می‌آیید. اما فواید شخصی مقابله با زناکار و یا مداخله در یک مشاجره قدیمی چیست؟ و چه کسی واقعاً می‌خواهد بنشیند و به زوج عصبانی که جزئیات راهپایی که آنها فکر می‌کنند شما و کلیسا در حق آنها اشتباه کرده‌اید، گوش دهد. آیا همه ما بیش از اندازه مشکل در زندگی خود نداریم؟ چرا در باتلاق کسی دیگر بیفتیم.

این یک دلیل است: مشایخ تجسم کامل انجیل در جستجوی گوسفند گمشده هستند. مراقبت و جستجوی گوسفند گمشده، عملی هم‌مشکل مسیح است.

شبان نیکو به این دنیا آمده که گمشده را بجوید و نجات دهد. بره خدا آمد تا برای توبه نکرده و گوسفند گناهکاری مانند ما بمیرد. پزشک اعظم آمد تا گوسفند لنگان و بیمار و شکسته با گناه را تیمار کند. پادشاه صلح وارد دنیایی از هم گسیخته به خاطر جنگ، قدرت طلبی و اختلافات بشمار شد. و وقتی ما به او توهین کردیم، کتک زدیم و می‌خکوبش کردیم، او دهان خود را باز نکرد. عیسی مجبور نبود بیاید، اما او آمد و وقتی مشایخ پیشقدم می‌شوند تا خود را وارد مشکلات کنند، با اینکه برای آنها هزینه دارد نمایشگر همان انجیلی هستند که تعلیم می‌دهند.

فصل ۵

رهبری به دور از سروری

اوضاع داشت بدتر می‌شد. شبان ارشد و شبان دستیار نقطه نظر یکسانی راجع به چند موضوع بحرانی، شامل الهیات و بهترین روش خدمت کلیسایی نداشتند. تفاوت آنها از طریق موعظه‌هایشان به جماعت کلیسا مشخص بود. کشمکش در حال رشد شروع به ایجاد شکاف در کلیسا شد.

بعد از اینکه شبان دستیار موضوع را برای من باز کرد. پرسیدم، «آیا کلیسای شما هیئت مشایخ ندارد؟» او تأیید کرد که دارد. ادامه دادم، «پس آنها چه قدمهایی برای حل اختلاف برداشته‌اند؟»

این قسمت ناامید کننده است. او به من گفت: «آنها نمی‌دانند چکار بکنند، آنها پیامهای متفاوتی می‌فرستند. بعضی وقت‌ها می‌گویند من باید در کار بمانم، ولی بعضی مواقع به نظر می‌آید آنها فکر می‌کنند تفاوت من و رئیسم خیلی زیاد است.»

من تمام کسانی که در این موقعیت هستند را درک می‌کنم. قلب من برای دو شبان که هر دو خدا را دوست دارند ولی نظرهای مختلفی درباره خدمت دارند، به درد می‌آید و من با مشایخ همدردی می‌کنم. آنها احتمالاً مردان خوبی هستند که می‌خواهند به کلیسا خدمت کنند، ولی خود را گرفتار پیچیدگی مناقشات بالقوه انفجاری در بین دو شبان دیده‌اند. عجیب نیست که آنها به نظر فلج شده‌اند. آیا این گونه مشکلات بالاتر از وظایف آنها نیست.

به نظر غیر ضروری می‌رسد که یک فصل کتاب رهبریت را به رهبری اختصاص داد. آیا واضح نیست که مشایخ باید کلیسا را رهبری کنند؟ احتمالاً، ولی بعضی مواقع که اوضاع به هم می‌ریزد، فراموش می‌کنیم.

مشایخ به راحتی می‌توانند احساس ناشایستگی برای رهبری کلیسا بکنند، بخصوص در مواقع پرتنش. آنها شروع به فکر می‌کنند: «من مدرک دانشگاه الهیات را ندارم. من برای مدیریت کلیسا آموزش ندیده‌ام، با مشغله خانواده، و کار تمام وقت توانایی گلاویز شدن با این مشکل را ندارم.» صادقانه بگویم، من خود را چیزی بیشتر از عضو بالا برده شده کمیته کلیسا احساس نمی‌کنم. یک رهبر پاره وقت کیست که برنامه بلند مدت خدمت بشارتی خارج از کشور را تصویب کند، کلیسا را در گسترش تسهیلات راهنمایی کند، یا اتهامات نامناسب علیه اعضا و کارکنان را سروسامان دهد؟

اعضای کلیسا هم ممکن است تعجب کنند. بعضی وقت‌ها عضوی آنقدر با رهبری شیخ پاره وقت همراه می‌شود که مشایخ کلیسا را در مسیری که آن عضو دوست دارد، هدایت می‌کند. اما وقتی مشایخ مسیر اشتباهی را برمی‌دارند، عضو جا می‌زند. «او فکر می‌کند کیست؟» عضو شکایت می‌کند. «من ده سال در جلسه مطالعه کتاب مقدس با او بوده‌ام. او بهتر از من نیست. حالا یکدفعه دستور می‌دهد؟» ما حتی می‌توانیم چند قدم عقب‌تر برویم و حقانیت شیخ را در زمینه گسترده‌تر فرهنگ امروزمان مورد سؤال قرار دهیم. اینجا در غرب، مردم رهبران را با شک نگاه می‌کنند. ما دوست داریم مسئولان را زیر سؤال ببریم، تئوریهای توطئه بسازیم و سوت بزنیم. هر چقدر رهبران بزرگتر باشند، سخت‌تر می‌افتند و دنیا بلندتر شادی می‌کند. با تغییر دادن مسئولان از مؤسسات خارجی به مؤسسات داخلی، هر شخص پادشاه خود است. با این جو حاکم، شیخ کیست، کلیسا را فراموش کن، که به کسی بگوید چطور زندگی کنید و به چه باور داشته باشید؟ آیا واقعاً مشایخ اختیار دارند در کلیسا رهبری کنند؟

اقتدار برای رهبری

بایاید با مرور سه اسم قابل تعویض برای این نقش که در عهد جدید داده شده است شروع کنیم. با اینکه این سه عنوان مفهوم تقریباً تفاوت دارند، همه آنها ایده اختیار و رهبری را دارند.

- شیخ\ رهبر\ پیر: این واژه دلالت بر حکمت و تجربه دارد. شما برای مشاوره راهنمایی پیش رهبر می‌روید. مشایخ اختیار اخلاقی دارند. وقتی آنها صحبت می‌کنند، مردم به آنچه که می‌شنوند عمل می‌کنند.
- شبان (کشیش): شبانان مسئول گله هستند. آنها گوسفندان را از جایی به جای دیگر هدایت می‌کنند. آیا می‌توانید شبانی را تصور کنید که برایش مهم نباشد گوسفندان به کدام طرف سرگردان شده‌اند؟
- سرپرستان، ناظران (اسقف): این واژه کسی را شرح می‌دهد که مواظب چیزها یا مردم است. همچنین، بازهم چند متن را که با هم مطالعه کردیم را در نظر بگیرید.

همانطور که این آیات را دوباره می‌خوانید، توجه کنید که در هر یکی از آنها نویسنده فرض می‌کند که سرپرستان کلیسا دارای قدرت برای رهبری کلیسا هستند و اعضای کلیسا مسئولیت احترام و تسلیم شدن به آن قدرت را دارند.

زیرا اگر کسی نداند چگونه خانواده خویش را اداره کند، چگونه می‌تواند کلیسا خدا را مراقبت کند. (اول تیموتائوس ۳: ۵)

مشایخی که نیکو رهبری کرده باشند، شایسته حرمتی دو چندانند، بخصوص آنان که در کار موعظه و تعلیم زحمت می‌کشند. (اول تیموتائوس ۵: ۱۷)

حال ای برادران، تقاضا می‌کنیم آنان را که در میان شما زحمت می‌کشند و از جانب خداوند رهبران شما بوده، پندتان می‌دهد، گرمی بدارید. و با محبت، کمال احترام را به سبب کاری که انجام می‌دهند، برایشان قائل باشید و با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنید. (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳)

از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید، زیرا ایشان بر جانهای شما دیدبانی می‌کنند و باید حساب بدهند. (عبرانیان ۱۳: ۱۷)

مشایخ اعضا را مدیریت، رهبری و مراقبت می‌کنند. اعضا با شناختن، توجه زیاد و اطاعت از آنها پاسخ می‌دهند. کلیساهای از لحاظ چگونگی سازماندهی خود با هم فرق دارند. کلیساهایی که به صورت «جماعت سالاری» مانند کلیسای ما اداره می‌شوند، ساختار مشابه با کلیساهای مشایخی (پرزبترین) ندارند. هیچ کدام از ما روش اسقفی با اسقف و اسقف اعظم مانند دوستان انگلیکن را نمی‌پذیریم. اما همه کلیساهای باید حداقل در یک چیز که براساس تعالیم کتاب مقدس است موافق باشند: خداوند به صراحت مقداری اختیار به مشایخ داده است تا امور جماعت‌های محلی را هدایت کنند.

استراحت در میان اسباب‌ها

اگر شما رهبر هستید، برای رهبری کلیسا قدم بگذارید. لازم نیست تمام جواب‌ها را داشته باشید، و قطعاً همه چیز را درست انجام نخواهید داد. اما عیسی شما را مأمور هدایت گله کرده است. کلیسا نیاز دارد که شما پیش قدم شوید و یک دوره را به جلو ببرید. ممکن است وسوسه شوید که مانند شائول پادشاه عمل کنید. خدا شائول را انتخاب کرد، پس سموئیل او را به عنوان پادشاه تدهین کرد.

وقتی زمان آمدن در حضور ملت شد، شائول در میان اسباب‌ها پنهان شد. باید جای خوبی برای پنهان شدن باشد، چون مردم مجبور شدند از خدا بپرسند که او کجاست: «بنابراین دیگر بار از خدا سؤال کردند که: آیا آن مرد تاکنون بدینجا رسیده است؟». خداوند گفت «اینک خود را میان اسباب‌ها پنهان کرده است» (اول سموئیل ۱۰: ۲۲). برادر شیخ کلیسا، وقتی کلیسا به رهبری نیاز دارد، پنهان نشوید. وقت آن رسیده است که از کیسه وسایل بیرون بیایید. از قسمت بار بیرون بیایید و وارد کابین خلبان شوید. جماعت کلیسای من بارها و بارها از مشایخ پاره وقت شجاع که رهبری لازم را در لحظات کلیدی انجام داده است، برکت گرفته‌اند. من به «جان» فکر می‌کنم، که به طور ماهرانه ما را در بازبینی قوانین، چند سال بعد از انشعاب دردآور کلیسا هدایت کرد. قوانین بازنویسی شده او رأی به اتفاق آرای کلیسا را آورد. من با «تیم» در چند جلسه پر تنش نشستیم و او را تماشا کردم که با آرامش و صبورانه دعوی بین اعضا و حتی کارکنان کلیسا را آرام کرد. من «مت» را به یاد می‌آورم که اتحاد را در کلیسا با توضیح واضح و خوش رو، نیاز ما برای گسترش ساختمان کلیسا حفظ کرد. من از «ریک» و «کلی» خیلی خوشنودم که ما را در مسیر پیچیده جستجوی شبان، هدایت کردند. ما شبان دستیار عالی پیدا کردیم. جماعت کلیسا احتمالاً تلاش سخت «اریک» را برای شبانی کردن مشایخ دیگر تشخیص ندادند.

حتی حالا که می‌نویسم، خدا را برای «بیل» شکر می‌کنم. او هم اکنون کارهای تمام وقتی دارد و از وقت اضافی خود و تجربه‌اش در اداره و مدیریت به من در شبانی کارمندان کلیسا کمک می‌کند. همینطور همزمان من را در رهبری مربی‌گری می‌کند. سود اضافه! من می‌توانم بقیه این فصل را با اسامی و داستانهایی از تالار مشاهیر مشایخ خود پر کنم. این یک امتیاز است که با مردانی همکار باشی که گله را آنقدر دوست دارند که تصمیمات سخت بگیرند، قوانینی به شکل کتاب مقدس تأسیس کنند، برای اتحاد کلیسا خون دل بخورند، در عقب‌نشینی‌ها استقامت کنند، ساعت‌ها برای ملاقات‌ها، مکالمه‌ها و دعاها قربانی کنند. اختیار به کار برده شده مردان روحانی و زندگی با محبت،

اتحاد و وفاداری را به کلیسا می آورد. کلیسا از احترام گذاشتن به رهبران خود سود می برند (عبرانیان ۱۳: ۱۷).

قدرت طلبی

شاید شما هنوز قانع نشده اید.

آیا تمام این صحبت ها دربارهٔ اختیارات مشایخ شما را عصبی می کند؟ حتی با وجود شواهد از متن کتاب مقدس، هنوز تردید دارید؟ شاید در تجربه شما، مشکل با مشایخ این نیست که آنها شبیه شائول نیستند وقتی او خود را به شکل جعبه لوازم جا زد تا از تاج و تخت شانه خالی کند. مشکل این است که آنها اغلب بعداً در کار شبیه شائول می شوند، وقتی او نیزه را به سوی داوود پرتاب کرد به خاطر ترس و حسادت که آن پسر از بیت الحم تاج او را غصب خواهد کرد (اول سموئیل ۱۸: ۹-۱۱). شاید شما احساس می کنید که تهدید اصلی کم رویی شیخ نیست بلکه، خود کامی شیخ است.

من مرد جوان مسیحی را می شناسم که می خواست کلیسای محلی را خدمت کند. آن کلیسا یک جماعت کوچکی بود که می توانست از عطایای او بهره برد. اما این ایماندار جوان با یکی از مشایخ کلیسا سرش به سنگ خورد. این شیخ در یافتن این کلیسا به او کمک کرد و کلام او اقتدار داشت. علاوه بر این، بعضی وقت ها او از اقتدار خود به صورت مستقیم استفاده می کرد. او یکی از «روسای» کلیسا بود، و از اینکه اجازه بدهد شما متوجه این موضوع شوید، ترسی نداشت. متأسفانه، این شیخ از چیزهایی که این مرد جوان می خواست به کلیسا عرضه کند و یا تغییراتی که می خواست بدهد خوشش نیامد. در حقیقت، آن شیخ عموماً طرفدار تغییر نبود. وقتی همه چیز آرام شد، جوان به آرامی از کلیسا خارج شد، زخمی و ناامید. فقط یک یا دو برخورد با مشایخ کنترل کننده و مهم می خواهد که یک فرد را مشکوک به عنوانهایی مانند «اقتدارهای شبانی» و «مراقبت های روحانی» کند. هر چه باشد، آیا آن واژه ها نیستند که رهبران فرقه ها برای نگه داشتن مردم به اطراف پرتاب می کنند.

رهبری بدون سروری

عیسی و رسولان نیز نگرانی شما را داشتند. آنها نه تنها به مشایخ اختیار رهبری دادند، بلکه آنها همچنین اساساً رهبری را با فروتنی و خدمت فداکارانه پیروان بازگو کردند.

پطرس مسئولیت شبانی و نظارت را به مشایخ تأکید کرد (اول پطرس ۵: ۲). اما در همان لحظه، او به مشایخ می‌گوید که با فروتنی و نمونه بودن رهبری کنند. «نه آنانکه بر کسانی که به دست شما سپرده شده‌اند سروری کنید. بلکه برای گله نمونه باشید» (آیه ۳).

پطرس ممکن است تعالیم عیسی به او و شاگردانش درباره اقتدار و بزرگی حقیقی در ملکوت خدا را به آنها یادآوری کنند:

«شما می‌دانید که در این دنیا حکمرانان بر زیر دستان خود آقایایی می‌کنند و رهبرانشان به آنان زور می‌گویند. اما در میان شما نباید چنین باشد، بلکه هر که می‌خواهد در بین شما بزرگ باشد، باید خادم همه گردد. و هر که بخواهد بالاتر از همه شود باید غلام همه باشد. پسر انسان نیامد تا خدمت شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا بسازد». (متی ۲۰: ۲۵-۲۸)

وقتی شبان نیکو زندگی خود را برای گوسفندان داد، او نه تنها آنها را از گناهانشان آزاد کرد، بلکه بزرگی و اقتدار را برای گله نجات داده شده دوباره تعریف کرد. در شام آخر، عیسی شاگردان خود را با شستن پاهایشان حیرت زده کرد. بعد او کار تکان دهنده خود را اینطور توضیح داد:

«پس اگر من که استاد و خداوند شما هستم پاهای شما را شسته‌ام، شما هم باید پاهای یکدیگر را بشوید. به شما نمونه‌ای دادم تا همانطور که من با شما رفتار کردم شما رفتار کنید. یقین بدانید که هیچ غلامی از

ارباب خود و هیچ قاضی از فرستنده خویش بزرگتر نیست. (یوحنا ۱۳):

(۱۴-۱۶)

آن شب، عیسی لباسهایش را درآورد و خاک پاها را شاکردنش را با دستهای خود شست. روز بعد، او دوباره لباسهایش را درآورد و همان دستها به صلیب میخکوب شد تا گناه را از روح شاکردنش بشوید. کسانی که بخشیده شده بودند در پای صلیب به رهبری و بزرگی به طور برعکس نگاه کردند که دنیا را منزجر می کند.

ساختار رهبریت خدمتگذار

چطور مشایخ می توانند حالت فروتن، پاشور و حوله پوش را حفظ کنند و به حالت متکبر و مستبد تاج پوش نیافتند؟ آیا مشایخ واقعاً می توانند رهبری کنند بدون آقایی و اعمال قدرت کنند بدون استبداد؟ شما هیچ وقت نمی توانید به طور کامل خطر رهبری بیش از حد را از بین ببرید. غرور به طور مداوم قلبهای ما را فرا می گیرد، و در نهایت وظیفه هر شیخ است که هر روز خودخواهی خود را با قدرت روح القدس مصلوب کند. اما کلیساها هم می توانند کارهایی را برای پرورش فرهنگی حکومت فروتنانه، انجام بدهند. رهبران و مردم می توانند زندگی خود را با یکدیگر چنان ترکیب کنند که رهبری خدمتی به نظر طبیعی برسد و حکومت سلطه جویانه غیرقابل قبول به نظر بیایند.

این شش عادت مشترک که می تواند به مشایخ و کلیسا کمک کند که یکدیگر را همانطور که عیسی ما را خدمت کرد، خدمت کنند را در نظر بگیرند:

مشایخ فروتن را انتخاب کنید

«ملائیم نه جنگجو» (اول تیموتائوس ۳:۳) و «نه خودخواه و نه تندخو» (تیطس ۱: ۷) من شنیدم که شبانی می گفت که مهمترین خصوصیت یک رهبر

کلیسا فروتنی است. او ادامه داد که دوّمین خصوصیت مهم: فروتنی و سومین احتمالاً می‌توانید حدس بزنید. وقتی مشایخ را انتخاب می‌کنید، دنبال مردمی بگردید که سابقه کار در کلیسا یا دستان مهربان دارند. مردان با قلب خادم که به عنوان شیخ منصوب شوند به احتمال زیاد همچنان مانند خادم عمل خواهند کرد. حتی اگر آنها کمی مغرور شوند، هنگام مواجه شدن به خوبی پاسخ خواهند داد. مردانی را پیدا کنید که بتوانند در جلسات مشایخ فکر خود را بگویند و با شادی تسلیم خواست تیم شوند حتی وقتی نظر آنها رأی نیاورد. مشایخ فروتن می‌توانند تسلیم همدیگر شوند. اما اگر مردی خودش را مهم بداند و متکبر، سرسخت و قدرت طلب باشد، اشتباه نکنید و ردای شبانی را به دست او ندهید، علی‌رغم تمام استعدادها تجربه‌ها و منابعی که ممکن است به کار آورد: «در دستگذاری کسی برای خدمت خداوند عجله نکن و در گناهان دیگران شریک نباش، خود را پاک نگه دار» (اول تیموتائوس ۵: ۲۲).

به شماسان اختیار دهید

مشایخ تنها متعدیان کلیسا نیستند: رسولان شماسان را نیز منصوب کردند. با در نظر گرفتن خطر بسیار ساده کردن شرح وظایف آنها، شماسان اتحاد کلیسا را با توجه کردن به نیازها منطقی، اجرایی و فیزیکی قوت می‌بخشد. خیلی‌ها «هفت نفر» را در کلیسای اولیه نمونه اولیه شماس می‌دانند. مأموریت آنها نظارت بر تقسیم خوراک در بین بیوه‌های کلیسا بود تا جماعت کلیسا از هماهنگی لذت ببرند و رسولان برای دعا و موعظه آزاد باشند (اعمال ۶: ۱-۷). ایجاد یک شماس سالم و قدرتمند، اختیار و مالکیت را در جماعت کلیسا گسترش می‌دهد و بنابراین یک ساختار محافظتی بر علیه تنگنای مشایخ در مسائل مهم ایجاد می‌کند. مشایخ هنوز امور کلیسا را اداره می‌کنند و بالاخره مقداری از مسئولیت همه چیز را تحمل می‌کند. اما آنها می‌توانند چند وظیفه را به شماسان بسپارند و خود را آزاد کنند. وقتی مشایخ کارهایی مانند مهمان‌نوازی کلیسا، مهد، امکانات، حسابداری، اعلانات و تکنولوژی را به

مشایخ کلیسا

شماسان شایسته می‌سپارد، آنها اعتماد فروتنانه‌ای را بین جماعت کلیسا برقرار می‌کنند. شماسان، به نوبت خود، بار مشایخ را کم می‌کنند تا آنها بتوانند تعلیم دهند، دعا و شبانی کنند. دقیقاً همانطور که آن «هفت نفر» در اعمال ۶ برای رسولان کردند.

پاسخگو باشید

آیا کلیسای شما جریان خاصی را برای رودررو شدن با شیخی که در گناه افتاده است دارد؟ پولس به تیموتائوس گفت که به مشایخ توجه بالا بکند (اول تیموتائوس ۵: ۱۷-۱۸). اما در آیه بعدی او دستور می‌دهد، مشایخی را که گناهکار شناخته می‌شوند را به طور عمومی اعلام کند: «هیچ ادعایی علیه یکی از رهبران نپذیر، مگر آنکه به وسیله دو یا سه شاهد تأیید شود. آنانی را که در گناه پافشاری می‌کنند، در حضور همه توبیخ کن تا دیگران عبرت گیرند (اول تیموتائوس ۵: ۱۹-۲۰). شما ای مشایخ، اگر متوجه شدید که سرپرست همکار شما در نافرمانی از خدا قدم برمی‌دارد، و نمی‌خواهد توبه کند، چشمان خود را فقط بخاطر اینکه رهبر کلیساست نبندید. همانطور که پولس ادامه می‌دهد: «در حضور خدا و عیسی و فرشتگان برگزیده تو را موظف می‌سازم که دستورهای فوق بدون غرض نگاه داشته و هیچ کاری را از روی تبعیض انجام ندهی» (آیه ۲۱).

به کلام احترام بگذارید

یک شیخ می‌تواند رهبری کند بدون آقایی کردن با نگه داشتن کلام خدا و مرکز قراردادن انجیل در کلیسا. یک شیخ باید خود را به طور مداوم در همه تعالیمش، پرستش و خدمتش تحت کلام قرار دهد. این به هر دوی آنها و جماعت کلیسا یادآوری می‌کند که اختیارات او مشروط است، و تنها کتاب مقدس اختیار تام در زندگی کلیسا را دارد. جماعت کلیسا باید مردانی را

برای شیخ شدن انتخاب کنند که خود کتاب مقدس را در بالاترین ارزش قرار بدهند نه لزوماً برداشت خود را از کتاب مقدس.

بالاخره، مشایخ عهده دار اختیارات کلیسای عیسی هستند فقط تا جایی که آنها تعلیم دهنده، اطاعت و تأکید کننده کلام مسیح هستند. همانطور که شبان قرن ۱۹ ویلیام جانسون گفت، مشایخ مجریان هستند نه قانونگذاران.

کار آنها صرفاً اعلام و انجام دادن تعالیم کتاب مقدسی در زندگی کلیسا است. وقتی مشایخ کتاب مقدس را برمی افرازند، آنها همزمان خود را فروتن می کنند. با انجام این کار، آنها خود را مانند مردانی نشان می دهند که ایمانداران واقعی می خواهند از آنها پیروی کنند.

خود را تکثیر کنید

در فصل سوم دیدیم که مشایخ خدمت تعلیم کلیسا را با شاگردسازی جانشینان ادامه می دهند. چه کسانی نسل جدید معلمین و مشایخ را تشکیل خواهند داد. علاوه بر ادامه دادن رهبری کلیسا، تمرکز بر شاگردسازی به مشایخ کمک می کند تا فروتن بمانند. خیلی سخت است که قدرت کسب نمایید وقتی به طور همزمان آن را برای دیگران آزاد می کنیم.

به جماعت کلیسا اعتماد کنید

من در گفتن این نکته تردید داشتم چون همه کسانی که این کتاب را می خوانند مانند من کلیسای «جماعت سالاری»^{۱۱} نیستند. همچنین این کتاب درباره کلیساهای «جماعت سالاری» بحث نمی کند. اما آیا می توانم فروتنانه اظهار کنم که دادن اختیار نهایی در بعضی مناطق به همه جماعت کلیسا (کاری که حتی کلیساهای مشایخی\پرزبیتی انجام می دهند) بهترین ساختار حفاظتی

۱۱. congregationalism اشاره به کلیساهایی می باشد که در امورات کلیسایی فرد و یا افراد خاصی تنها تصمیم گیرنده نیستند، بلکه اعضا چنین می کنند.

مشایخ کلیسا

بر علیه خود کامگی مشایخ را دارد؟ مجبور بودن به آوردن تصمیمات مهم در حضور کلیسا برای تصویب، مشایخ را مجبور می کند که قدرت را رها کنند و فروتنانه به خدا و کلیسا اعتماد کنند. زمانهایی بوده که آرزو داشتم که می توانستم تصمیم مهمی را فرمان بدهم. فرآیند نظام «جماعت سالاری» کندتر است و بعضی وقت ها منجر به نتیجه ای که من می خواهم نمی شود. اما در طول سالها، من قدر دان این روش جماعتی بودم. وقتی این روش خوب انجام شود، اتحاد و اعتماد را بین مشایخ و اعضا بنا می کند. باور این که اختیار نهایی بعضی تصمیم ها با کلیسا است مشایخ را مجبور می کند که در تعلیم و ارتباط با مردم سختتر کار کنند، و با دعا به خدا بیشتر اعتماد کنند.

شبانان گوسفند

عیسی مشایخ را به عنوان شبانان زیر نظر خود برای گوسفندان گماشت. مشایخ باید این تکلیف را در قلب خود بپذیرند و با دلیری کلیسای خود را حفاظت کنند. ناظران ضعیف و بی تفاوت فقط باعث می شوند که مشکلات کلیسا از بد به بدترین نزول کند. من از تمام همکاران شیخ استدعا می کنم: به خاطر کلیسا، به خاطر انجیل و به خاطر جلال خدا. جماعت کلیسا را رهبری کنید! اما در میان تمام این صحبت ها درباره شبانی، این حقیقت تکمیل کننده را به یاد داشته باشید: شما خودتان هنوز گوسفند هستید. این یک تناقض است که هر شیخی با آن روبرو است. او به صورت همزمان شبان و گوسفند است، رهبر پیروان عیسی و پیرو عیسی، سرپرست بدن محلی در حالی که قسمت وابسته بدن است. یک شیخ، مرد گناهکاری است که با فیض نجات یافته و پشیمانی شده با پیروی از شبان نیکو، عیسی مسیح. ناگهان عیسی رو به او می کند، ردای شبانی را به دستهای او می سپارد، و می گوید: «بره های من را خوراک بده» (یوحنا ۲۱: ۱۵).

چگونه تنش ذاتی خود را به عنوان گوسفند تبدیل شده به شبان حل می کنید؟ شما کاری نمی کنید. شما آن را می پذیرید. شما به خواندگی برای

شبان‌ی جواب می‌دهید هم زمان وابستگی کامل خود را به خداوند اعلام می‌کنید. شما می‌گویید: «بیا از این راه برویم». در زمانی که به بقیه اعضای گروه برای گفتن «خداوند، ما را هدایت کن» ملحق می‌شوید. شما چشمان خود را به عیسی متمرکز می‌کنید، با فیض، بدون سروری و آقایی رهبری می‌کنید.

فصل ۶

شبانى با هم

من خوشحالم که شما هنوز این کتاب را می‌خوانید. راستش را بخواهید. نگران بودم تا به حال دلسرد شده باشید. نه اینکه کتاب طولانی است یا برای خواندن سخت است. بلکه، من نگران بودم که شما ممکن است همهٔ مواردی که کتاب مقدس برای رهبران می‌خواهد را دیده‌اید، ناامید شده و کتاب را کنار گذاشته‌اید. فصل آغازی شایسته‌گی‌های یک شیخ به‌اندازه کافی بد بود. رسولان استاندارد بالایی برای مشایخ تعیین کرده‌اند: اخلاق شبیه مسیح - خانه خوب مدیریت شده - توانایی تعلیم و دفاع از حقایق کتاب مقدس. «بدون نقص» چه؟ هر کس که با ضعف‌ها و خطاهایش در تماس است این شرح حال را اغراق آمیز می‌یابد، خلاصه بگویم. وقتی آن فصل را می‌نوشتم، نمی‌توانستم نیندیشم، «آیا من شایستگی آن را دارم که شیخ باشم؟ نوشتن یک فصل دربارهٔ شایستگی‌های رهبر کلیسا را کنار بگذار.»

اما اگر حتی از غربالگری اولیه رد شدید، وظایف سنگین فصل‌های ۲ تا ۵ می‌توانست کار شما را تمام کند. مشایخ گله را پشتیبانی می‌کنند، اعتقادات را تعلیم می‌دهند، اشتباهات را رد می‌کنند، اعضا را برای رسیدن به بلوغ تغذیه می‌کنند، دنبال گمشده‌ها می‌روند، محافظت و رهبری می‌کنند و مخالفت‌ها را میانجی‌گری می‌کنند، فقط چند وظیفهٔ مشایخ را نام می‌برم.

و هنوز سه فصل داریم. این شرح وظایف بعضی وقت‌ها من را گیج می‌کند، و من شبان تمام وقت هستم که تمام هفتهٔ کاریم را صرف این وظیفه می‌کنم. اما اگر شما یک رهبر پاره وقت با شغل پرمسئولیت، رفت و آمد

سخت، خانواده پرتکاپو، خانه‌ای نیازمند تعمیر و شاید یک یا دو سرگرمی دارید، چه؟ چگونه می‌توانید رفتاری درخور خواندگی بالا برای سرپرستی جماعت در زمان محدود آزادی که دارید، داشته باشید؟

به نظر این یک فرمول برای شکست است؟ آیا شبانی پاره وقت واقعاً ممکن است؟ من باور دارم که ممکن است، قسمتی از راه حل در پذیرفتن و اوّلویت‌بندی فداکارانه خواندگی شما برای شبانی است. «الکساندر سترایچ» یک صحبت صریح برای ما دارد:

افراد زیادی خانواده‌دار هستند، کار می‌کنند، ساعت‌های قابل توجهی از زمان خود را به خدمات محلی، کلوپ، فعالیتهای ورزشی یا / و موسسات مذهبی صرف می‌کنند. فرقه‌ها جنبشهای زیادی را تشکیل داده‌اند که در درجه اوّل به خاطر زمانی که اعضای آنها به صورت داوطلبانه صرف می‌کنند زنده مانده‌اند. ما مسیحانی که به کتاب مقدّس ایمان داریم گروه مسیحیان تنبل، شل، پول بده تا انجام شود، شده‌ایم.

خیلی شگفت‌انگیز است که چقدر مردم می‌توانند کاری را به انجام برسانند وقتی آنها انگیزه انجام کار، علاقه به انجام آن است. من افرادی دیده‌ام که در وقت آزاد خود خانه ساخته‌اند یا آن را تغییر مدل داده‌اند. مشایخ مشتاق باید هزینه خدمت را حساب کنند بعد خود را آزادانه صرف خدمت کلیسای خود کنند در حالیکه به فیض خدا اعتماد دارند. اما عامل دیگری هست که شبانی پاره وقت را حفظ می‌کند؟ آن یکی از موارد مشایخی کتاب مقدّسی است که به من به عنوان شبان در تمام این سال‌ها کمک کرد که با قدرت ادامه دهم. وقتی خدا کلیسای محلی را طراحی کرد، با حکمت چندین شیخ را قرار داده است. شبانی ممکن است، چون قرار است این یک کار تیمی باشد.

شبانی گروهی

وقتی عهد جدید دربارهٔ مشایخ واقعی که در کلیسا عمل می‌کنند توضیح می‌دهد، همیشه دربارهٔ آنها به صورت جمع صحبت می‌کند. به آیات زیر نگاه کنید. توجه کنید که چند شیخ هر کلیسای معجزا را رهبری می‌کند.

هنگامی که به اورشلیم رسیدند، کلیسا و رسولان و رهبران با آغوش باز از ایشان استقبال کردند. (اعمال ۱۵: ۴، همینطور آیه ۶ و ۲۲؛ ۱۶: ۴)

در هر یک از کلیساها مشایخی را تعیین کردند. با نیایش و روزه ایشان را به دست آن خداوندی که به او گرویده بودند سپردند. (اعمال ۱۴: ۲۳)

پولس از میلِتس پیامی به اِفِسُس فرستاد. رهبران کلیسا را فراخواند. (اعمال ۲۰: ۱۷)

از طرف پولس و تیموتائوس غلامان مسیح عیسی به همه مقدسین شهر فیلیپی که با عیسی متحدند و سرپرستان و خادمان آنها. (فیلیپیان ۱: ۱)

تو را برای این در جزیره کریت گذاشتم تا کارهای عقب افتاده را سرو سامان دهی چنانکه شخصاً به تو دستور دادم، رهبرانی برای کلیساها در هر شهر بگماری. (تیتوس ۱: ۵)

من که یک رهبر کلیسا هستم و شاهد زحمات مسیح بودم و در آن جلالی که قرار است بزودی ظاهر شود، شریک و سهم خواهد بود. از شما رهبران کلیسا تقاضا می‌کنم (۱ پطرس ۵: ۱)

اگر کسی از شما بیمار است، باید از مشایخ کلیسا بخواهد تا برای او دعا کنند و به نام خداوند بدن او را با روغن تدهین نمایند. (یعقوب ۵: ۱۴)

آیا الگو را می‌بینید؟ بارها و بارها مشایخ \ رهبران (واژه جمع) را در هر کلیسا (واژه مفرد) می‌بینیم؟ هر جماعت کلیسایی گروه شبان خود را دارند. این یک نگرش ابتدایی است، ولی وقتی به انجام رسید تفاوت زیادی ایجاد می‌کند. مشایخی جمعی برای حفاظت شبانی خیلی مهم است.

بار را تقسیم کنید

با یک مورد مشخص شروع کنید. داشتن چندین شیخ بار کار شبانی را تقسیم می‌کند. «یک دست صدا ندارد»، کار تیمی وظیفه را تقسیم و موفقیت را چند برابر می‌کند و تمام مثل‌های دیگر ثابت می‌کنند که خدمت مشایخ درست است. یکی از اعضای کلیسا یک روز از من می‌پرسید که چگونه می‌تواند برای من دعا کند. پس من درباره افزایش بار خدمتیم به او گفتم. اعضای کلیسای ما در آن زمان در حال افزایش بود، و نیازهای شبان چند برابر شده بود. من بدون اینکه از او جواب بخواهم از او پرسیدم: «چگونه می‌توانم به صورت مؤثر به گله در حال رشد خدمت کنم؟» او سؤال مرا بدون پاسخ نگذاشت. من هرگز جواب او را فراموش نمی‌کنم. او لبخند زد، شانه‌ای بالا انداخت، و خیلی ساده گفت: «شبانان بیشتر».

طبیعتاً، شبان بیشتر نمی‌توانستم باور کنم که در این باره قبلاً فکر نکرده بودم. خوب، فکر می‌کنم اگر موسی این مسئله را نفهمید، من هم می‌توانم. پدر زن او، یثرون، باید او را کنار میکشید و نیاز او را به کمک بیشتر به او گوشزد می‌کرد.

روز بعد موسی برای رسیدگی به شکایات مردم در بین آنها حاضر شد و از صبح تا شب مشغول بود..... یثرون گفت: «تو کار درستی نمی‌کنی!» تو با این کار هم خودت و هم مردم را خسته میکنی. چون این کار به تنهایی برای تو خیلی دشوار است. (خروج ۱۸: ۱۳، ۱۷-۱۸)

و راه حل یثرون چه بود؟ او شریک برای کار توصیه کرد:

اما علاوه بر این تو باید مردان قابل و کاردان که خدا ترس و امین باشند و رشوه نگیرند از میان مردم انتخاب کنی... آنها همیشه بین مردم داوری کنند. آنها می توانند تمام کارهای مشکل را نزد تو بیاورند ولی کارهای کوچک را خودشان حل و فصل کنند. آنها با این کار به تو کمک می کنند و بار خود را سبکتر و کار تو راحت تر می شود (خروج ۱۸: ۲۱-۲۲).

همانطور که اضافه کردن داوران موسی را آسوده کرد، همینطور داشتن چند شیخ بار خدمت را تقسیم می کند. پس اگر شما رهبر کلیسایی هستید، راههایی را پیدا کنید که شما و همکارانتان کار را قسمت کنید. دربارهٔ قسمتهای مهم کلیسا که نیاز به توجه دارند صحبت کنید و تلاش خود را هماهنگ کنید. اگر از توان افتاده اید، تلاش نکنید که فقط تحمل کنید، نگرانی های خود را بروز دهید و از برادران کمک بخواهید.

چطور می توانید با آگاهی بیشتر مسئولیت ها را در بین هیئت سرپرستان\ناظران تقسیم کنید؟ من اشاره کردم که چطور مشایخ ما سعی کردند اعضای کلیسا را بین خود تقسیم کنند؛ اما شما مجبور نیستید اینطور عمل کنید. نکته این است که برای تقسیم کار تصمیم بگیرید.

چاقوی سوئیسی

مزیت شبانی مشترک با تقسیم کار متوقف نمی شود. تعداد در رهبران کلیسا را قادر می کند تا به هدایای گوناگون در بین مشایخ دسترسی داشته باشند تا هر کدام با توانایی خود کار کنند. با اینکه، همهٔ مشایخ یک مسئولیت دارند، آنها مجموعه ای از استعدادها و تجربه ها را به ترکیب می آورد.

اولین چاقوی سوئیسی را که در زمان کودکی گرفتم را به یاد دارم. خاطرم نیست که دقیقاً چند ساله بودم، ولی هنوز دسته قرمز و براق چاقو را می توانم تصور کنم، و در میان آن دسته ابزارهای مخصوص چاقوی سوئیسی بود. من

هیجان باز کردن ابزار را تک‌تک به یاد دارم و تصور اینکه چطور ممکن است از هر یک از این ابزار وقتی در بیابان گم شدم برای زنده ماندن استفاده کنم. یک چاقوی بزرگ بود و یک چاقو کوچک، موچین، پیچ گوشتی، قیچی و مطمئناً، مهمترین ابزار برای زنده ماندن در صحرا، در باز کن.

من هر سال هنگام خوشآمدگویی به مردان جدید که وارد هیئت مشایخ کلیسا می‌شوند، احساس مشابهی دارم. هر برادر عطیه‌ی خاص خود را برای تیم می‌آورند که عطیه‌ی التماس می‌کند که کشف و استفاده شود. مانند در باز کردن چاقوی سوئیسی برای انسان، هر عطیه‌ی رهبری برای همان دفعه، همه‌ی مشایخ باید دارای هدایایی باشند مانند رهبری و تعلیم که برای این نقش بنیادین است. اما همان عطایا هم می‌تواند در قدرت و شکل متفاوت باشند.

در هیئت مشایخی کنونی ما، «مارک» یک استادیار در دانشکده‌ی الهیات محلی است که از هدیه‌ی سخنوری چشمگیرش و مطالعات پیشرفته‌ی عهد جدید خود برای انجام خدمت تعلیم قدرتمند در جماعت کلیسا استفاده می‌کند. بارها و بارها، «مت» از قدرت خود در امور مالی استفاده کرد تا رهبری مسائل مالی را انجام دهد. «جان» شور عمیقی به دعا دارد و به گونه‌ای تیم مشایخ عملگرا را در طول سال‌ها، بارها و بارها به زانو زدن برگرداند. «هرب» یک حس غیرمعمول دارد و معمولاً هنگام بحث سؤال هوشمندانه‌ای مطرح می‌کند که ما را به نقطه‌ی اصلی موضوع می‌آورد.

برای شناختن مشایخ همکاران زمان بگذارید. پیدا کنید که هر کدام چه هدیه‌هایی را در زندگی خود جمع کرده‌اند و یاد بگیرید که چطور آنها را بیرون بکشید. وقتی باهم کار می‌کنید، شاید از چگونگی حل کردن مشکل و یا اولویت‌بندی‌های سرپرستان دیگر ناامید شوید. اما به خودتان اجازه ندهید که با این تفاوت‌ها رنجیده شوید. در عوض، بقیه‌ی مشایخ را به عنوان بخشی از ابزار الهی مهندسی شده برای خدمت به کلیسای خود ببینید.

همه‌ی اینها قسمتی از خصوصیات در جمع مشایخ است.

شبانان را شبانى كنيد.

در فصل قبل، به ما يادآورى شد كه مشايخ هم عضوى از گله عيسى هستند. ما آن را ناسازه «گوسفند به عنوان شبان» ناميديم، رهبرى كليسا. اين ناسازه يـك سوال جالبى را عنوان مى كند اگر شبانان همزمان گوسفند هستند، چه كسى شبانان را شبانى مى كند؟ مشايخ مانند ديگران به مراقبت شبانى نياز دارند، آنها ممكن است به وسوسه بيفتند، تسليم افسردگى بشوند، گرفتار مخالفت ها شوند. از خدمت كليساىي خسته شوند. يا كسانى كه دوستشان دارند را از دست بدهند. حتى اگر آنها دچار بحران نباشند، مشايخ نياز دارند كه به بالغ شدن ادامه دهند. دقيقاً مانند بقيه اعضاى كليسا. چه كسى سرپرست روحانى آنها است؟ باز هم اينجا، تعدد جواب را مهيا مى كند. شبانان بايد شبانان را شبانى كنند. نظارت جماعتى پايدار است چون مشايخ، در جمع، مانند شبان براى يـكديگر عمل مى كنند.

چند سال پيش، برادرى براى اولين بار به تيم شبانى ما پيوست. من با كمى شوخى به همسرش گفتم: «آيا براى آزمون ها آماده هستيد؟» او پرسيد «چه آزمائشهاىي؟». من گفتم: «آماده باشيد كه امتحان شويد». ظاهراً شوخى من بيشتر از چيزى بود كه مى دانستم. او وقتى به عنوان شيخ خدمت مى كرد شغل خود را از دست داد. بيشتر از يـك سال بيكار بود. در طول آن «مرخصى اجبارى» مشايخ ديگر رودخانه اى از دعا و تشويق را به زندگى او ريختند. با فيض خدا و حمايت آنها، او از اين دوره قويتر و فريخته بيرون آمد.

اگر شما رهبر هستيد، احتمال خطر را قبول كنيد و با ديگران واقعى باشيد. از بروز دادن زخم ها و ترسهايتان، كشمكش ها و گناهاتان نترسيد. بقيه مشايخ نمى توانند براى شما شبانى كنند اگر وانمود كنيد كه سوپرمن هستيد.

مخصوصاً از آنها بخواهيد براى نيازهاى زندگيتان دعا كنند. همانطور كه قبلاً عنوان كردم، مشايخ ما، ماهى دوبار دورهم جمع مى شوند، كه يـكى از آن جلسات مختص به دعا است. در آن جلسه دعا، ما مى پرسيم كه چطور مى توانيم

برای یکدیگر دعا کنیم. این یک عمل کوچک است که به ما کمک می کند تا با طرف گوسفندی همدیگر آشنا بمانیم:

سال ها قبل در یکی از جلسات دعای مشایخ، وقتی پرسیدیم که چطور می توانیم، برای یکدیگر دعا کنیم، یکی از مشایخ به اصطلاح نقاب از چهره خود برداشت. او داوطلبانه درباره بحرانه های کار و امور مالی و در نهایت درگیری خود را با ناامیدی هایش را بیان کرد. لحظات سختی بود، ولی در را باز کرد. چند شیخ دیگر از آن در وارد شدند و درباره نیازهای ازدواج خود صحبت کردند. بقیه زمان دعای ما آن شب از روی وظیفه نبود. ما برای همدیگر با اشتیاق و همدلی جدیدی شفاعت کردیم. اگر می خواهید کلیسا را به صورت مؤثر شبانی کنید، شما نیاز دارید خودتان زیر سرپرستی روحانی باشید. پس خود را فروتن کنید و اجازه بدهید مشایخ دیگر از شما مراقبت کنند.

آهن را تیز کنید

ما در نظر گرفتیم که چطور خدمت گروهی کار شبانی را پایدار می کند مخصوصاً برای مشایخ پاره وقت. گروهی کار کردن، خدمت شبانی را بهتر گسترش می دهد چون مشایخ را از خستگی شدید با پخش کردن بار خدمت محافظت می کند، همچنین هدایا و استعدادهای مکمل یکدیگر را روی هم گذاشته از مشایخ در سختی ها حمایت می کند. اما یک گروه خطر دیگر هم برای شبانان هست: غرور، کنترل، دست سنگینی، دست نیافتنی و حتی سوء استفاده همانطور که در فصل قبلی دیدیم، مشایخ بدون سروری کردن باید رهبری کنند. خدمت گروهی به حفاظت ما از گرایش های سلطه گر با ایجاد شرایطی که در آن مشایخ می توانند این مثل معروف را به عمل بیاورند، کمک می کند، «همانطور که آهن، آهن را تیز می کند، دوست نیز شخصیت دوست خود را اصلاح می کند» (امثال ۲۷: ۱۷). وقتی مشایخ خدمت گروهی سالمی را به عمل می رسانند، برای یک مرد سختتر است که دیدگاه و گرایش سلطه گری

شبابی با هم

داشته باشد، زیرا در خدمت گروهی، مشایخ همدیگر را متوازن می کنند. مشایخ نرمخوتر، تندخواها را ملایم می کنند. عملگرها، آنالیزگرها را به سمت تصمیم گرفتن حرکت می دهند. مشایخ با ایمان قوی هر تصمیمی را از یک تمرین دیگر محافظه کاری مالی یا مدیریت بحران نگه می دارد، در حالیکه مشایخ عملی به رویا پردازها و خیالباف ها کمک می کنند که کارهای احمقانه ای به بهانه «اعتماد به خدا» انجام ندهند.

اینگونه توازن متقابل محیطی را ایجاد می کند که تحملش برای خودپرستان سخت است. ولی بیشتر از این نکته، تعدد، ساختاری برای مشایخ ایجاد می کند که همدیگر را وقتی یکی از آنها از مسیر خارج می شود، آگاه کنند.

جلسات مشایخ بعضی مواقع داغ می شود (من تشخیص داده ام که این موضوع در اغلب کلیساها اتفاق نمی افتد، پس شما ممکن است نیاز داشته باشید که از قوه تخیل خود استفاده کنید). کلیسای ما با رهبران قوی برکت گرفته که عقاید محکمی دارند، خیلی از آنها به عنوان مشایخ خدمت می کنند. وقتی موضوعهای چالش برانگیزی در طول جلسه به میان می آید دمای اتاق هم ممکن است بالا برود. اما من بارها و بارها وقتی دیده ام که مشایخ یکدیگر را بعد از جلسه به کناری کشیده اند، لمس شدم. بعضی وقت ها یک مرد از دیگری برای اینکه خیلی محکم بوده عذرخواهی می کند. شاید آنها بعداً در آن هفته باهم قهوه بخورند و درباره تفاوت هایشان با هم حرف بزنند. در مواقع دیگر، برادری دیگری را به خاطر رفتارش در جلسه به چالش می کشد و به او تأکید می کند که روش خود را اصلاح و تغییر بدهد. مشایخ جرات در برابر مجرب ها عقب می کشند وقتی آن ارتشی های بازنشسته گفتگو را طوری بدست می گیرند که جواناتر ها را به نرمی ساکت می کنند. ناظران کلیسا در جلسات کلیسایی ایستاده از لحن گفتگوی جلسه قبلی معذرت خواهی کرد، خدا را برای گوشزد ملایم دیگر ناظران همکار شکر.

یکی از مشایخ همیشه رُک و راست است. از یک جهت، داشتن او به عنوان شیخ خوب است چرا که او قادر است دیدگاه مخالف را با اشتیاق بیان کرده و ما را یاری دهد تا در چاله «نظر اکثریت» سقوط نکنیم. من بیشتر و بیشتر قدر

این خصوصیت را می‌دانم، مخصوصاً از وقتی تمایل به دوری گزیدن از مخالفت‌ها را پیدا کرده‌ام. از جهت دیگر، آن رُک بودن ممکن است باعث جدایی بشود. با این حال، شناخته شده است که او بعد از جلسهٔ مشایخ من را صدا می‌کند و می‌پرسد، آیا از حریم خود قدم فراتر گذاشته؟ یا آیا معذرت خواهی نیاز است. اگر بگویم: «بله»، ممکن است شما کمی درشت صحبت کردید». این رهبر فوراً برای اصلاح آن قدم برمی‌دارد. در طول سالها، من شاهد آن بوده‌ام که نرم‌تر و حساس‌تر شده است بدون از دست دادن عطیه‌اش برای صحبت صریح خود.

از این سفر لذت ببرید

بگذارید آخرین نکته دربارهٔ تعدد مشایخ را به شما بگویم. برای شبان خیلی رضایت بخش‌تر و حتی مفرح‌تر است که در یک تیم شبانی باشد تا همچون گرگ، تک و تنها. با نگاه کردن به عقب و به یک دهه و نیم خدمت شبانی، می‌توانم بگویم که یکی از بزرگترین شادیهای من خدمت با مشایخ پاره وقت کلیسایم است. این مردان یک گروه برادران برای من و همدیگر بوده‌اند. ما اشک‌ها و خنده‌ها را با هم تقسیم کردیم. ما پیروزی را با هم جشن گرفتیم و با دعا از معماهای به نظر حل نشده گذشتیم. بعضی وقت‌ها به معنای کاملاً واقعی، در سخت‌ترین لحظه‌های خدمتم، آنها کنار من ایستادند. خیلی وقتها، من آنها را بخوبی هدایت کردم، در بقیه مواقع، آنها مرا بلند کردند و تا وقتی که بتوانم دوباره رهبری کنم حمل کردند.

اگر شما در کلیسایی با یک شبان حقوق بگیر و بدون شیخ دیگر هستید، من از شما تقاضا می‌کنم از تمام نفوذ خود استفاده کنید تا کلیسای خود را به طرف قبول سرپرستان پاره وقت حرکت بدهید. اینکه شبان به تنهایی کلیسا را رهبری کند برخلاف دستور کتاب مقدس است، این ساختار کنونی شما حمایت مهم و رضایت عمیق را از شبان شما می‌رباید. همین‌طور بقیهٔ اعضای کلیسا را از توجه غنی شبانی محروم می‌کند، شادی دیدن مردانی از بین خود که به عنوان رهبران

شبانى با هم

شکوفه مى شوند، را مى گيرد. همينطور مردانى در جماعت شما هستند که موقعيت رشد را از دست مى دهند که فقط با قدم ايمانى در سرپرستى جماعت به دست مى آيد. شما به مشايخ (جمع) نياز داريد. اين نقشه عيسى براى شبانى مؤثر و پايدار کليساي اوست.

فصل ۷

نمونه فرد بالغ روحانی

در صبح اول ژانویه ۱۹۹۶، من در دفترم به عنوان دستیار موقت شبان جدید کلیسای تعمیدی ساوت شر^{۱۲} نشسته بودم. هیچ چیزی به اندازه عنوان «دستیار موقت شبان» احساس مهم بودن و امنیت کاری را بیان نمی کند. اما در آن صبح من خوشحال بودم که مدرسه را تمام کردم و یک شغل خدمتی واقعی دارم. من آخرین کلاس های دانشکده الهیات را چند هفته پیش تمام کرده بودم، خاتمه دو سال و نیم تحصیلات کارشناسی ارشد. و دقیقاً قبل از دانشکده الهیات، من تحت فشار چهار سال تحصیلات کارشناسی در مطالعات کتاب مقدس بوده ام. با بیش از شش سال تحصیل بدون وقفه، من به طور واضح تمام چیزهای لازم برای شبان بودن را داشتم: دو مدرک الهیاتی، مجموعه در حال رشد کتب تفسیر، و چند موعظه آماده از کلاس های موعظه. چه چیز دیگری نیاز داشتم؟

یک چیز کوچکی بود که من نداشتم: من نیاز به کسی داشتم که به من نشان دهد واقعاً چطور باید شبان کلیسا باشم. پس خدا «ری» را به من داد. کلیسا «ری» را به عنوان شبان موقت چند هفته قبل از من استخدام کرده بود. «ری» شبان با حکمت و مسن از نیوانگلند است که در طول یک سال و نیم بعدی به من نشان داد که چطور کلیسا را شبانی کنم.

من او را در هدایت جریان قوی هیأت کلیسایمان تماشا کردم. من در جلسات مشاوره شبانی او نشستم و در ملاقات‌های او از بیمارستان همراه او بودم. او الگوهای را برای مجالس عروسی و ترحیم به من داد که تا امروز از آنها استفاده می‌کنم. من شبانی خوب را در عمل دیدم. بعضی وقت‌ها به شوخی می‌گویم که اگر کاری را در خدمت درست انجام دهم، احتمالاً به خاطر این است که من «ری» را کپی می‌کنم، و اگر کاری را اشتباه انجام می‌دهم احتمالاً به این دلیل است که فی‌البداهه سخن می‌گویم.

اما حتی بیشتر از آموختن مهارت‌های خدمت به من، «ری» نمونه شخصیت و قلب یک شبان بود. او صبر را با آوردن تغییرات آهسته به اندازه‌ای که مردم ساده کلیسا بتوانند کنار بیایند، نشان داد. او مهربانی، تواضع، شادی را حتی وقتی نمی‌توانست راهش را پیش ببرد، از خود نشان داد. او به خدا اعتماد کرد و مشکلی پس از مشکل دیگر را با دعا حل کرد. و بالاتر از همه اینها، «ری» مردم را دوست داشت، او به همه کلیسا نشان داد که چطور از عیسی پیروی کنند.

از من سرمشق گیرید

تجربه من با «ری» مرا به یاد گفته پولس به کلیسای قرن‌تس می‌اندازد: «پس، از من سرمشق بگیرید، چنانکه من از مسیح سرمشق می‌گیرم.» (۱ قرن‌یان ۱:۱۱). آیا این به نظر شما عجیب می‌آید؟ آیا تا بحال به مسیحی دیگر گفته‌اید که شما را پیروی کنند همان طور که شما از عیسی پیروی می‌کنید؟ به نظر جسورانه می‌آید، نوع کلیسایی این بازی «چیستان نمایی» است. تصور کنید که به گروه مطالعه کتاب مقدس خود یا اعضای هیأت کلیسای خود بگویید. «می‌خواهم به شما بگویم که من از عیسی به خوبی پیروی می‌کنم، پس احتمالاً شما باید از من تقلید کنید.» ممکن است این آیه حرفی باشد که فقط پولس می‌تواند بزند، هرچه باشد او یک رسول بود. او می‌توانست از زیر حرف خودنمایه‌ای مانند «از من پیروی کنید» را بیرون بیاورد.

پولس قدم جلوتر نهاده نه تنها می فرماید «از من سرمشق گیرید» که به کسانی که از او پیروی می کنند، بلکه به کلیسای فیلیپیان می فرماید که به کسانی که از او سرمشق می گیرند، توجه کنند. «ای برادران، من، همه شما از من سرمشق بگیرید و به کسانی که از نمونه ما پیروی می کنند، نگاه کنید» (فیلیپیان ۳: ۱۷). آیا آخرین کلمات این آیه را متوجه شدید؟ او گفت «ما» به جای «من». «ما» در فیلیپیان اشاره می کند به پولس و تیموتائوس (۱: ۱). پس دایره نمونه ها از پولس می گذرد و در بر گیرنده تیموتائوس و مسیحیان فیلیپی که الگوی زندگی پولس و تیموتائوس را تکرار می کنند است.

در رساله تیموتائوس، پولس آشکارا به شاگرد جوان خود دستور می دهد: «هیچکس جوانی تو را حقیر نشمارد، بلکه در گفتار و کردار، در محبت و ایمان و پاکی برای ایمانداران نمونه باش» (اول تیموتائوس ۴: ۱۲).

اگر نمونه بودن برای پیروی شدن فقط مخصوص رسولان مقدس نباشد چه؟ اگر نمونه بودن و الگو گرفتن دو ضربان همسان بوده و ریتم معمول شاگرد سازی مسیحی است، چه؟ اگر چیزی که ما واقعاً نیاز داریم تا در به بلوغ رسیدن رشد کنیم، «ری»ها و تیموتائوسهای بیشتر هستند که در کلیساهای ما نمونه باشند، چه؟

این راه به نظر درست می آید، که خدا از ما به عنوان سخت افزار برای پیروی استفاده می کند. از موقع نوزادی، ما یاد می گیریم، صحبت کنیم، رفتار کنیم و با تقلید از افرادی که اطراف ما هستند، عکس العمل نشان دهیم. هر پدری آن لحظات وحشتناک را داشته است وقتی کلمات خودش را که از دهان بچه اش بیرون می آید، می شنود. مادرها نگران هستند که فرزندان شان در دوران نوجوانی کدام دوستان را انتخاب خواهند کرد، چون آنها قدرت الگو گرفتن از هم سن ها را می فهمند. حتی به عنوان بزرگسال، ما لهجه ها، عبارت ها، حالت چهره ها، خصلت ها، سلیقه ها، عادت ها و علایق را از یکدیگر می گیریم. به خاطر این است که زوجی که با شادی پنجاه سال در ازدواج بوده اند کم کم به نظر با هم ترکیب شده و یک فرد می شوند.

این پویایی نمونه و کپی کردن، الگو گرفتن و پیروی کردن، تا به شاگردسازی مسیحی می‌رود. با این حال، زندگی مسیحی با تقلید شروع نمی‌شود با یک معجزه شروع می‌شود. شاگردی وقتی شروع می‌شود که گناهکار انجیل را می‌شنود، و روح القدس به طور ماورای طبیعی وضعیت درونی او را با شنیدن تغییر می‌دهد. در نتیجه، گناهکار از گناه خود توبه می‌کند و باور می‌کند که عیسی برای نجات او از گناهانش مرد و دوباره زنده شد. او به وسیله قدرت خدا دوباره متولد می‌شود، و اولین گریه او «عیسی خداوند» است! یک شخص باید دوباره متولد شود تا بتواند وارد ملکوت خدا شود. هیچ کس نمی‌تواند راه خود را از بی‌ایمانی به ایمان تقلید کند.»

اما حالا نوزاد متولد شده در آسمان ما، باید در بلوغ و شبیه مسیح شدن رشد کند. این چطور اتفاق می‌افتد؟ این شامل چند عامل است، مانند دریافت غذا از کلام خدا. اما او به چیز دیگری نیاز دارد. نوزاد فرزند خدا به خانواده نیاز دارد که در آنجا از نمونه دیگران یاد بگیرد که چطور با عیسی راه برود. او به کلیسای محلی نیاز دارد.

یک کلیسای محلی تندرست سرچشمه غنی از روابط برای الگو و کپی کردن دو جانبه است. با عضو شدن در مشارکت انجیل‌گونه، مسیحیان تا می‌توانند مشاهدات خود را با بقیه ایمانداران تازه به دنیا آمده که خود را با زندگی عجیب و عالی پیروان بخشیده شده عیسی وفق می‌دهند، مقایسه کنند. او می‌تواند از خواهر و برادرهایی که عیسی را برای زمان بیشتری پیروی کرده‌اند، در این مسیر هستند، از طریق قدرت روح در برابر گناه پیروز شده‌اند و چند طوفان قابل توجه زندگی را با اعتماد به فیض خدا پشت سر گذاشته‌اند، یاد بگیرند. او حتی ممکن است چند پدر و مادر روحانی پیدا کند، مانند پولس رسول و یا شبان موقت «ری»، که به او الهام می‌دهند که دعا کند، «خداوند، به من کمک کن که شبیه او باشم.» ما تنها باید تعالیم و موعظه‌های محکم درباره زندگی مطیع داشته باشیم، ما نیاز داریم که مقدس بودن را در عمل ببینیم. ما از طریق تقلید رشد می‌کنیم، همانطور که «جرمی» از «ری» پیروی کرد.

شبانی کردن با شبان بودن

تمام این موارد چه ربطی به مشایخ دارند؟ این کتاب می‌بایست تشریح وظایف سرپرستان (ناظران) باشد. آنها چگونه در مبحث نمونه و سرمشق قرار دارند؟

آسان است: خدا مشایخ را جهت مردان با ارزش برای تقلید خوانده است. یک کلیسای تندرست محلی معمولاً افراد زیادی، مرد و زن، دارد که ما می‌توانیم از نمونه آنها پیروی کنیم. ولی وقتی کلیسا مردی را انتخاب می‌کند تا سرپرست شود، آنها به طور رسمی می‌گویند: «او یک نمونه رسمی و تشخیص داده شده به وسیله کلیسا به عنوان پیرو بالغ عیسی است.» او تنها نمونه و بهترین نمونه نیست و لزوماً بهترین نمونه در آن جماعت برای تک تک خصوصیات یک مسیحی، با این وجود شیخ یک مدل درست است. با تأکید کردن یک فرد به عنوان شیخ، کلیسا می‌گوید: «از او پیروی کنید. همانطور که او از عیسی پیروی می‌کند.» کلیسا باید بتواند یک ایماندار تازه را به سمت یکی از مشایخ راهنمایی کند و بگوید: «آیا می‌خواهی بدانی یک مسیحی واقعی چگونه است؟ پس به او نگاه کن.»

به بیان دیگر، کار رهبران (مشایخ) شبانی کردن با وجود و اعمالشان است. مشایخ کلیسا را نه تنها با کارهایی که انجام می‌دهند بلکه با آن کسی که هستند، شبانی می‌کنند و بدون در نظر گرفتن رفتار آنها همه چیز از هم می‌پاشد.

بیاید موارد دستور کار رهبران را که در فصل گذشته گفتیم، مرور کنیم. توجه کنید که هر یک از این موارد کارهایی که باید انجام شود تنها از طریق خواندگی او برای بودن (آن را زندگی کردن) قابل انجام است. خلاصه، شخصیت شبیه مسیح لازمه خدمت شبانی است.

در فصل ۲، ما تمام دستور کار رهبران به عنوان شبانی اعضای کلیسا خلاصه کردیم که به طرف بلوغ بیشتر در شباهت به مسیح است. مشایخ شبانانی هستند

که در زندگی اعضای کلیسا سرمایه گذاری می کنند تا به آنها کمک کنند بیشتر و بیشتر در به شباهت درآمدشان به عیسی رشد کنند.

اما اگر رهبر کلیسایی خود نابالغ باشد، چطور ممکن است او دیگران را در رشد روحانی، شبانی کند؟ همانطور که شما مشاور مالی که ثروت خود را در یک تصمیم بد سرمایه گذاری از دست داده، استخدام نمی کنید. همینطور در ورزش با مربی ورزشی که اندام مناسبی ندارد به اعتماد به نفس شما الهام نمی بخشد، کار نمی کنید. پس رهبر غیر روحانی و از خود راضی که می گوید «از من پیروی کنید» بیش از چند تن همراه ندارد. شما بقیه را تا جایی که خودتان جلو رفته اید می توانید به سوی عیسی بیاورید.

در فصل ۳ درباره وظیفه تعلیم صحبت می کند. مشایخ کتاب مقدس را بیان و خطا در باورهای اساسی را رد می کنند. اما اگر زندگی معلم با تعالیم او به صورت آشکاری مغایرت داشته باشد. چه؟ همه بجز چند نفر دنباله رو وفادار گوش کردن را متوقف خواهند کرد. مردم صبر زیادی برای معلمان، کاری که میگویم بکن نه کاری که انجام می دهیم، ندارند. حتی بدتر، معلمان ریاکار قوم خدا باید با خدا روبرو بشوند. تعجبی نیست که یعقوب، هشدار می دهد، «نباید تعداد زیادی معلم بشوند، برادران من، درست نیست که بسیاری از شما در کلیسا معلم دیگران باشید، چون می دانید که روز داوری برای ما معلمین سخت تر خواهد بود» (یعقوب ۱:۳).

اما وقتی یک شبان تعلیم بی عیب را با زندگی بی عیب ترکیب کند، هرگز پیروان باوفا کم نخواهد آورد. وقتی من به تعلیمات «ری» به عنوان شبان موقتمان فکر می کنم یک موعظه چشمگیرتر است. در طول هفته قیام، «ری» درباره یوحنا ۱۳ که عیسی پای شاگردان را می شوید، تعلیم داد. من آن موعظه را به دو دلیل به یاد می آورم. اول، موعظه بسیار عالی بود. «ری» خیلی واضح و تکان دهنده درباره خادم بودن عیسی صحبت کرد، نه تنها به خاطر شستن پاها بلکه به خاطر اینکه بعداً به خاطر شستن گناهان ما روی صلیب رفت. «ری» جماعت کلیسای ما را برای خدمت فروتنانه برای یکدیگر در خور انجیل دعوت کرد. دوم، و شاید خیلی مهمتر، وقتی من به کلمات آن موعظه و خادم

بودن گوش میدادم، همانطور فروتنی، خدمت و از خود گذشتگی را در کسی که موعظه می کرد، دیدم. راه رفتن مداوم مسیحی «ری» من را وادار به شنیدن پیام او کرد. در فصل ۴، ما وظیفه پرمسئولیت به دنبال عضو گمشده رفتن مشایخ را مورد مطالعه قرار دادیم. این یک وظیفه حساس است چون عضوی که از کلیسا دور می شود، معمولاً حساس و رنجیده هستند. در نتیجه، آنها در اعتماد به دیگران مشکل دارند. پس وقتی شبانی با شخصیت مسئله دار او را پیگیری می کند، احتمالاً گوسفند گمشده، فرار می کند. چطور یک گوسفند می تواند کار «مراقبت» شبان از او را جدی بگیرد وقتی او نمی تواند حتی مراقب خودش باشد؟

ما می توانیم یک قدم جلوتر برویم. اگر ریاکاری شبان خارج از دیوارهای کلیسا فهمیده شود، دیگران را حتماً از دیده شدن در جلسات یکشنبه باز می دارد. «علاوه بر این، او باید در میان افراد خارج از کلیسا نیکنام باشد تا مورد سرزنش واقع نگردد و به دام ابلیس نیافتد (اول تیموتائوس ۳: ۷).

در فصل ۵، ما با فشار رهبری با اعتماد به نفس ولی نرمخو درگیر بودیم. دوباره، شخصیت روحانی کلید است. همانطور که پولس گفت: «از گله ای که خدا به شما سپرده است، شبانی و مراقبت کنید... سعی نکنید بر آنانی که به دست شما سپرده شده اند. خداوندی نمایید، بلکه برای آن گله نمونه باشید.» (اول پطرس ۵: ۲-۳) نمونه بودن پادزهر زورگویی است. وقتی مشایخ مانند عیسی زندگی و محبت کنند: آنها به عنوان خود بزرگ بین. قدرت طلب شناخته نخواهد شد. در عوض، آنها دارای فروتنی به شکل مسیح خواهند بود که به آنها اختیار اخلاقی می دهد که کلیسا با کمال میل تسلیم شود. مشایخ اگر می خواهند رهبری بکنند باید با نمونه بودن رهبری کنند.

در آخر، ما در فصل ۶ درباره تعداد مشایخ بحث کردیم. سرپرستان نه فقط فرد به فرد بلکه به عنوان یک تیم هم نمونه قرار میگیرند. به گروه مشایخ خود به عنوان کلیسا در یک دنیای کوچک فکر کنید. راهی که شبانان برای تعامل، حل مشکل برای اتحاد تلاش می کنند و با چالش ها با هم روبرو می شوند باید

برای کل کلیسا نمایش زنده‌ای باشد برای سرمشق گرفتن. تیم مشایخ باید بتواند گروهی بگویند: «از ما پیروی کنید همانطور که ما با هم از مسیح پیروی می‌کنیم.»

من یک بار کلاس رهبری کتاب مقدسی را در کلیسایمان درس دادم. قسمتی از کلاس، سفر عملی داشتیم به جلسه زنده مشایخ. اعضای کلیسا با هم درباره تجربه خود گزارش تهیه کردند. آنها درباره محبت، فروتنی، مهربانی که مشایخ هنگام دعا برای اعضای کلیسا نشان می‌دادند، نوشتند. چند نفر در کلاس انتظار متفاوتی از مشایخ در جلسه داشتند. چیزی با قدرت زیاد، همبسته، ترسناک، آنها چیزی در روابط متقابل مشایخ پیدا کردند که شبیه عیسی بود. شب خوبی برای سرپرستان بود.

آیا می‌بینید که چطور جریان خون روحانیت باید در تمام کارهایی که شیخ انجام می‌دهد بتپد؟ اما اگر بی‌عیسی او با ناطاعتی از خدا خدشه‌دار شود، خدمت او خواهد مرد. راه رفتن یک شیخ با عیسی رشته‌ای است که تمام مرواریدهای مسئولیت‌های او از آن آویخته شده است. آن رشته را پاره کنید مرواریدها به زمین افتاده در همه جا پخش می‌شوند. یک شیخ ممکن است با استعداد، با تجربه و پرجذبه باشد، اما اگر عیسی را به خوبی منعکس نکند، نابالغی او با وجود عطاهایش به مرور زیر پای او را خالی می‌کند. رفتار یک شیخ به اعمال او اعتبار و قدرت می‌دهد. این مسئله توضیح می‌دهد که چرا کتاب مقدس فهرست بلند بالایی از شایستگی‌های مشایخ دارد، همانطور که در فصل یک دیدیم، و چرا آن شایستگی‌ها در وهله اول به شخصیت نمونه بودن تأکید دارد. یک شیخ باید «بی‌عیب» (اول تیموتائوس ۲:۳) باشد. تمام خدمت او به این وابستگی دارد.

مراقب زندگی خود باشید

با دادن اهمیت اصلی به نمونه بودن مشایخ در کلیسا، ما نمی‌توانیم این فصل را بدون اضافه کردن یکی دیگر از وظایف حیاتی در دستور کار شیخ به پایان

ببریم. هر شیخی باید مداوم در پی قدوسیت، محبت و رشد روحانی باشد. مشایخ باید بیشتر و بیشتر شبیه عیسی شوند تا بتوانند کلیسا را مانند عیسی هدایت کنند. پولس این را به تیموتائوس می گوید: «مراقب خود و تعلیمت باش و در انجام کارها همیشه کوشش کن. به این وسیله هم خود و هم آنانی را که به تو گوش می دهند، نجات خواهی داد.» (اول تیموتائوس ۴: ۱۶) این یک بیان شگفت انگیز و مسئولیت گیرایی است. پولس می گوید: شبانی وظیفه محول شده از طرف خدا در نجات روح خود و دیگران با توجه به زندگی و تعلیم خود است. قسمت تعلیم برای ما باید کمتر شو که کننده باشد. مردم با شنیدن انجیل که از کتاب مقدس تعلیم داده می شود نجات پیدا می کنند. پس اگر رهبر کلیسا تعلیمات خود را در برابر اشتباهات محافظت کند، آنگاه آن تعلیم می تواند کانالی برای فیض نجات بخش خدا باشند.

اما درباره زندگی شبان چه؟ با توجه به زندگی و رفتار خود. «در گفتار، کردار، محبت، ایمان و پاکی برای ایمانداران نمونه باشد.» (آیه ۱۲) او مقداری نقش در نجات خود و مردم دارد. روح خدا به نحوی از زندگی خوب مراقبت شده یک سرپرست برای کار نجات بقیه در کلیسا استفاده می کند. برای همین، نمونه بودن و کپی کردن اختیاری نیست. آن برای پیشرفت روحانی ما با هم در کلیسای محلی نقش اساسی دارد.

پس ای برادر شیخ کلیسا، بالاتر از هر چیز، مراقب زندگی خود باشید. اگر امید دارید که با پولس بگویید: «از من پیروی کنید، همانطور که من از عیسی پیروی می کنم.» (۱ قرنثیان ۱۱: ۱) بعد می توانید در اعلام این نکته به او پیوندید: «بدن خود را می گویم و آن را تحت فرمان خود در می آورم، مبدا بعد از اینکه دیگران را به مسابقه دعوت کردم، خود من از شرکت در آن محروم باشم.» (۱ قرنثیان ۹: ۲۷).

روح خود و تمایلاتی که موجب رد صلاحیتتان می شود را بشناسید. از قسمت های کوتاه دیوار قلب خود آگاه باشید، از کجا وسوسه ها به شما حمله می کنند. به مبارزه علیه گناه ادامه بدهید و با قدرت روح هر کجا که آن را پیدا

کردید، بکشید (رومیان ۸: ۱۳). تحت فرمان روح القدس به سر ببرید (غلاطیان ۵: ۱۶) تا کارهای طبیعت نفسانی خشک شود و ثمره روح القدس به بار آید (آیه های ۱۹-۲۳) بگذارید کلام خدا ذهن شما را نو بسازد تا بتوانید همیشه سرشت تازه های به خود را بپوشانید (افسسیان ۴: ۲۲-۲۴) هر روز بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده تقدیم کنید (رومیان ۱۲: ۱-۲).

پیشبرد انجیل

فکر نکنید چون شیخ هستید در نهایت به مقصد رسیده اید. کاملاً برعکس است: ناظر کلیسا شدن باید به شما ضرورت تازه ای تزریق کند تا در پیروی از عیسی پیشتر بروید.

کلیسای شما نیاز دارد تا نه تنها شیخی روحانی بلکه رهبری در حال رشد ببیند. پولس به تیموتائوس گفت که نه تنها به زندگی خود توجه کند بلکه پیشرفت علنی بکند. «این چیزها را به عمل آور و خود را وقف آنها بساز تا پیشرفت تو برای همه معلوم گردد.» (اول تیموتائوس ۴: ۱۵) آیا این جالب نیست؟

جماعت کلیسای شما نیاز دارند پیشرفت شما را ببیند، نه کامل بودن را. عیسی از پیش کمال را پوشش داده است. کلیسا نه تنها نیاز دارد که در درجه رشدتان در مسیح، بلکه همچنین و به همان اندازه مهم در حقیقت اینکه شما هنوز رشد می کنید، از شما پیروی کنند.

به عبارت دیگر، کلیسا نیاز دارد ببیند انجیل هنوز زندگی شما را متحول می کند. گوسفند باید بداند که شما مداوم از گناه خود توبه می کنید. آنها باید صدای شما را در دعا برای طلب قدرت رستاخیز عیسی در روحان بشنوند. آنها نیاز دارند بدانند که شما هر روز کتاب مقدس می خوانید و دعا می کنید، نه به خاطر اینکه شما از طرف کلیسا به عنوان مقدس ترین تعیین شده اید، بلکه به خاطر اینکه یاد گرفته اید که بدون دعای روزانه شما قدرت این را نخواهید داشت که هر روزه با وسوسه مبارزه کنید یا خدا را خدمت کنید. با نمونه

نمونهٔ فرد بالغ روحانی

پیشرفت وابسته به انجیل، شما اعضای کلیسا را به فراتر از خود رجوع می‌دهید:
شما نگاه آنها را به عیسی بلند می‌کنید، به کسی که ما به شباهت او در می‌آییم.

فصل ۸

برای گله خود التماس کنید

در طول ۷ فصل گذشته، ما درباره دستور کار کتاب مقدسی شیخ صحبت کردیم. برای خلاصه کردن این دستور کار، ما گفتیم که آن دربارهٔ شبانی اعضای کلیسا به سمت بلوغ و به شباهت مسیح در آمدن، است. با این حال، ما همچنین می‌توانیم بگوییم مشایخ برای شبانی کلیسای محلی مانند عیسی، خوانده شده‌اند. بسیاری از خدمات مشایخ کلیسا از الگوهای خدمت عیسی به شاگردان دنبال می‌شود.

عیسی کلام خدا را تعلیم داد: مشایخ تعلیم همان کلام را ادامه می‌دهند. عیسی از آسمان آمد که گمشده را بجوید و پیدا کند: مشایخ، به همین سان، گمشده‌ها را بعضی مواقع با هزینه شخصی خود می‌جویند. عیسی کاملاً تصویر خدا را جسم بخشید: مشایخ طالب پیروی از عیسی کلیسا را با تعلیم، رهبری، پیگیری، خدمت و الگو بودن شبانی می‌کنند. اما ما یک چیز را فراموش می‌کنیم. مشایخ همچنین باید نیمه بعدی خدمت مسیح را هم تقلید کنند. شبانی مانند عیسی یعنی دعا کردن مانند عیسی. «اما عیسی بیش از پیش در تمام آن نواحی شهرت یافت و عدهٔ زیادی گرد آمدند تا سخنان او را بشنوند و از ناخوشی‌های خود شفا یابند، اما او به خارج از شهر می‌رفت تا در تنهایی دعا کند» (لوقا ۵: ۱۵-۱۶). این آیه‌ها خلاصه‌ای از خدمت عیسی با شور و شوق است. ما از نیمهٔ اول این خلاصه خبر داریم، یعنی خدمت عمومی او، چون کتاب مقدس زمان زیادی را صرف توضیح آن

می‌کند. بارها و بارها، ما عیسی را هنگام تعلیم، انجام معجزه و خدمت در بین مردم می‌بینیم.

ولی نیمه بعدی چه، قسمتی که توضیح می‌دهد که چطور عیسی «اغلب» خود را کنار کشیده دعا می‌کرد؟ ما دربارهٔ این جنبهٔ چیز زیادی نمی‌دانیم، بیشتر به خاطر اینکه نویسنده‌های کتاب مقدس به جزئیات زیادی دربارهٔ زندگی دعای او نمی‌پردازند. اما اگر با دقت توجه کنیم، می‌توانیم چشم انداز مکرری از این بُعد خدمت اندک گفته شده، ولی جدا ناپذیر عیسی را ببینیم. بیایید با نوشته‌های لوقا بمانیم:

• عیسی در تعمید خود دعا کرد، آسمان گشوده شد، روح القدس نازل شد، خدای پدر صحبت کرد (۳: ۲۱-۲۲).

• عیسی یک روز شلوغ خدمتی در کفرناحوم را با رفتن به مکانی خلوت و احتمالاً دعا شروع کرد (۴: ۴۳، ۵: ۱۶).

• او تمام شب را در کوهستان به دعا سپری کرد قبل از اینکه دوازده شاگرد را انتخاب کند (۶: ۱۲).

• عیسی به تنهایی در حضور شاگردان دعا می‌کرد (۹: ۱۸) او حتی پطرس، یوحنا، یعقوب را برداشت و برای دعا به بالای کوه برد، آنجا بود که آنها او را تغییر یافته دیدند (۹: ۲۸).

• مثال شفاعت عیسی باعث شد شاگردان از او بخواهند دعا کردن را به آنها بیاموزد (۱۱: ۱) پس او دعای ربانی را به آنها داد.

• او مثل بیوه سمح را برای الهام دادن به آنها گفت: «همیشه دعا کنید و هرگز دلسرد نشوید» (۱۸: ۱).

• چند ساعت قبل از مصلوب شدنش، عیسی با دعا کردن و استدعا از پدر در باغ جتسمانی بر وسوسه غلبه کرد (۲۲: ۳۹-۴۴).

به دنبال لوقا، در کتاب اعمال رسولان، رسولان مکرر برای دعا متحد می‌شدند (۱: ۱۴).

برای کله خود التماس کنید

● در آن زمان که کلیسا به وجود آمد و تعداد شاگردان زیادتر شده، رسولان فهمیدند که رسیدگی به نیازهای عملی جماعت وقت آنها را برای دعا می‌گیرد، پس آنها هفت مرد را منصوب کردند که به نیازهای سازمانی در حال رشد کلیسا برسند (۶: ۱-۳) رسولان در وقت آزاد شده خود چه خواهند کرد؟ آنها گفتند: «اما ما وقت خود را صرف دعا و تعلیم کلام خدا خواهیم نمود.» (آیه ۴) رسولان الگوی عیسی را ادامه دادند، خدمت دو شاخه تعلیم و دعا.

آیا به نظر شما عجیب است که رسولان و حتی خداوند عیسی انرژی زیادی صرف دعای آگاهانه می‌کنند؟ آیا صحبت با پدر زندگی و خدمت شما را مانند زندگی و خدمت عیسی و شاگردانش مشخص می‌کند؟

با دعا زندگی کنید

عمل دعا کردن ما نه تنها با دیدن نمونه ارتباط شخصی عیسی با پدر به جلو می‌رود، همچنین باید با طبیعت پرمسئولیت شغل شبانی هل داده شود. خدمت شبانی از یک راه یا راهی دیگر می‌تواند شما را به زانو زدن در دعا وادار کند. امیدوارم این نقطه چشم انداز نظارت بر جماعت کلیسا لرزه سالمی به شما داده باشد. این کار می‌تواند طاقت فرسا باشد. تعلیم، مشاوره مقابله، پیگیری و رهبری مردم زمان قابل ملاحظه‌ای را می‌گیرد و می‌تواند روح را خسته کند. مهم نیست یک نفر چقدر شبانی می‌کند، همیشه کارهای بیشتری است که می‌تواند انجام داده شود. یک شیخ، همیشه می‌تواند یک تلفن دیگر بزند، یک نفر دیگر را شاگردسازی کند، یا شخص دیگری را برای غذا دعوت کند. یک شبان چگونه می‌تواند کلمه «تمام شد» را معنا کند؟

تعجبی ندارد که مشایخ به راحتی به الگوی هیئت امنا برمی‌گردند. آسانتر است که برای چند ساعت دور یک میز بنشینید، در مورد چند موضوع ساعت‌ها صحبت کنید و چند رأی بگیرید. «تمام شد» وقتی است که جلسه تعطیل و به

پایان می‌رسد. ولی وقتی به خدمت شبانی برای مردم متمایل می‌شوید، چه شما یک کارمند استخدام شده باشید یا سرپرست پاره وقت، با کمبود وقت، انرژی دانش و عطایا روبرو می‌شوید. امیدوارم، این مشکلات شما را وادار کند از خدا کمک بخواهید. برای مشایخ، دعا کردن فقط یک وظیفه نیست، یک استراتژی اصلی بقا است.

اما نه فقط حجم کار مشایخ را وادار به دعا کردن می‌کند، بلکه هدف کار نیز است. همانطور که در فصل ۲ دیدیم، هدف مشایخ به بلوغ رساندن اعضای کلیسا در مسیح است، اما آنها هیچ قدرتی در مجبور کردن دیگران در پیشرفت روحانی ندارند. یک شیخ می‌تواند اعضای که با هم مشکل دارند به آشتی کردن ترغیب کند، ولی نمی‌تواند هیچ طرفین را مجبور به بخشش کند. خدا به مشایخ هدفی داده است که فقط خود خدا می‌تواند به انجام رساند.

همانطور که پولس به کلیسای شبان پرست قرن‌تین یادآوری می‌کند: «من کاشتم، اُپُلُس آبیاری کرد، ولی اصل کار یعنی رشد و نمو با خداست. کسی که میکارد و یا کسی که آبیاری می‌کند، اهمیت زیادی ندارند، در رشد و نمو گیاه کار عمده با خداست» (اول قرن‌تین ۳: ۶-۷).

ناتوانی روحانی ما باید ما را به سمت درخواست قدرت خدا برای رشد دادن جماعت کلیسایمان بکشاند. مانند ایلیا، ما می‌توانیم مذبح را تعمیر کنیم و قربانی را آماده کنیم. اما خدا باید آتش روح القدس را بر زندگی و قلب مردم فرو بریزد (اول پادشاهان ۱۸: ۳۰-۳۹ را ببینید).

اگر دامنه مسئولیت‌ها و معیارهای توصیف وظایفی که از لحاظ انسانی موفقیت در آن غیرممکن است، برای فرستادن التماس کمک به آسمان کافی نیست، یک نگاه به آینده این کار را انجام خواهد داد. هر شیخی با یک مقدار کم از خودآگاهی می‌داند که تمایلات خود او به گناه می‌تواند به خدمتش آسیب بزند. او کتاب مقدس را باز می‌کند و انعکاس قلب خود را در فریبکاری ابراهیم، شهوت داوود، ناامیدی ایلیا، غرور حزقیال، خیانت پطرس می‌بیند. اگر آن به اندازه کافی نبود، او می‌خواند که شیری غران به هر سو می‌گردد و در جستجوی کسی است که او را ببلعد (اول پطرس ۵: ۸).

برای کله خود التماس کنید

وقتی یک شیخ پی میبرد که خود یک گوسفند تشنه، زخمی، سرگردان، شکار شده است، او برای طلب کمک از شبان نیکو ناله سر خواهد داد.

بله، نمونه عیسی مشایخ را به طرف دعا می کشد. اما مسئولیت سنگین خدمت شبانی و کمبودهای خود ما نیز باید ما را وادارد که از عیسی برای انجام غیرممکن ها کمک بخواهیم. سرپرستان کلیسا فقط برای شبانی مانند عیسی دعا نمی کنند، ما دعا می کنیم که عیسی بر ما و از طریق ما شبانی کند. خدمت مشایخ با دعا زنده است.

تمرین دعا کردن

یک خدمت مشایخی مملو از دعا چگونه است؟ چطور مشایخ از عیسی الهام می گیرند و با مسئولیت هایشان محتاج به بالا بردن صدای دعا می شوند؟ سعی کنید به دعا به عنوان یک فعالیت اضافه شده روی برنامه شلوغ روزانه خود نگاه نکنید. برعکس، به آن به عنوان یک سیستم عاملی برای انجام تمام برنامه های رهبران فکر کنید. همانطور که پولس می فرماید: «پیوسته دعا کنید» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷). بهترین دعا زمانی است که آن لبریز شده از کلماتی با حالت وابستگی دائمی بر خدا باشد. دقیقاً مانند شخصیت، دعا باید در تمام کارهایی که شیخ انجام می دهد جریان داشته باشد. دعا باید مانند تنفس مداوم روحانی باشد که زندگی روحانی را به حیات و کار ما می آورد. اینجا چهار روش ممکن برای یافتن شفاعت در تاروپود کار رهبری شماست.

دعای عمومی

از هر لحظه رهبری عمومی به عنوان یک بهانه برای دعا استفاده کنید. شخص فرصت طلب برای دعا باشید. چه شما مراسم عشای ربانی را انجام می دهید، یا کلاس کانون شادی را درس می دهید، یا در سمینار تعلیم برای

خدمت صحبت می کنید یا جلسه کلیسا را تعدیل می کنید، از اختیار خود در آن لحظه استفاده کنید و به نمایندگی از گروهی که با شما جمع شده اند دعا کنید. وقتی با بقیه اعضای کلیسا در یک جلسه حل مشکل گروهی هستید، شخصی باشید که می گوید: «احتمالاً باید مکث کنیم و از خدا کمک بخواهیم.» اگر از جمع کلیسایی خود بپرسید آیا می توانید دعا کنید، هیچ کس مخالفت نخواهد کرد.

اضافه بر ارزش خود دعا، القا کردن شفاعت در گردهمایی های عمومی به شما فرصت می دهد که با الگو شدن به مردم تعلیم دهید که چگونه دعا کنند. پس وقتی به نمایندگی از اعضای گردهم آمده دعا می کنید، سعی کنید یک دعای صمیمانه و متعادل را نشان دهید. مطمئن شوید که نه تنها برای نیازهای خاص جماعت دعا کنید، بلکه همچنین برای کلیساهای دیگر و بنای کلیساهای جدید در منطقه خود دعا کنید. که فقط برای انتخابات آتی در کشورتان دعا کنید ولی فراموش نکنید که خواهان آمدن پادشاهی خدا و انجام اراده او باشید و سعی کنید دعای خود را مانند اکثر دعاها در کتاب مقدس شروع کنید، نام بردن شخصیت خدا و اعمالش: «نام تو مقدس باد» (متی ۶: ۹) با فیض خدا، مردم از دعای شما پیروی خواهند کرد همانطور که شما از الگوی کتاب مقدس پیروی می کنید.

وقتی شما در ملا عام دعا می کنید، نه فقط الگو می شوید که چگونه دعا کنید، شما نمونه رفتار وابسته هم هستید. اگر رهبر روحانی بگوید: «ما به کمک خدا نیاز داریم»، او پیام قوی به پیروانش می فرستد. دعای عمومی وابسته راهی دیگر برای رهبری بدون سروری است.

وقتی من در دانشکده الهیات بودم در زیر نظر پرفسور «مردیت کلین»^{۱۳} درس می خواندم. زمانی که کلاس او را برداشتم تقریباً نزدیک بازنشستگی اش بود. دکتر «کلین» به خاطر تحقیقاتش در زمینه الهیات کتاب مقدس مورد تحسین بود. او علاقه شدیدی برای فهمیدن و توضیح دادن اینکه چگونه داستان کل

برای کله خود التماس کنید

کتاب مقدس با هم جور می‌شوند، داشت. اما فقط چارچوب جامع الهیات او نبود که به من کمک کرد کتاب مقدس را به شکل یکپارچه بخوانم، بلکه چیزی که بر من تأثیر گذاشت: دکتر «کلین» با دعا کردنش مرا تحت تأثیر قرار داد. او هر کلاسی را با دعا شروع می‌کرد. او صدایی خشک، گوشخراش و تقریباً آرام که کمتر مناسب برای کار دعای عمومی داشت. و او طولانی دعا می‌کرد. دکتر «کلین» اغلب برای ده دقیقه یا بیشتر دعا می‌کرد. اما صحبت او با خدا میخکوب کننده بود. در طول دعا، بنظر او تمام دانش گسترده خود را از الهیات کتاب مقدس به حیرت و پرستش خدا بر می‌گرداند. من هوشمندی سر به فلک کشیده را دیدم که خود را در مقابل عظمت خدا فروتن کرد، وصف بلندی و پهنای کار نجات خدا در عیسی. این پیرمرد ریز اندام، قلب من را بعد از کلاس با میل به شناخت و صحبت با خدا مانند او، تکان داد. او از سکوی عمومی خود به عنوان فرصتی برای دعای عمومی و تأثیر عظیم در زندگی دانش‌آموزان استفاده کرد.

تعداد کمی از مشایخ و شبانان دانش دکتر «کلین» را دارند. اما تمام سرپرستان کلیسا مکانهای عمومی دارند که می‌توانند با مهربانی از آن برای دعای صمیمی و کتاب مقدسی استفاده کنند. و آن نیازی به دکتر ندارد.

دعای مشایخ

دعا را در قسمت و بخشی از جلسات مشایخ انجام دهید. زمان آن رسیده است که از درخواست کردن از شخصی برای دعای آغاز جلسه و پایان جلسه بیشتر برویم. هر وقت جلسه دارید، زمان طولانیتری را با یکدیگر برای شفاعت اختصاص دهید. در حقیقت آن را اولین هدف در جلسات قرار دهید.

همچنین، در پیش کشیدن دعاها فی البداهه در طول جلسه آزاد باشید. من از آقای «باب» برای انجام این کار در جلسات مشایخ قدردانی می‌کنم. بعضی وقتها، ما مجبوریم موضوع‌های سنگینی را بحث کنیم، مانند موقعیت‌های ناراحت کننده که یکی از اعضای کلیسا را در بر گرفته است، یا تصمیمات

مشایخ کلیسا

سختی که باید بدون داشتن انتخاب‌های سفید یا سیاه گرفته شود. باب معمولاً دست خود را بالا برده می‌گوید، «آیا می‌توانیم چند لحظه مکث کنیم و درباره آن دعا کنیم؟» تصمیمات سخت یکی از نرم افزارهای شبانی است که در بالا به آن اشاره کردم، ولی دعای وابسته سیستم عامل آن است.

یک راه ساده برای تبدیل جلسات مشایخ، و مشایخ همکاران، دعای منظم و با هم برای سرتاسر فهرست اعضای کلیسای شما است. انجام این کار نه تنها اعضای شما برکاتی که از دعای دیگران برای آنها می‌رسد را دریافت می‌کنند، بلکه شما و مشایخ دیگر، خود را بر روی اعضای کلیسا متمرکز می‌کنید نه سازمان کلیسا. مشایخ ممکن است رضایت بیشتری در شفاعت برای اعضای کلیسا پیدا کند تا بحث برای مقدار پولی که باید صرف سیستم جدید گرمایی شود و یا اجازه بدهند کلوپ باغبانی شهر رویدادی را در تجهیزات کلیسا برگزار کنند یا نه.

دعا برای گله

در اینجا گفته شده است که چطور مشایخ کلیسای ما سعی کرده‌اند همه این چیزها را با هم انجام دهند. من این را به عنوان یک راه ممکن برای ساختار دعا در جلسات مشایخ شما ارائه می‌دهم، ولی مطمئناً این تنها راه یا بهترین راه نیست.

مشایخ ما به صورت رسمی دو بار در ماه جلسه دارند. ما یک جلسه «دعا» در اولین سه‌شنبه و یک جلسه «کاری» در سومین سه‌شنبه ماه داریم. ما سعی می‌کنیم در جلسات کاری هم دعا کنیم، ولی نه به مفصلی جلسه دعا، ما نیازهای شناخته شده در کلیسا را مطرح می‌کنیم، شامل نیازهای خود ما به عنوان شیخ، بعد بقیه زمانمان را صرف دعا برای درخواست‌ها و دعا برای قسمتی از فهرست اعضای کلیسا می‌کنیم. جلسه دعای مشایخ احتمالاً یکی از محبوب‌ترین فعالیتهای کلیسا می‌باشد.

برای کله خود التماس کنید

یک تفکر نهایی: در نظر بگیرید که مشایخ همکار خود را برای یک جلسه مخصوص دعا و حتی روزه دعوت می کنید. وقتی مشایخ با لحظات سختی در زندگی کلیسایی رو در رو شوند، ما اغلب یک هفته را برای دعا و روزه کنار می گذاریم. مشایخ مختلف روزه های روزه را برای خود تعیین می کنند تا تمام هفته پر شود. ما باید این کار را بیشتر انجام دهیم.

دعای شخصی

با دعای شخصی، منظورم دعا به تنهایی نیست (ما بعداً درباره آن به عنوان «دعای خصوصی» صحبت خواهیم کرد) منظورم دعا کردن با تک تک اعضا است. دوباره، این دعا یک فعالیت دیگر برای افزودن به لیست کارهای رهبران نیست. بلکه، باید یک قسمت از کار شبانی همیشگی شما باشد. هر وقت با یک عضو صحبت می کنید، سعی کنید برای او همان وقت و همان جا شخصاً دعا کنید. تمام چیزها را که با هم صحبت کردید را در دعا به حضور خدا ببرید، چه با کسی برای قهوه ملاقات می کنید چه بعد از شام در خانه تان. حتی اگر بعد از پرستش روز یکشنبه در سالن شلوغ کلیسا هستید و عضوی مشکل یا نگرانی را با شما در میان می گذارد، سعی کنید همانجا بایستید و بپرسید، «آیا می توانم برای این موضوع همین حالا دعا کنم؟» هرگز کسی را ندیدم که جواب رد بدهد. همچنین، راهی را پیدا کنید که اعضا هیأت مشایخ شما یعقوب ۵: ۱۴-۱۵ را به عمل آورد: اگر کسی از شما بیمار است، باید از مشایخ کلیسا بخواهد تا برای او دعا کنند و به نام خداوند بدن او را با روغن تدهین نمایند. دعایی که از روی ایمان باشد بیمار را نجات خواهد بخشید. خداوند او را از بستر بیماری نجات خواهد بخشید. خداوند او را از بستر بیماری بلند خواهد کرد و اگر مرتکب گناهی شده باشد بخشیده خواهد شد.

این آیات چند سؤال جالب را مطرح می کند. مانند «آیا حتماً باید از روغن استفاده کرد؟» «رابطه بین گناه و بیماری چیست؟» و «چطور دعای شیخ برای بیمار به بخشش ربط پیدا خواهد کرد؟» هدف من در اینجا دادن جزئیات تفسیر

مشایخ کلیسا

این آیات نیست. بلکه خیلی ساده می‌پرسم، «آیا شما و مشایخ همکاران بالای سر یک فرد بیمار همانطور که یعقوب گفت دعا کرده‌اید؟»

مشایخ ما این کار را کرده‌اند، و تعداد زیادی گفته‌اند که آن یکی از نکته‌های برجسته خدمت شیخی آنها بوده است. ما کار خدا را دیده‌ایم. بعضی وقت‌ها خدا بر عضو بیمار برای مدتی آرامی داده است. در بعضی مواقع، خدا شفای معجزه‌آسایی ظاهر کرده است، طوری که تومورشناسان سر خود را در گیجی خارا نه‌اند.

در مواقع دیگر، مطمئن نیستم خدا هیچ شفایی را در جسم انجام داده باشد، عضو بیمار از لحاظ روحانی تقویت شده است تا ادامه دهد.

هم اکنون که این را می‌نویسم، پدر من با سرطان دست و پنجه نرم می‌کند. او و مادرم عضو جماعت کلیسا هستند. آنها از مشایخ درخواست دعا کرده‌اند، مشایخ آمده برای او دعا کرده‌اند. ما هنوز نمی‌دانیم چطور خدا به آن دعا برای شفا جواب خواهد داد. اما من خواهم گفت که تجربه داشتن تقریباً دوازده مرد روحانی در اتاق نشیمن خانه والدین من و ریختن خواسته‌های قلبشان برای خدا درباره پدر و مادرم لحظه عمیقی برای والدینم و آن مردها بود.

دعا خصوصی

در آخر، ضروری است که شما وقت خصوصی برای مشارکت و شفاعت از خدا کنار بگذارید. امیدوارم، تا این لحظه، نیاز ضروری شما برای دعای خصوصی به عنوان یک شیخ به صورت اجتناب ناپذیری آشکار باشد. اگر شما با خدا نزدیک راه نمی‌روید، ممکن است از مسیر خارج شوید و گوسفندان را نیز با خود ببرید.

مصمم باشید که دعای خصوصی را به زندگی خود برگردانید. در یک جایی و به نحوی روزانه زمانی را برای دعای خصوصی جدا کنید. در مسیر رفت و آمد روزانه، وقتی سگتان را برای قدم زدن می‌برید، وقتی کارهای

برای کله خود التماس کنید

روزمره را انجام می‌دهید، دعا کنید. فهرستی از اعضا را با خود داشته باشید و در وقتی‌های آزاد خود هر عضو را به حضور خدا ببرید.

دعای خصوصی و مصاحبت با عیسی از طریق کلامش ممکن است در بین عادت‌ها نادیده گرفته شده فراوان یک شبان باشد. با اینکه، مطمئناً، این مهمترین شیوه تعیین کننده برای سرزندگی روحانی در زندگی و خدمت ما است. چه اتفاقی در جماعت کلیسای محلی ما خواهد افتاد اگر شبانان زیر نظر عیسی همانقدر که برای امور مالی، ایمیل و سیاست‌ها متعهد هستند، برای دعا کردن نیز متعهد باشند.

به جماعت دعا ملحق شوید

ما این فصل را با تفکر کردن در عمل دعا کردن عیسی شروع کردیم. دعا خدمت آشکار عیسی را پر ساخته و به پیش می‌برد. مشایخ باید به الگوی عیسی نگاه کنند و سعی در پیروی از او بکنند.

ولی دیدگاه دیگری برای خدمت دعای عیسی وجود دارد که ما باید در نظر داشته باشیم: عیسی هنوز دعا می‌کند.

عیسی کسی است که مرد و حتی دوباره زنده شد و اکنون در دست راست خدا برای ما شفاعت می‌کند (رومیان ۸:۳۴، عبرانیان ۷:۲۵). عیسی در پیشگاه خدای پدر برای ما شفاعت می‌کند (۱ یوحنا ۲:۱). چند ساعت قبل از رفتن عیسی روی صلیب، عیسی دعا کرد که پدر شاگردان را حفظ نماید تا مانند یهو دا هلاک نگردند (یوحنا ۱۷:۱) و قوم او در فیض خدا باقی خواهد ماند چون عیسی با پدر به جای ما صحبت می‌کند.

پس وقتی مشایخ برای کلیسایشان دعا می‌کنند، آنها نه تنها از عیسی پیروی می‌کنند، بلکه با عیسی همراه می‌شوند. شبانان زیر نظر با شبان اعظم هم صدا می‌شوند و از پدر می‌خواهند که از گوسفندان محافظت کند و آنها را به سلامت به خانه برساند.

خاتمه

بار جاویدان شبانی

خدمت شبانی در جماعت محلی یک امتیاز و مسئولیت بی پایان است، چون حامل یک اهمیت ابدی است. این وظیفه بعضی مواقع نا امید کننده و حتی غیر ممکن به نظر می آید اما آن ارزش تمام چیزهایی که به پایش می ریزد را دارد، زیرا شما مسئول چیزی کمتر از قوم با خون خریده شده عیسی و کار برای نیکویی ابدی آنها و جلال ابدی خدا نیستید. پس برای مشایخ همکار و مشایخ آینده، بگذارید شما را با دو تفکر تنهایی در نور این بار جاودانه شبانی ترک کنم. اولی یک هشدار است و دومی یک وعده.

اول، هشدار: به خوبی شبانی کنید، چون باید حساب پس بدهید. کلامی را که در عبرانیان مطالعه کردیم به خاطر داشته باشید:

«از رهبران خود اطاعت و پیروی کنید، زیرا آنان پاسداران جانهای شما هستند و در برابر خدا مسئولند. طوری رفتار کنید که آنها از خدمات خود راضی و خشنود باشند و نه ناراحت، چون در آن صورت نفعی عاید شما نخواهد شد» (عبرانیان ۱۳: ۷).

این متن در وهله اول نصیحت به اعضای کلیساست، اما هشداری برای مسئولان در آن قرار دارد، مشایخ مانند «کسانی که در برابر خدا مسئولند» مراقبت کنید. کلیسا به عیسی تعلق دارد. او گوسفندان را خریده است. مشایخ تنها پاسداران کسانی هستند که به دست آنها سپرده شده اند (۱ پطرس ۵: ۳). شبانان به شخص مالک درباره نحوه اداره کردن گله پاسخ خواهند داد. ما به داماد جواب خواهیم داد که چطور از عروس مراقبت کردیم. آیا حقیقت او را

تعلیم داده‌ایم، تمام حقیقت را، و نه هیچ چیز دیگری بلکه فقط حقیقت را؟ آیا گوسفندان او را همانطور که او دوستشان دارد، دوستش داریم؟ آیا ما سودجو یا فروتن هستیم؟ آیا ما برادران و خواهرانمان را به طرف عیسی هدایت می‌کنیم یا وقتی آنها سعی در پیروی او می‌کنند مانند سنگ لغزش عمل می‌کنیم؟ اما یک وعده جاودانه نیز وجود دارد: خوب شبانی کنید، زیرا تاجی برای به دست آوردن وجود دارد. بعد از اینکه پطرس مشایخ همکار خود را به فروتنی شبانی با نمونه بودن ترغیب می‌کند، او این وعده را می‌دهد، «و شما را در وقتی که شبان اعظم ظاهر می‌شود تاج پرجلالی را خواهید ربود که هرگز پژمرد نمی‌شود (پطرس ۵: ۴).

خیلی چیزهایی که هر هفته برای آن کار می‌کنیم یا نگرانش هستیم بیهوده است. کتاب جامعه به ما یادآوری می‌کند که کارهایی که کرده ایم و زحماتی که کشیده ایم بیهوده است. ما می‌اندوزیم و می‌سازیم تا برای دیگران واگذاریم. اما پاداش شبانی پژمرد هرگز از بین نمی‌رود. چه کار دیگری در طول هفته انجام می‌دهید که به شما وعده تاج جاودان را می‌دهد؟ برادرانم، همانطور که به شیخ بودن فکر می‌کنید و بهای آن را حساب می‌کنید، به یاد داشته باشید که جلال جاودان که برای خادم خوب و باوفا وجود دارد را در نظر داشته باشید.

«بسیاری از آنانی که مُرده‌اند، زنده می‌شوند. بعضی برای حیات جاودانی و برخی برای خجالت و رسوایی ابدی، حکیمان همانند آفتاب خواهند درخشید و کسانی که مردم را به راه راست هدایت کرده‌اند، همچون ستارگان تا ابد تابناک می‌شوند.» (دانیال ۱۲: ۲-۳)

کتاب‌های فارسی از سازمان ناین مارکس 9Marks (نُه علامت):

مارک دور	کلیسای تندرست چیست؟
جاناتان لی من	عضویت کلیسا
جاناتان لی من	انضباط و تادیب کلیسا
جرمی رین	مشایخ کلیسا
دیوید هلن	موعظه تشریحی
گرگ گیلبرت	انجیل چیست؟
گرگ گیلبرت	عیسی کیست؟

به زودی...

مارک دور	شاگردی سازی کلیسا
مارک دور	نمایش جلال خدا
بابی جیمی سان	الهیات صحیح
ج. ماک استیلز	بشارت

آیا کلیسای شما تندرست است؟

هدف مؤسسه «ناین مارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به ملت‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

به همین دلیل مایلیم که کلیساهای ما با رشد ۹ علامت تندرستی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، یاری نماییم. این ۹ علامت عبارت‌اند از:

- ۱ - موعظه تشریحی
- ۲ - الهیات کتاب مقدسی
- ۳ - درک کتاب مقدسی از خبر خوش
- ۴ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها
- ۵ - درک کتاب مقدسی از بشارت
- ۶ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا
- ۷ - درک کتاب مقدسی از تادیب یا انضباط کلیسایی
- ۸ - شاگردی و رشد کتاب مقدسی
- ۹ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

ما در موسسه ناین مارکس مقاله، کتاب، نقد و بررسی کتاب و مجله آنلاین تهیه می‌نماییم. در حال حاضر وب‌سایت ما شامل ۳۰ زبان مختلف دنیا است. با ثبت نام در سایت، شما می‌توانید از مجله آنلاین ما استفاده نمایید.

9Marks.org



Building Healthy Churches

Church Elders

In Farsi

Jeramie Rinne

Translation By: Ali Bidad

Editor: Mohammad Sanavi

Bible Training Center for Persians

9Marks ISBN: 978-1-950396-89-4

© 2018, 9Marks

www.9marks.org

www.kanoneketab.com

201912

بنای کلیسای تندرست

هدف سازمان «ناین مارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به ملت‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

۱ - موعظه تشریحی

۲ - الهیات کتاب مقدسی

۳ - درک کتاب مقدسی از خبر خوش

۴ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها

۵ - درک کتاب مقدسی از بشارت

۶ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا

۷ - درک کتاب مقدسی از انضباط و تادیب کلیسایی

۸ - شاگردی و رشد کتاب مقدسی

۹ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

Bible Training Center
for Persians



Church Elders- Farsi